

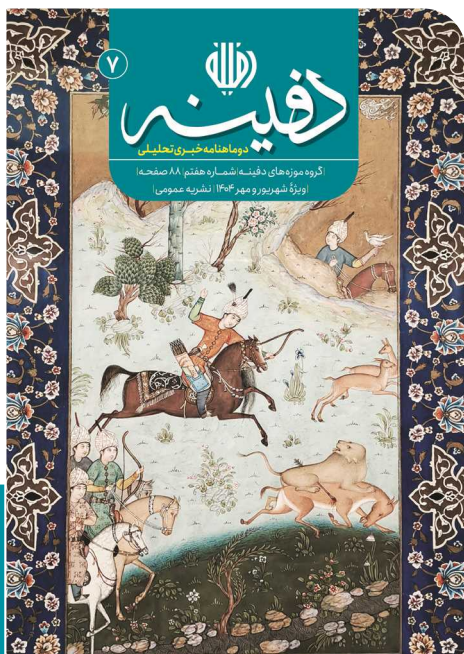


دفاینه

دوماهنامه خبری تحلیلی

گروه موزه‌های دفاینه | شماره هفتم | ۸۸ صفحه |
ویژۀ شهریور و مهر ۱۴۰۴ | نشریه عمومی |

- صاحب امتیاز: **مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد**
مدیر مسئول: **حمیدرضا سلیمانی**
سر دبیر: **اسدالله جودکی عزیزی**
شورای سیاست‌گذاری: **حمیدرضا سلیمانی**
کتابیون پلاسعیدی **مهدی نجابت**
اعظم صفی‌پور **طراح گرافیک: محسن خرقانی**
- ❖ سخن نخست / ۲ /
❖ مقدمه / ۴ /
❖ طرح‌های توسعه‌ای / ۶ /
● موزه کیش / ۶ / ● موزه نگاره‌های هنر / ۱۲ / ● موزه آرایه‌های هنر / ۲۰ /
● فاز سوم موزه خودرو / ۲۴ / ● کتابخانه تخصصی دفاینه / ۲۸ /
❖ آکادمی‌ها / ۳۶ /
● آکادمی بین‌المللی آرایه‌های معماری / ۳۸ / ● آکادمی دفاینه (مرمت) / ۴۰ /
● پردیس یزد / ۴۴ / ● موزه زمان / ۴۸ / ● موزه هنر-آکادمی اصفهان / ۵۰ /
● پردیس رامسر / ۵۳ / ● آکادمی کیش / ۵۴ / ● آکادمی موزه هنر ایران / ۵۶ /
❖ ترجمه مقالات / ۵۸ /
● مقدمه / ۵۸ /
● حفاظت از مناطق تاریخی در منشورها و کنفرانس‌های بین‌المللی ۶۲ /
● مدیریت میراث فرهنگی نقش منشورها و اصول ۷۶ /
❖ معرفی کتاب / ۸۷ /



نشانی: تهران، بزرگراه شهید سلیمانی،

نرسیده به بلوار آفریقا، بنیاد مستضعفان، ساختمان شهید بصیر،
طبقه ۴، مؤسسه فرهنگی موزه‌ها.

پست الکترونیکی: journaldafineh@gmail.com

وبسایت نشریه: journal.dafineh.ir

کد پستی: ۱۵۱۹۶۱۳۵۱۴

تلفن: ۰۲۱-۸۶۰۸۸۰۳۲ و ۰۲۱-۸۶۰۸۸۰۳۷

پروانه انتشار نشریه «دفاینه» از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،
طی مجوز شماره ۹۷۹۳۲ در تاریخ ۱۴/۰۵/۱۴۰۴ صادر شده است.

تصویر روی جلد:

مینیا تور شکارگاه، با تکنیک آبرنگ و گواش روی کاغذ،

هنرمند نامعلوم، تهران یا اصفهان،

راهِبردهای نوین موزه‌داری: تأخلف از حفاظت فرهنگی پایدار

◀ حمیدرضا سلیمانی

**۱. توسعه فیزیکی: ساخت
موزه‌های جدید به مثابه گشودن
دروازه‌های تمدن**

ساخت موزه‌های جدید، در ذات خود، یک بیانیه فرهنگی است. این اقدام، فراتر از احداث یک بنای جدید، بیانگر عزم یک جامعه برای گفت‌وگوی فعال با تاریخ و هویت خویش است. چنین پروژه‌هایی این ظرفیت استثنایی را ایجاد می‌کنند که آثار تاریخی و هنری، از پستوهای تاریک انبارها به عرصه دید عموم درآیند. این «قابل دیده شدن»، سنگ بنای تعالی فرهنگی است؛ چرا که امکان ارتباط مستقیم و عاطفی مردم با میراث‌شان را فراهم می‌آورد.

هر اثر تاریخی که از خزانه به نمایشگاه منتقل می‌شود، تنها یک شیء نیست، بلکه داستانی است که منتظر روایت شدن است. این داستان‌ها می‌توانند الهام‌بخش نسل جوان باشند، هویت جمعی را تقویت کنند و حتی در توسعه اقتصادی منطقه نقش آفرین باشند. موزه‌های جدید

در دورانی که پویایی و معناگرایی، جایگاه نهادهای فرهنگی را تعیین می‌کند، موزه‌ها دیگر نمی‌توانند نگهداران منفعل گذشته باشند. این نوشتار قصد دارد تا با نگاهی راهبردی و مفصل، به بررسی برخی از مسیرهای اثربخش برای تبدیل موزه‌ها به کانون‌های پویای فرهنگ‌سازی و توسعه پایدار بپردازد. سه محور «توسعه فیزیکی هوشمند»، «تحول آموزشی» و «عمل به تعهدات بین‌المللی» در این مسیر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

اشاره



می‌توانند به قانونی برای تقویت غرور ملی، جذب گردشگری فرهنگی و ایجاد فضایی برای تعاملات اجتماعی عمیق تبدیل شوند. هر بنای جدید، فرصتی است برای به نمایش گذاشتن اصالت و تنوع فرهنگی یک منطقه در مقیاس محلی، ملی و بین‌المللی.

۲. تحول آموزشی: ایجاد آکادمی؛ گذر از نهاد نمایشی به نهاد دانش‌بنیان

اما ایجاد فضاهای فیزیکی، تنها گام اول است. گام بعدی و تعیین‌کننده، ترریق روح آموزش و پژوهش به کالبد موزه‌ها از طریق راه‌اندازی آکادمی‌های تخصصی است. نگاه به آکادمی، باید فراتر از برگزاری چند کارگاه باشد؛ آکادمی، هسته مرکزی برای تبدیل موزه به یک «اکوسیستم زنده دانش» است. اینگونه مراکز، مخاطب را از حالت منفعل «بیننده» به نقش فعال «یادگیرنده» و «خالق» ارتقا می‌دهند. یک آکادمی تخصصی در دل یک موزه، می‌تواند به پرورش نسل جدیدی از هنرمندان، مرمتگران و پژوهشگران بینجامد، دانش سنتی و ناملموس را ثبت و احیا کند، و با ایجاد دوره‌های تخصصی، هم به درآمدزایی پایدار کمک کند و هم پیوند ناگسستنی بین جامعه و میراث فرهنگی ایجاد نماید. این مدل، موزه را از یک مقصد بازدیدی به یک «مسیر» دائمی برای کشف و رشد تبدیل می‌کند.

آکادمی‌های تخصصی درون موزه‌ها می‌توانند با طراحی دوره‌های آموزشی متناسب با مخاطبان مختلف، از

کودکان تا متخصصان، زمینه را برای یادگیری مادام‌العمر فراهم آورند. این مراکز می‌توانند با دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی همکاری نزدیک داشته باشند و به حلقه اتصال بین نظریه و عمل تبدیل شوند.

۳. عمل به تعهدات جهانی: پایبندی به منشورهای بین‌المللی، تضمین‌کننده اصالت و ماندگاری

در نهایت، هیچ یک از این اقدامات بدون چارچوب‌های اخلاقی و علمی معتبر، به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. پایبندی به منشورهای بین‌المللی حفاظت یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت است. این اسناد، عصاره خرد جمعی متخصصان جهان برای حفاظت از حافظه مشترک بشریت هستند.

رعایت اصولی مانند «اصالت اثر»، «مستندسازی دقیق»، «حداقل مداخله» و «حفاظت در محل»، ضمانت می‌کند که هر اقدامی نه تنها به میراث آسیب نزنند، بلکه اصالت و ارزش علمی آن را برای نسل‌های آینده حفظ کند. این رویکرد، اعتبار جهانی برای نهادهای فرهنگی به ارمغان می‌آورد و نشان می‌دهد که ما خود را جزئی از جامعه جهانی متعهد به حفظ تمدن انسانی می‌دانیم.

پایبندی به این استانداردها نه تنها به معنای حفظ گذشته است، بلکه تضمین‌کننده آینده میراث فرهنگی نیز هست. با رعایت این اصول، می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم که نسل‌های آینده نیز می‌توانند از این گنجینه‌های فرهنگی بهره‌مند شوند.

جمع‌بندی: حرکت در یک مسیر سه‌ضلعی

به باور ما، تلفیق این سه محور—توسعه فیزیکی هدفمند، تحول آموزشی عمیق، و پایبندی اخلاقی به استانداردهای جهانی—اساس موزه‌داری معاصر و پاسخگو را تشکیل می‌دهد. این سه، یک مثلث راهبردی هستند که یکدیگر را تقویت و تکمیل می‌کنند: موزه‌های جدید، بستر فیزیکی را فراهم می‌کنند، آکادمی‌ها به آن جان می‌بخشند و پایبندی به اصول جهانی، بقا و اعتبار دیرپای آن را تضمین می‌کند. در این مسیر، مؤسسه ما نیز کوشیده است تا با الهام از این راهبردها، گام‌های بلندی در جهت تحقق این ایده‌آل بردارد و فضایی فراهم آورد که در آن، میراث گذشته نه تنها پاس داشته می‌شود، بلکه به موتوری برای خلق فرهنگ و دانش در زمان حال تبدیل می‌گردد. امید است این نگاه، الهام‌بخش همکاری و هم‌افزایی گسترده‌تر در مسیر اعتلای فرهنگی میهن عزیزمان باشد.

ما بر این باوریم که سرمایه‌گذاری در توسعه موزه‌ها، یک سرمایه‌گذاری پایدار برای آینده فرهنگی کشور است. با بهره‌گیری از این راهبرد سه‌گانه، می‌توانیم موزه‌ها را به نهادهای پیشرو در عرصه فرهنگ تبدیل کنیم که هم حافظ گذشته هستند و هم خالق آینده. این مسیر اگرچه چالش‌برانگیز است، اما با همکاری همه دست‌اندرکاران و متخصصان این عرصه، بدون شک به نتایج درخشان و ماندگاری خواهد انجامید.



در مسیر توسعه

در سال‌های اخیر، مفهوم «توسعه» در عرصه فرهنگ و میراث، معنایی گسترده‌تر از گذشته یافته است؛ توسعه‌ای که نه تنها افزایش زیرساخت‌ها و فضاهای موزه‌ای، بلکه ارتقای کیفیت محتوای فرهنگی، آموزشی و پژوهشی را نیز دربر می‌گیرد. هر موزه جدید، امکانی برای بازنمایی بخشی از

هویت فرهنگی ماست که پیش از این در مخازن خاموش مانده یا فرصت ارائه شایسته نداشته است. به همین اعتبار، هر فضای جدید فرهنگی، بستری برای شکل‌گیری ظرفیت‌های تازه آموزشی، پژوهشی و هنری است و دقیقاً در همین نقطه است که «توسعه فیزیکی» مستقیماً به «توسعه محتوایی» پیوند می‌خورد. توسعه فیزیکی مجموعه‌ای از اقدامات برنامه‌ریزی شده است که هدف آن ارتقای کیفیت حفاظت، نمایش و تجربه بازدیدکننده است. بری لُرد در کتاب راهنمای برنامه‌ریزی موزه تأکید می‌کند که زیرساخت فیزیکی موزه «سکوی اجرای مأموریت» آن است، نه

پوسته‌ای منفعل. از این منظر، توسعه فیزیکی تنها گسترش تالارهای نمایش و فضای موزه‌ای نیست؛ بلکه شامل ایجاد دسترسی برابر، بهبود تجربه بازدید، ارتقای زیرساخت‌های حفاظت و بهینه‌سازی شرایط محیطی نیز می‌شود. از سوی دیگر، توسعه فیزیکی موزه‌ها ظرفیت جذب و مشارکت گروه‌های اجتماعی جدید را نیز فراهم می‌کند. فضاهای تازه، امکان اجرای برنامه‌های تازه را ایجاد می‌کنند؛ و برنامه‌های جدید، مخاطبان جدید را به میدان می‌آورند. این چرخه، موزه را زنده و پویا نگه می‌دارد و آن را از نهادی صرفاً نمایشگر، به نهادی فرهنگی و اجتماعی تبدیل می‌کند.

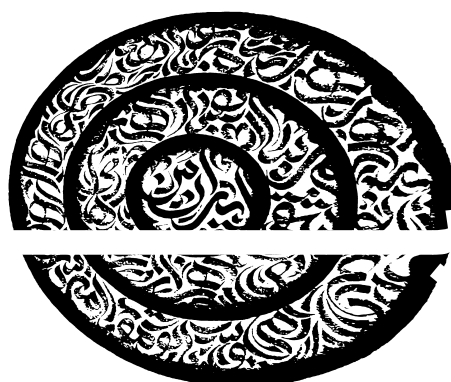
در عصر تحول دیجیتال و تغییرات اجتماعی، موزه‌هایی موفق خواهند بود که توسعه کالبدی را با توسعه داده‌محور تلفیق کنند. تلاقی این دو مسیر، بهبود کالبدی و ارتقای ظرفیت تحلیلی، جهت‌گیری آینده موزه‌ها را مشخص می‌کند. موزه‌ای که از نظر فیزیکی توسعه یافته اما فاقد محتوای مناسب است نمی‌تواند نیازهای فرهنگی جامعه را

به درستی پاسخ دهد؛ و موزه‌ای که دارای داده‌های غنی است اما از زیرساخت لازم برخوردار نیست، قادر به ارائه تجربه‌ای کامل و استاندارد نخواهد بود. از همین رو انتخاب و نمایش آثار متناسب با مأموریت هر موزه، گامی اساسی در تحقق این دیدگاه بوده است.

مؤسسه فرهنگی موزه‌ها در ماه‌های اخیر، با یاری همکاران این مؤسسه، با طراحی و افتتاح چندین موزه نمونه‌ای روشن از این نگاه تازه به توسعه را به نمایش گذاشته است؛ نگاهی که در آن، فضاهای نوبه‌مثابه ظرفی خنثی ساخته نمی‌شوند، بلکه زیربنایی برای خلق ظرفیت‌های انسانی و دانشی به شمار می‌آیند. هر قفسه کتاب، هر میز مطالعه و هر کارگاه آموزشی در واقع امتداد رسالت موزه‌ها در تولید دانش، نقد میراث و تربیت نسل پژوهشگران آینده است. به بیان دیگر، توسعه فیزیکی تنها ساخت فضا نبود؛ بلکه زمینه‌ساز ایجاد اکوسیستم دانشی تازه‌ای شد که در آن پژوهشگران، هنرمندان، دانشجویان و علاقه‌مندان عمومی می‌توانند در محیطی استاندارد و هدفمند به بررسی

منابع، شناخت آثار و تولید اندیشه‌های تازه بپردازند. این توسعه همچنین موجب شده شمار قابل توجهی از آثار که سال‌ها امکان نمایش نداشتند، اکنون در معرض دید عموم قرار گیرند؛ و این، خود نوعی احیای دوباره میراث پنهان است. این رویکرد نشان می‌دهد که توسعه فیزیکی، بخشی از مأموریت بنیادین مؤسسه برای تقویت زیست فرهنگی جامعه است. این هم‌افزایی میان توسعه کالبدی و توسعه محتوایی، موزه‌هایی انعطاف‌پذیر، پاسخ‌گو و پایدار پدید می‌آورد؛ موزه‌هایی که نه تنها حافظ گذشته‌اند، بلکه فعالانه در ساختن آینده فرهنگی جامعه مشارکت می‌کنند.

این مجموعه بر این باور است که موزه‌ها در جهان امروز تنها مراکز نمایش نیستند، بلکه بخشی از سازوکارهای شکل‌دهی به جامعه‌ای آگاه‌تر، خلاق‌تر و متکی بر حافظه تاریخی هستند. توسعه‌های اخیر، چه در بعد کالبدی و چه در بعد محتوایی، شاهدهی بر تعهد مؤسسه فرهنگی موزه‌ها به این رسالت بنیادین است.



افتتاح موزه

و فرهنگی جامعه اسلامی ایران و شناساندن هویت تاریخی، ملی و فرهنگی به نسل‌های امروز و بعدی ایرانی و همچنین در راستای توسعه موزه‌داری طبق منویات رهبری و نبود موزه فرهنگی در این جزیره اقدام به راه اندازی موزه هزاره‌های هنر در جزیره کیش نموده است. بنای این موزه از گذشته با نام کاخ نخست وزیری شناخته می‌شود. این بنا از مجموعه کاخ‌های احداث شده در جبهه شمال شرقی جزیره کیش و مربوط به دوره پهلوی

ارزشمند و گرانبیست از سرزمین‌های دور دست مانند چین را به این نقطه ارسال می‌کردند. تا این آثار از کیش به بازارهای اروپا ارسال شود. امروزه با گذشت بیش از چند قرن شکوفایی تنها تل خاکی از حریره باقی مانده و شکوه و جلال و جاذبه جزیره کیش تنها به زیبایی‌های طبیعی، مراکز خرید و تفریحی محدود است. موسسه فرهنگی موزه‌ها در جهت فرهنگ‌سازی و ارتقای سطح دانش عمومی و تخصصی، کمک به کاهش استضعاف علمی

جزیره کیش یکی از جزایر کلیدی و خوش آب و هوای خلیج همیشه فارس است. این جزیره به دلیل ویژگی سوق الجیشی خود از دیرباز همواره مورد توجه جوامع انسانی بوده است. در قرون اسلامی بیشتر ساکنان این جزیره در شهر ساحلی سکونت داشتند که با نام حریره شناخته می‌شود. این شهر ساحلی بعد از افول شهر سیراف به بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مرکز تجاری حوزه خلیج فارس تبدیل شد. کشتی‌های تجاری بی‌شماری، آثاری



ش

دوم است که به منظور استفاده و اقامت موقت مسئولان مملکتی وقت، توسط شرکت مرکوری طراحی و اجرا شده بود. نحوه اجرای این ساختمان یک طبقه نیز هماهنگ با سایر ساختمان‌های مجموعه بوده و در طراحی آن از آرکی متشکل از خطوط شکسته ناپیوسته، (نماد معماری معاصر جزیره کیش) استفاده شده است. در طراحی معماری این دوره از طرح‌های کاملاً ایرانی الهام گرفته شده است. بخش دیگر الهام از معماری سلجوقی (شهر تاریخی

حریره) و همچنین بر اساس خطوط هندسی قائم، افقی و عمودی که پایه مثلث، مربع و مستطیل ساخته شده است. ساختمان کاخ نخست وزیری از دو بال متقارن، بدون توجه به تقسیم بندی فضای داخلی طراحی و حول محور مرکزی ساخته شده است. این کاخ قبلاً از سوی سازمان منطقه آزاد کیش مرمت و بهسازی شده بود اما به منظور تغییر کاربری آن به موزه نیازمند تغییرات گسترده و زیادی بود. این مرمت و بازسازی از تاریخ ۱۵ اردیبهشت

این بنا از مجموعه کاخ‌های احداث شده در جبهه شمال شرقی جزیره کیش و مربوط به دوره پهلوی دوم است



دیواره‌های الحاقی همگی به وسیله کناف و بامیکروسمنت همانند ظاهر قدیمی بازسازی گردید.

آغاز گردید و به مدت نزدیک به ۴ ماه ادامه یافت. مرمت و بازسازی در سه فاز صورت پذیرفت.

برداشت و نقشه برداری.

ابنیه: با توجه به اینکه بنا پیشتر در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده بود مرمت با مواد تفکیک پذیر ساخته شد. دیواره‌های الحاقی همگی به وسیله کناف و بامیکروسمنت همانند ظاهر قدیمی بازسازی گردید. با همان رنگ‌هایی که پیشتر ثبت ملی شده، نقاشی مجدد گردید. بر روی تمامی روزه‌های ساختمان با حفاظی الهام

گرفته شده از خوشنویسی ایرانی تزئین و همسان سازی با بنا شد. بر روی دیواره داخلی و بیرونی بنا با طراحی کالیگرافی تصویر سازی گردید.

چیدمان آثار: در این فاز تعدادی زون با شیشه‌های سکوریت ساخته شد که بزرگ‌ترین آن می‌توان به سالن عاج اشاره کرد.

در پایان موزه هزاره‌های هنر با مساحت ۹۶۰ مترمربع و نمایش ۳۳۲ اثر ارزشمند در تاریخ ۱۳ مهر ۱۴۰۴ افتتاح شد. به طور کلی آثار این موزه به ۹ دسته تقسیم می‌گردد:

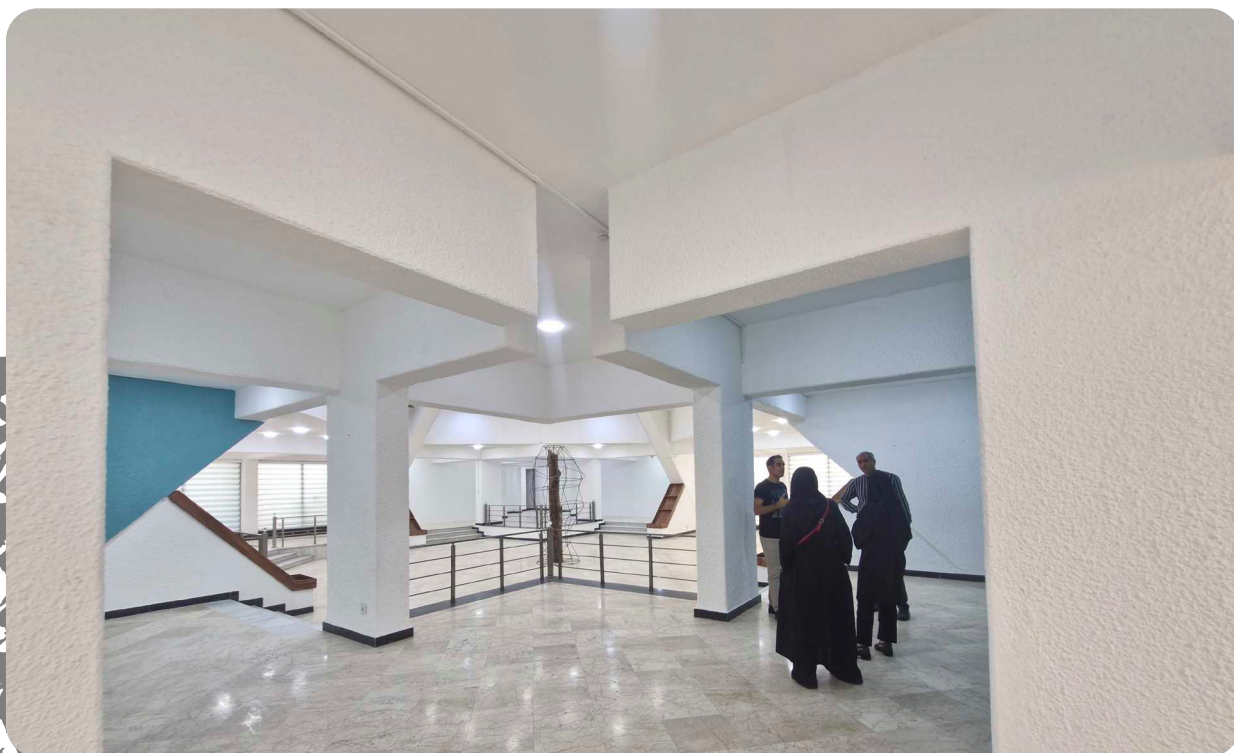
- بافته و منسوجات
- پول
- رنگ و نقش
- جنگ افزار
- تندیس

- آثار زینتی و کاربردی
- گلینه
- عاج
- جواهرات

بافته و منسوجات که بخش مهمی از تاریخ هنر و فرهنگ مادی این سرزمین‌اند شامل ترمه با نقش‌مایه‌های بته‌جقه و اسلیمی می‌باشد. همچنین در این آثار به کارگیری مروارید در تزئینات ترمه تصویری روشن از تبادل میان هنر نساجی ایران و اقتصاد دریایی منطقه به نمایش درآمده است.

پول که همواره ابزاری برای دادوستد، نمادی از قدرت سیاسی، باورهای دینی و هویت فرهنگی بوده است. مطالعه سکه‌ها و اسکناس‌ها در شهرهای بندری جنوب ایران همچون لار، آبادان و بوشهر







نشان می‌دهد که این مراکز نقشی مهم در شبکه‌های تجاری و مبادلات اقتصادی منطقه داشته‌اند. علاوه بر سکه‌ها، اسکناس‌های دوره قاجار نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند.

تابلوهای نقاشی در این موزه آثار ارزشمندی از نقاشان یونان، هلند، انگلیس و روسیه مربوط به سده نوزدهم میلادی به نمایش درآمده است که تصویری زنده از پیوند هنر با تاریخ دریانوردی و زندگی بندری در سده‌های هجده و نوزده میلادی را به نمایش گذاشته‌اند.

جنگ افزار مجموعه‌ای ارزشمند از سلاح‌های تاریخی تفنگ‌ها، تپانچه‌های سرپر، سنگ چخمافی و یک دولول شکاری می‌توان اشاره کرد.

از نمونه‌های شاخص این آثار می‌توان به تفنگ سرپر قاجاری با

و چینی، مبلان، جعبه جواهرات و ابزارهای آرایشی و بازتاب دهنده سبک‌هایی چون روکوکو، نئوکلاسیک، ویکتوریایی و هنرنو هستند. مواد گوناگونی مانند نقره، عاج، کریستال‌های بوهمی، شیشه‌های تراش خورده، چینی سخت، برنز و حتی مواد مصنوعی جدید در آن به کار رفته است. نمونه‌هایی همچون میزهای منقوش لیموژ، مبل لویی شانزدهم با روکش مليله‌ای، گلدان فاخر روسی یا ظرف نقره و شیشه ساخت سازندگان مسکو در این مجموعه جلوه‌گر هستند. از دیگر آثار شاخص این مجموعه می‌توان به قرآن نفیس با یک جعبه چوبی منبت کاری شده با صدف و چوب اشاره کرد. قرآن این مجموعه با جلد مرصع کاری شده با صدف و الگوهای پیچیده و تصویری از قبه الصخره تزئین یافته است.

تزئینات عاج و چرم اشاره کرد که نام استادکار ((قرین محمد)) بر بدنه آن حک شده و نشان دهنده اهمیت حرفه هنری اسلحه‌سازی در ایران است.

مجسمه و تندیس‌ها در این موزه تصویری از اوج هنر برنزی در سده نوزدهم اروپا و هنرمندان فرانسوی را ارائه می‌دهد. بسیاری از تندیس‌های موجود در این گنجینه با تکنیک ریخته‌گری و قالب‌گیری ساخته شده‌اند. قدیمی‌ترین اثر این مجموعه مجسمه پرومتئوس در حال نبرد با عقاب است که قدمت آن برای سده هفدهم میلادی و شروع استفاده از تکنیک ریخته‌گری به سبک باروک است. این اثر تصویری از یک اسطوره یونان را به تصویر می‌کشد که در آن پرومتئوس، درغل و زنجیر بسته شده به تخته سنگ درحال رویارویی با عقاب است.

آثار زینتی شامل ظروف شیشه‌ای

گزینه مجموعه‌ای از ظروف لعابدار، زرین‌فام و نمونه‌های وارداتی یا الهام گرفته از هنر شرق و غرب تصویری جامع از سیر تحول سفال در ایران و پیوند آن با جهان پیرامون ارائه می‌دهد.

از شاخص‌ترین نمونه‌های این مجموعه می‌توان به ظرف زرین‌فام کاشان، ری با درخشش طلایی و تکنیک پیچیده ساخت اشاره کرد. در کنار آنها سفال سلادون چینی که در دوره میانه اسلامی به ایران راه یافته و در دربارها محبوب شد.

سفال گمبرون که از جنس کائولین و به شیوه سفالگری با چرخ ساخته شده است قسمت‌های تزئینی دارای خاصیت نیمه شفاف هستند، این نوع تزئینات که در آن نور قابل عبور هستند با کاهش ظریف و کنترل شده ضخامت بدنه درنواحی مشخص ایجاد می‌شود که این ویژگی باعث تمایز این اثر از دیگر

آثار سفالی مجموعه می‌باشد.

عاج یکی از ارزشمندترین بخش‌های موزه است. مجموعه‌ای که نه تنها بیانگر مهارت‌های بی‌مانند هنرمندان شرق و غرب در کار با این ماده کمیاب بوده، بلکه بازتابی از مسیرهای تجارت و تبادل فرهنگی در سده‌های اخیر به شمار می‌آید. آثار موجود در این مجموعه، از قایق‌های مینیاتوری و بطری‌های انفیج چینی گرفته تا تندیس‌های آیینی هندی، غلافه‌ای تزئینی ژاپنی، عصای آفریقایی و شطرنج‌های اروپایی و روسی طیفی گسترده از کاربردها و مضامین فرهنگی را دربردارد.

جواهرات آتاریست که در تاریخ ایران و جهان همواره فراتر از زیورهای فردی عمل کرده‌اند و به عنوان نشانه‌ای از قدرت، منزلت اجتماعی و اسنادی فرهنگی شناخته می‌شوند.

بخشی از این مجموعه ریشه در

سنت‌های ایرانی دارند و با نقوش گل و یا مینا کاری ادامه دهنده میراث کهن هستند. در کنار آنها زیورآلاتی از هند، سرزمین‌های عربی، ژاپن و اروپا دیده می‌شود و این تنوع در دوره‌های قاجار و پهلوی به اوج رسیده است؛ زمانی که اشراف ایرانی طیفی از جواهرات شرقی و غربی را گرد آورده‌اند. همچنین گفتنی است که مروارید جایگاه ویژه‌ای در این مجموعه دارد بسیاری از زیورها با مرواریدهای طبیعی ساخته شده‌اند که نشان دهنده اهمیت جهانی این منطقه در صید و تجارت مروارید است که می‌توان به سنجاق‌ها، انگشترها و گردن‌بندهای مروارید که جلوه‌ای از ذوق اجتماعی و آیینی را در این موزه به نمایش می‌گذارند، اشاره کرد. در پایان می‌توان به شمشیرها و خنجرهای مرصع با روکش طلا اشاره کرد که نمونه‌ای از پیوند زرگری و جنگ افزارسازی هستند.



گزارش فرایند احداث و راه‌اندازی موزه

نگاره‌های هنر؛

پردیس موزه‌های دفینه

مقدمه

مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد یکی از متولیان حوزه موزه‌داری در کشور به‌شمار می‌آید که با توجه به تعداد، کیفیت و تنوع آثار هنری و تاریخی موجود در خزانه‌های مؤسسه و از طرفی رسالت توسعه مراکز فرهنگی و نیز حفظ و نگهداری از گنجینه‌ها و ارائه خدمات موزه‌ای، فرهنگی و هنری با بهره‌گیری از دانش و فن‌آوری روز در طی سالیان اخیر اقدام به تأسیس و افتتاح موزه‌های مدرن و تخصصی در پایتخت و شهرهای دیگر ایران نموده است.

این مهم که بر دو اصل افتتاح موزه‌های تخصصی و توجه به در معرض دید و استفاده عموم مردم قرار دادن آثار موجود در خزانه‌های مؤسسه فرهنگی موزه‌ها شکل گرفته است، بار دیگر متخصصان و مدیران مؤسسه فرهنگی موزه‌ها را بر آن داشت تا در پردیس

موزه‌ای دفینه که پیش از این مشتمل بر سه موزه تخصصی پول ایران، گوهر و آرایه‌های تاریخی و هنرجهان-اسلامی بوده و از فضای کافی و مناسب جهت ایجاد موزه‌ای جدید برخوردار بود، موزه تخصصی دیگری با موضوع نقاشی‌های دوره قاجار ایران در فضایی با بیش از ۵۰۰ متر مربع و حدود ۲۰۰ اثر تاریخی منحصربه‌فرد افتتاح شد.

موزه نگاره‌های هنر، گنجینه‌ای کم‌نظیر از رنگ‌ها و نقش‌های اصیل ایرانی است که به‌دست استادکاران هنرمند این سرزمین خلق شده‌اند. این مجموعه ارزشمند از بوم و کاشی در روز دوازدهم مهرماه سال جاری در پردیس موزه‌ای دفینه، طبقه منفی دو، افتتاح شد و پذیرای هنرمندان، پژوهشگران و علاقه‌مندان است. آثاری که در این موزه گرد آمده‌اند، روایتگر سیر تکامل هنر ایران در دوران قاجار هستند و

بازتابی از ذوق و خلاقیت هنرمندان آن عصر به‌شمار می‌روند. در این نمایشگاه دائمی، طیفی متنوع از سبک‌های هنری به چشم می‌خورد؛ از واقع‌گرایی قاجاری تا ظرافت‌های نگارگری و از شیوه‌های منحصربه‌فرد کاشی‌کاری ارزشمند، که همگی در کنار هم تصویری باشکوه از میراث هنری ایران را پیش روی مخاطب قرار می‌دهند. گزارش پیش رو فرایند احداث و راه‌اندازی این موزه را ارائه می‌دهد.

مطالعات اولیه و انتخاب مکان

مطالعات امکان‌سنجی و نیازسنجی پروژه از تابستان سال ۱۴۰۴ آغاز گردید و در این مرحله، بررسی‌های جامع



آسان برای بازدیدکنندگان و فراهم بودن زیرساخت‌های فنی و امنیتی لازم برای حفاظت و ارائه مطلوب آثار.

انتخاب آثار

در طول مدت اجرای طرح عملیاتی موزه، با توجه به محتوای انتخابی و هدف‌گذاری پروژه، آثار مورد نظر از سه گنجینه نقاشی، معماری و تاریخ، انتخاب و مورد بازبینی و ارزیابی دقیق کارشناسان قرار گرفتند.

پس از انجام بررسی‌های اولیه، مرحله مرمت آثار آغاز شد که شامل اقدامات متنوع و تخصصی بود. کارشناسی مجدد آثار شامل اندازه‌گیری دقیق ابعاد هر اثر، شناسایی و ارزیابی

جریان بازدید و بهره‌برداری علمی از مجموعه فراهم آمد.

در ادامه، با توجه به تعداد و حجم آثار و همچنین نحوه نصب آن‌ها، مقاومت و استحکام دیوارهای محل نصب مورد ارزیابی قرار گرفت. این بررسی‌ها نشان داد که فضای انتخابی نه تنها از نظر سازه‌ای پاسخگوی نیازهای موزه خواهد بود، بلکه امکان ایجاد شرایط استاندارد نگهداری آثار هنری، شامل سیستم تهویه پیشرفته، کنترل دما و رطوبت و رعایت معیارهای ایمنی محیطی را نیز فراهم می‌آورد. علاوه بر این، انتخاب این فضا مزایای دیگری نیز به همراه داشت؛ از جمله ارتباط مستقیم و هم‌افزا با سایر مجموعه‌های موزه، دسترسی

و دقیق برای تعیین بهترین محل و شرایط مناسب جهت ایجاد موزه نگاره‌های هنر صورت گرفت. در این راستا، با توجه به محتوای آثار انتخابی و روایت هنری مورد نظر که بر هنر دوره قاجاری متمرکز بود، بررسی‌های فضایی آغاز شد تا مکانی فراهم گردد که ضمن حفظ یکپارچگی مجموعه آثار، تجربه‌ای بهینه برای بازدیدکنندگان ارائه دهد. در نتیجه، فضایی واقع در طبقه منفی دو موزه دفینه، به عنوان محل پیشنهادی انتخاب شد. این فضا، با مساحت حدوداً ۸۵۰ مترمربع، امکان تفکیک و طراحی دو بخش مجزا شامل موزه جدید و کتابخانه تخصصی را دارا بود و بدین ترتیب امکان مدیریت بهینه



میزان آسیب‌ها و فرسودگی‌های وارد شده، تعیین موضوع هر اثر و تهیه زیرنویس‌ها و اطلاعات هر بخش به صورت علمی و مستند برای آن‌ها انجام شد.

در این مرحله، بسیاری از آثار نقاشی به اقدامات مرمتی جدی‌تری نیاز داشتند، از جمله تغییر قاب، استحکام بخشی بستر اثر، تثبیت رنگ‌ها و بهبود شرایط حفاظتی، که مجموع این فرایند طی مدت حدود یک ماه و نیم با دقت و حساسیت بالا انجام شد.

پس از تکمیل مراحل مرمت، با توجه به ابعاد و ویژگی‌های هر اثر و متناسب با محل قرارگیری آن‌ها در فضای موزه، پایه‌ها و استندهای نگهدارنده طراحی و ساخته شد تا ضمن نمایش بهینه آثار، امنیت و حفاظت آن‌ها نیز تضمین شود. آثار انتخابی برای این موزه شامل مجموعه‌ای متنوع و ارزشمند به تعداد ۷۴ اثر بود؛ که از این تعداد، ۲۴ نقاشی از رجال دوره قاجار، ۲۶ اثر کاشی و آثار متفرقه از هنر قاجاری، ۲۰ اثر نگارگری و ۴ اثر قهوه‌خانه‌ای به نمایش درآمده است. بر اساس این تنوع آثار و ویژگی‌های هر دسته، فضای موزه به چهار سالن مجزا تقسیم شد:

سالن اول: اختصاص به نمایش کاشی‌های دوره قاجار داشت و بازدیدکنندگان را با شکوه و ظرافت هنر کاشی‌کاری ایرانی آشنا می‌کرد.

سالن دوم و سوم: به نقاشی‌های تگ‌نگاره از شاهان و شخصیت‌های دربار قاجار اختصاص یافت تا جلوه‌ای از واقع‌گرایی و توانمندی هنرمندان در ثبت چهره و هویت تاریخی ارائه شود.

سالن چهارم: محلی برای نمایش



▲ انتخاب محل مورد نظر برای راه اندازی موزه نگاره‌های هنر- طبقه منفی دو موزه دلفینه



▲ تهیه نقشه جهت مشخص نمودن محل قرارگیری آثار- تهیه و جمع‌آوری اطلاعات مستند برای هر بخش از موزه



▲ انتقال آثار به داخل فضای موزه و آماده سازی جهت نصب

نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای و نگارگری ایرانی دوره قاجار بود که با رنگ‌ها و نقش‌های زنده، تنوع و غنای بصری هنر این دوره را به تصویر می‌کشید. این تقسیم‌بندی نه تنها امکان مدیریت بهینه جریان بازدید و ارائه روایت هنری منسجم را فراهم آورد، بلکه تجربه‌ای جامع و آموزنده برای بازدیدکنندگان ایجاد کرد و زمینه‌ای مناسب برای مطالعه، پژوهش و لذت‌بردن از هنر دوره قاجار فراهم ساخت.



▲ سالن اول- آثار کاشی‌های قاجاری



▲ سالن دوم و سوم- آثار تک نگاره رجال و شاهان قاجاری



▲ سالن چهارم- آثار نگارگری و قهوه‌خانه‌ای

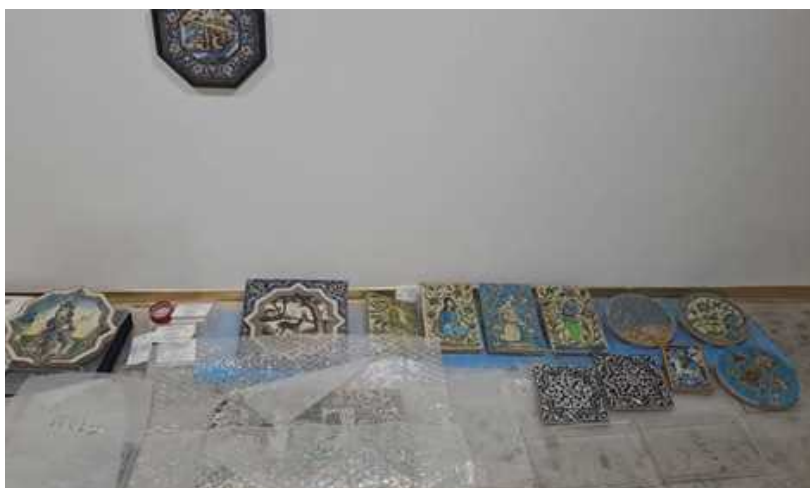
عملیات اجرایی

مرحله طراحی داخلی موزه در مردادماه سال ۱۴۰۴ توسط گروه توسعه موزه‌های بنیاد انجام شد. در این مرحله، تقسیم‌بندی سالن‌ها، مسیرهای بازدید، نورپردازی سقفی و ریلی، آماده‌سازی پایه‌ها و استندهای نگهدارنده آثار، رنگ آمیزی داخلی، تنظیم نورها و سیستم دوربین‌های مدار بسته و انتخاب مصالح با دقت برنامه‌ریزی شد تا علاوه بر حفظ هماهنگی با محتوای آثار، تجربه بازدیدکننده نیز بهینه گردد.

عملیات اجرایی پروژه از ابتدای شهریورماه ۱۴۰۴ آغاز شد و ظرف یک ماه به پایان رسید. با پایان این مرحله، فضای موزه آماده نصب و جانمایی آثار شد و استانداردهای ایمنی و حفاظت از آثار نیز رعایت گردید.

خدمات و بهره‌برداری

موزه نگاره‌های هنر از تاریخ ۱۲ مهرماه ۱۴۰۴ به صورت رسمی آغاز به کار کرده و به عنوان یکی از موزه‌های برجسته‌ای



که مجموعه‌ای فاخر و ارزشمند از آثار دوره قاجار را در اختیار دارد، تجلی‌گر هنر و ذوق هنرمندان این دوره محسوب می‌شود. این موزه با هدف ارائه تجربه‌ای جامع و آموزشی، همه روزه پذیرای مخاطبان، پژوهشگران، هنرمندان و علاقه‌مندان به هنر سنتی ایران است و تلاش دارد تا نه تنها زیبایی و ظرفیت آثار هنری دوره قاجار را به نمایش بگذارد، بلکه زمینه‌ای فراهم آورد تا بازدیدکنندگان با تاریخ، فرهنگ و شخصیت‌های شاخص آن دوره نیز





آشنا شوند.

در راستای این هدف، موزه نگاره‌های هنر در چشم‌انداز برنامه‌های خود، معرفی رجال سیاسی، فرهنگی و هنری مشهور دوران قاجار را در کنار آثار هنری برجسته مدنظر قرار داده است. این

رویکرد موجب می‌شود بازدیدکنندگان بتوانند هنر هر اثر را در بستر تاریخی و اجتماعی زمان خلق آن درک کنند و ارتباطی عمیق‌تر با میراث فرهنگی و هنری ایران برقرار نمایند. بدین ترتیب، این موزه به عنوان مرکزی آموزشی و

پژوهشی، فرصتی فراهم می‌آورد تا بازدیدکنندگان با شناخت دقیق تر هنر، تاریخ و شخصیت‌های مؤثر دوره قاجار، تجربه‌ای چندبعدی و معنادار از فرهنگ و هنر ایران داشته باشند.

گزارش توصیفی از راه‌اندازی و افتتاح

موزه آرایه‌های هنر

در پردیس موزه‌ای رامسر

آغاز پروژه؛ تبدیل یک بنای قدیمی

به یک موزه جدید

ساختمانی که امروز میزبان موزه آرایه‌های هنر است، بنایی متعلق به دوره پهلوی دوم، واقع در ضلع جنوبی موزه عاچ ایران است؛ بنایی با مساحتی حدود ۱۱ متر مربع که پیش از این کاربری‌های متفاوتی داشته و برای تبدیل شدن به یک موزه تخصصی، نیازمند بازسازی کامل، اصلاح اساسی بنا و تأسیسات و ارتقای زیرساخت‌ها بود. پس از انجام مطالعات اولیه، طرح بازسازی، توسعه و مرمت این بنا با هدف خلق فضایی استاندارد و کامل برای نمایش آثار ارزشمند از گنجینه مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد تدوین شد.

در نخستین مرحله، تیم اجرایی پروژه اقدام به برچیدن تمامی المان‌ها، مصالح فرسوده و الحاقات غیرضروری بنای سابق کرده و آن را آماده تبدیل شدن به موزه‌ای فاخر نمودند. همچنین آسیب‌شناسی کامل بنا انجام شد تا وضعیت سقف، بام، کف، دیوارها، سیستم‌های قدیمی برق، تأسیسات تهویه هوا و .. بررسی و برای اصلاح آنها برنامه‌ریزی شود.

راه‌اندازی موزه آرایه‌های هنر در پردیس موزه‌ای رامسر یکی از مهم‌ترین پروژه‌های موزه‌ای سال‌های اخیر در موسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد به شمار می‌رود؛ پروژه‌ای که نه تنها یک فضای جدید به پردیس فرهنگی موزه ای رامسر افزود، بلکه سطح کیفی ارائه و نمایش آثار تاریخی را ارتقا داد و مخاطبان این مجموعه را با تجربه‌ای متفاوت و جذاب مواجه ساخت. این موزه که در مهرماه ۱۴۰۴ افتتاح شد، نتیجه چندین ماه مطالعه، طراحی، برنامه‌ریزی، مرمت و اجرای دقیق در حوزه‌های معماری، محتوایی و حفاظتی است؛ فرآیندی که از بازسازی کامل یک بنای قدیمی آغاز شد و با تبدیل آن به یکی از تخصصی‌ترین فضاهای نمایش زیورآلات در کشور پایان یافت.



بازسازی ابنیه؛ ارتقای سازه و آماده‌سازی سالن نمایش



در مرحله بعد، اقدامات بهسازی و مرمتی ابنیه آغاز شد. نخستین و مهم‌ترین بخش این عملیات، رفع نشستی‌های سقف و اصلاح شیروانی بام بود؛ اقدامی که به دلیل رطوبت‌خیز بودن منطقه و بارش فراوان، از اهمیتی ویژه برخوردار بود. برای جلوگیری از نفوذ رطوبت در ماه‌های پربارش، پوشش رنگ نانو ضدآب بر سطح خارجی بنا اجرا شد و مسیرهای خروج آب، ناودانی‌ها و لامپ‌های شیروانی نیز اصلاح شدند تا هرگونه احتمال رسوب آب یا نفوذ رطوبت از بین برود.



پس از این مرحله، دیوارهای داخلی و سقف بنا برای اجرای مصالح جدید آماده شدند. در سقف سالن نمایش، پس از اجرای سازه ای قوی و مستحکم فلزی از مصالح کف MR ضد رطوبت بهره برده شد تا علاوه بر زیبایی، مقاومت موزه در برابر رطوبت محیط افزایش یابد. این نوع کف به‌ویژه برای مناطق شمالی کشور و بناهای موزه‌ای توصیه می‌شود. هم‌زمان با این عملیات، ویتترین‌های جدید موزه نیز بر اساس طرح مورد تأیید مدیرعامل محترم مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد طراحی و ساخته شد؛ ویتترین‌هایی با شفافیت بصری بالا، استحکام مناسب، نورپردازی استاندارد و رعایت اصول حفاظتی.



اصلاح واحداث تأسیسات الکتریکال و مکانیکال

یکی از مهم‌ترین بخش‌های مرمت موزه، بازسازی کامل سیستم‌های تأسیساتی بود. تمام کابل‌های قدیمی به دلیل اجرای ناصحیح یا فرسودگی حذف و کابل‌کشی جدید مطابق استانداردهای جریان و ولتاژ موزه‌ای جایگزین شد تا خطرات احتمالی مانند اتصالی و آتش‌سوزی از بین برود. سیستم برق‌رسانی جدید به گونه‌ای طراحی شد که امکان نصب نورهای نقطه‌ای، نورهای مخفی، سیستم‌های امنیتی و تجهیزات حفاظتی را فراهم کند.

در بخش امنیتی، پیش‌بینی‌های کامل برای سیستم دوربین‌های مدار بسته، دزدگیر، حسگرهای حرکتی و کابل‌کشی مرتبط انجام شد. محل قرارگیری دستگاه‌های امنیتی، اتصالات و مسیرهای کابل‌کشی با دقت انتخاب شد تا ضمن تأمین امنیت، در ظاهر موزه خللی ایجاد نکند. همچنین برای جلوگیری از نفوذ احتمالی به موزه، تمامی پنجره‌ها و دریچه‌ها مسدود و تنها ورودی اصلی به عنوان مسیر مجاز در نظر گرفته شد.

در جریان این عملیات، فضای سابق آبدارخانه نیز حذف شد و با تقویت سازه‌ای و نصب تجهیزات لازم، به خزانه موزه تبدیل شد؛ فضایی امن برای نگهداری آثار پیش از انتقال به ویتترین‌ها.

طراحی داخلی، نورپردازی و آماده‌سازی محیط نمایش

پس از اتمام اقدامات عمرانی،

مرحله ظریف‌تر و هنری‌تر کار آغاز شد؛ یعنی *طراحی داخلی و نورپردازی موزه*. این مرحله نقش کلیدی در تجربه بازدیدکننده و کیفیت نمایش آثار داشت. رنگ دیوارها و ویتترین‌ها بر اساس رنگ‌های استاندارد موزه‌ای انتخاب شد تا ضمن انتقال آرامش، تمرکز مخاطب را به سمت آثار هدایت کند. نورپردازی هم شامل دو بخش بود: نورپردازی محیطی برای روشنایی کلی فضا و نورپردازی ویتترینی برای برجسته‌سازی جزئیات آثار.

در باکس‌های نمایشی، پوشش مخمل مخصوص نصب شد تا جلوه بصری آثار افزایش یافته و پس‌زمینه‌ای مناسب برای نمایش زیورآلات و اشیای تزئینی ایجاد شود. پس از تکمیل فضای نمایش، تیم محتوایی مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد اقدام به گردآوری، دسته‌بندی، مستندسازی و نوشتن توضیحات مربوط به آثار کرد. این توضیحات در قالب برچسب‌های موزه‌ای و نمایش‌گرهای اطلاعاتی در کنار آثار قرار گرفت.

انتخاب آثار و چیدمان موزه

محتوای این موزه شامل ۲۰۰ اثر ارزشمند از گنجینه مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد است که شامل انواع زیورآلات سنتی، حلقه‌های مفرغی، میناکاری، مليله‌کاری، ساعت‌های لوکس جیبی و عصاهای تشریفاتی از دوره‌های گوناگون تاریخی است. انتخاب این آثار با هدف نشان‌دادن طیف وسیعی از مهارت‌ها، تکنیک‌ها و زیبایی‌شناسی‌ها انجام شد.

چیدمان آثار براساس دوره تاریخی،

نوع کاربری و جنس آنها صورت گرفت تا مخاطب در مسیر بازدید، سیر موزه‌ای استاندارد را تجربه کند. این چیدمان به گونه‌ای طراحی شده که بازدیدکننده از اشیای ساده‌تر به آثار هنری پیچیده‌تر هدایت شود و در پایان، درک روشن‌تری از سیر تحول زیورآلات و اشیای تزئینی به دست آورد.

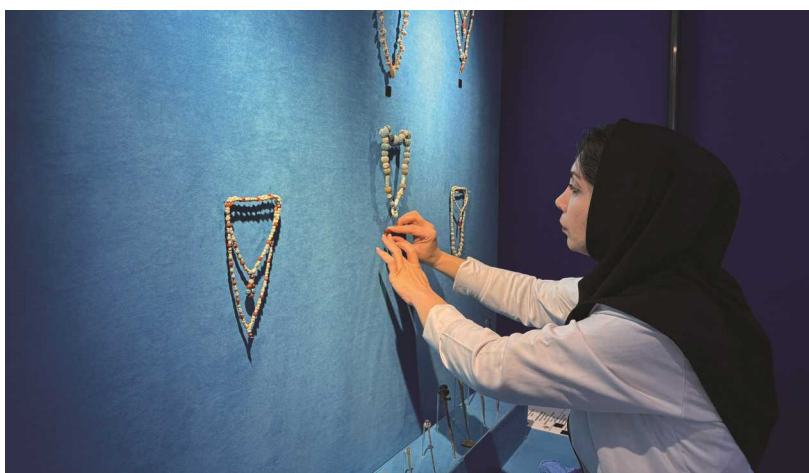
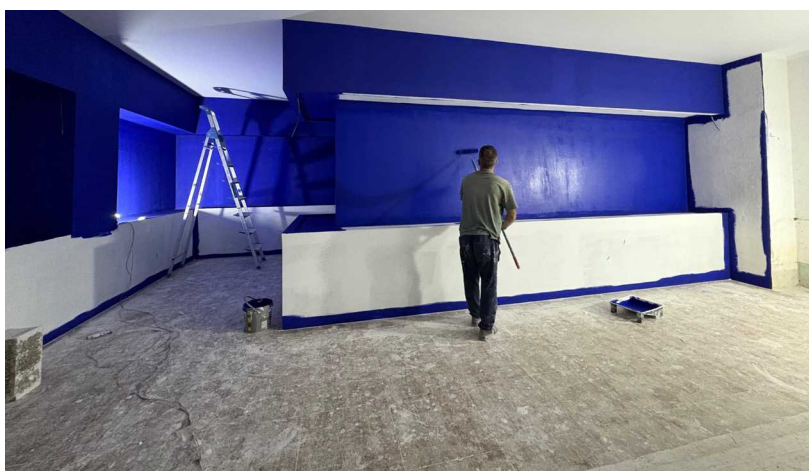
مراسم افتتاح؛ آغاز فصل جدیدی در پردیس موزه‌ای رامسر

با پایان کارهای مرمتی و آماده‌سازی، موزه آرایه‌های هنر در مهرماه ۱۴۰۴ طی مراسمی رسمی بصورت ویدئوکنفرانس و با حضور ریاست محترم بنیاد مستضعفان دکتر حسین دهقان، مدیرعامل محترم موسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد دکتر حمیدرضا سلیمانی، مدیران فرهنگی، کارشناسان موزه‌داری، اصحاب رسانه و علاقه‌مندان حوزه فرهنگ و هنر افتتاح شد.

بازدید رسمی از موزه همراه با معرفی آثار شاخص، توضیحات کارشناسان و ارائه گزارش عملکرد مرمتی انجام شد. بازدیدکنندگان در نخستین نگاه با فضای مدرن، نورپردازی زیبا، ویتترین‌های استاندارد و محتوای جذاب موزه روبه‌رو شدند و بسیاری از آنان این موزه را یکی از «کامل‌ترین» و «چشم‌نوازترین» موزه‌های پردیس رامسر توصیف کردند.

اهمیت فرهنگی و جایگاه موزه در آینده پردیس

افتتاح موزه آرایه‌های هنر، گامی مهم در ادامه مسیر توسعه پردیس موزه‌ای رامسر است. این موزه نه تنها



بر غنای محتوای پردیس افزوده، بلکه با فراهم آوردن یک فضای جذاب برای نمایش آثار تاریخی، تجربه بازدید گردشگران را ارتقا داده است. اکنون بازدیدکنندگان پس از تماشای موزه‌های تخصصی دیگر همچون موزه عاج ایران، شکار، عمارت مرمر و آوندهای تاریخی، می‌توانند با ورود به موزه آرایه‌های هنر، لایه‌ای متفاوت از تاریخ فرهنگی ایران را مشاهده کنند.

از منظر موزه‌داری، افتتاح این موزه نقش مهمی در معرفی هنرهای تزئینی، گسترش پژوهش‌های تاریخی و فراهم آوردن زمینه مطالعاتی برای دانشجویان و پژوهشگران دارد. تنوع آثار، سطح کیفی نمایش و استانداردهای رعایت‌شده در ساخت موزه، آن را به یکی از نقاط مطالعاتی ارزشمند در حوزه زیورآلات و اشیای تزئینی تبدیل کرده است.

جمع‌بندی

موزه آرایه‌های هنر، پروژه‌ای زمان‌بر، تخصصی و چندلایه بود که از بازسازی بنای قدیمی آغاز شد و با تلفیق هنر، فناوری، استانداردهای حفاظتی و نگاه مخاطب‌محور به نتیجه رسید. این موزه اکنون نه تنها بخشی از هویت فرهنگی پردیس رامسر است، بلکه خاطره‌ای ماندگار برای بازدیدکنندگان و نمادی از تلاش برای حفظ و نمایش میراث تاریخی کشور به شمار می‌رود. این موزه شامل آثار جذاب و متنوعی است که محتوای آن بطور خاص به موضوع زیورآلات از حیث کاربردی، تزئینی و تشریفاتی می‌پردازد. این آثار در مجموع شامل ۲۰۰ اثر ارزشمند از انواع

زیورآلات، ساعت‌های لوکس جیبی، عصاها و دیگر اشیاء تزئینی از دوران پیش از تاریخ و دوره‌های متأخر است. از آثار شاخص موزه آرایه‌های هنر می‌توان به زیورآلات به جا مانده از دوران پیش از تاریخ شامل حلقه‌های مفرغی، انواع زیورآلات میناکاری و ملیله‌کاری، ساعت‌های لوکس جیبی از برندهای شناخته شده دنیا و عصاهای تشریفاتی اشاره نمود.





گزارش راه‌اندازی فاز سوم موزه خودروهای تاریخی ایران

۱. مقدمه

موزه‌ها به عنوان نهادهای فرهنگی، آموزشی و اجتماعی، نقش مهمی در حفظ میراث تمدنی و ارتقاء آگاهی عمومی ایفا می‌کنند. در این میان، موزه‌های تخصصی با تمرکز بر موضوعات خاص، از جمله خودروهای تاریخی، جایگاه ویژه‌ای در جذب مخاطبان، توسعه گردشگری فرهنگی و انتقال مفاهیم صنعتی و هنری دارند. مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد، با رویکردی علمی و راهبردی، طی دودهمه گذشته اقدام به توسعه مجموعه موزه خودروهای تاریخی ایران نموده است. پس از اجرای موفق فاز اول و دوم، فاز سوم این پروژه با عنوان «گنجینه» در مردادماه ۱۴۰۴ شمسی آغاز شد و در مهرماه همان سال به بهره‌برداری رسید. این فاز به عنوان آخرین مرحله توسعه‌ای، نقطه عطفی در تکمیل

چرخه نمایش آثار گنجینه و ارتقاء جایگاه موزه در سطح ملی و منطقه‌ای محسوب می‌شود. اهداف راهبردی فاز سوم موزه خودروهای تاریخی ایران با تمرکز بر راه‌اندازی سالن شماره ۸ تدوین و اجرا گردیده است. این اقدام با هدف بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های باقی‌مانده گنجینه خودروهای تاریخی صورت گرفته تا امکان نمایش گسترده‌تر و متنوع‌تر آثار فراهم شود. در این راستا، تکمیل زنجیره نمایش خودروها و ارتقاء تنوع موضوعی در تالارهای مختلف موزه مدنظر قرار گرفته است، به گونه‌ای که تجربه بازدیدکنندگان از طریق ارائه خودروهای خاص، کمیاب و کم‌تیراژ به‌طور چشمگیری بهبود یابد. از دیگر اهداف این فاز، تقویت جایگاه برند موزه به عنوان قطب تخصصی

خودروهای تاریخی در منطقه غرب آسیا است که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی، فرهنگی و نمایشگاهی، اعتبار بین‌المللی آن را ارتقاء می‌بخشد. در نهایت، ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای فعالیت‌های پژوهشی، آموزشی و مرمت تخصصی خودروها، از جمله اهداف کلیدی این فاز به‌شمار می‌رود که نقش مهمی در توسعه پایدار و علمی موزه ایفا خواهد کرد.

۲. مشخصات اجرایی پروژه

مشخصات اجرایی و فنی پروژه سالن شماره ۸ موزه خودروهای تاریخی ایران، شامل موقعیت مکانی، ابعاد فیزیکی و اقدامات عمرانی صورت گرفته در فرایند آماده‌سازی آن است. این سالن در جبهه شمالی مجموعه موزه واقع شده و با مساحتی بالغ بر ۱۰۰۰ متر مربع، به صورت سازه‌ای سوله‌ای



آسیب‌شناسی دقیق بدنه و قطعات صورت گرفت تا نقاط آسیب‌دیده شناسایی شوند. سپس نظافت تخصصی و دیتیلینگ با استفاده از روش‌های حرفه‌ای انجام شد تا جلوه بصری خودروها بهبود یابد. در موارد لازم، بازسازی محدود در بخش‌های آسیب‌دیده انجام گرفت تا خودروها به شرایط مناسب نمایش بازگردند. در پایان، برای هر خودرو مستندنگاری علمی صورت گرفت و شناسنامه‌ای تخصصی تهیه شد که اطلاعات فنی و تاریخی آن را به صورت دقیق ثبت می‌کرد.

فرآیند مرمت خودروها با تمرکز بر حفظ اصالت و ارتقاء کیفیت نمایش، شامل مراحل مختلفی بود.

مؤثر تأمین شود.

۳. آماده سازی خودروها

در فاز سوم پروژه، تعداد ۷۵ دستگاه خودرو از گنجینه موزه خودروهای تاریخی ایران پس از ارزیابی دقیق وضعیت فنی، تحت فرآیند نظافت و مرمت قرار گرفتند. انتخاب این خودروها بر اساس مجموعه‌ای از معیارهای تخصصی صورت گرفت که شامل درجه اهمیت تاریخی و صنعتی، میزان سلامت فنی و قابلیت مرمت، تنوع برند و سبک طراحی، و همچنین میزان جذابیت برای مخاطبان عمومی و تخصصی بود. این رویکرد هدفمند، امکان نمایش خودروهایی با ارزش فرهنگی و فنی بالا را فراهم ساخت. فرآیند مرمت خودروها با تمرکز بر حفظ اصالت و ارتقاء کیفیت نمایش، شامل مراحل مختلفی بود. ابتدا

طراحی گردیده که قابلیت تجهیز به زیرساخت‌های ایمنی، نمایشی و حفاظتی را داراست.

در راستای تغییر کاربری این فضا از خزانه به سالن نمایشی، مجموعه‌ای از اقدامات عمرانی و آماده‌سازی به اجرا درآمد. از جمله نصب سیستم‌های نورپردازی نمایشی، صوتی، اعلام و اطفاء حریق و دوربین‌های مدار بسته است تا زیرساخت‌های فنی لازم برای بهره‌برداری کامل فراهم گردد. طراحی گرافیکی دیوارها و جانمایی خودروها نیز بر اساس اصول علمی موزه‌داری صورت گرفت تا نظم و زیبایی بصری در نمایش آثار حفظ شود. در نهایت، تجهیزات حفاظتی و اطلاعاتی شامل راه‌بندها، پایه‌های زیرنویس و تابلوهای مشخصات برای خودروها تهیه و نصب گردید تا امنیت و اطلاع‌رسانی به بازدیدکنندگان به طور

۴. خودروهای شاخص سالن ۸

سیاتا ۸۵۰ اسپرینگ (Spring ۸۵۰ Siata)

سیاتا یک شرکت تولیدکننده قطعات خودرو در ایتالیا بود که در سال ۱۹۳۶ میلادی توسط جورجیو آمبروسینی تأسیس شد. این شرکت ارتباط مستقیم با فیات داشت و برای فیات قطعات خودرو تولید می‌کرد. خودروی سیاتا ۸۵۰ اسپرینگ بین سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۰ میلادی تولید شد. شاسی و موتور خودرو از فیات ۸۵۰ استفاده شده که شامل شاسی ۲۰۷هـ متری با موتور ۴ سیلندر خطی و سرعت ۱۲۵ کیلومتر بر ساعت است. طراحی جلوی خودرو توسط انریکو فومیا انجام شده که دارای ظاهری نئوکلاسیک با جلوپنجره‌های عمودی و چراغ‌های جلوی گرد است.

ام‌جی مدل پی بی (MG Type PB)

ام‌جی مدل پی خودروی اسپرت دو نفره سبک است که بین سال‌های ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۶م. توسط شرکت ام‌جی تولید شد. این خودرو از نسخه به روز شده موتور موریس ماینور ۱۹۲۸ و شاسی تقویت شده ام‌جی مدل پی استفاده کرد. ام‌جی مدل پی در دو نسخه پی‌ای و پی‌بی در دو فرم بدنه کوپه و رودستر تولید شد. مدل پی‌بی توسط تیم آیینگدون آن تیمز طراحی شد. نمونه موجود تولید سال ۱۹۳۶ میلادی با ۴۳ اسب بخار و ۱۲۰ کیلومتر بر ساعت سرعت است.

اتو یونیون ۱۰۰۰ اس (1000 Auto Union)

اتو یونیون یک شرکت پیشگام در خودروسازی آلمان بود که امروزه به نام آئودی شناخته می‌شود. این شرکت





ساعت سرعت است.

۵. نتایج و دستاوردهای فاز سوم

زیرساخت‌های مرمتی مناسب، زمینه برای اجرای پروژه‌های آتی در سطح ملی فراهم شده است. از سوی دیگر، این فاز موجب گسترش تعاملات فرهنگی، صنعتی و گردشگری با نهادهای مرتبط گردیده و ظرفیت‌های همکاری بین‌بخشی را به شکل مؤثری افزایش داده است.

فاز سوم موزه خودروهای تاریخی ایران، نمونه‌ای موفق از مدیریت پروژه فرهنگی-صنعتی با رویکرد علمی، اقتصادی و اجتماعی است. این پروژه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود، برنامه‌ریزی دقیق، اجرای مرحله‌ای و توجه به مخاطب‌محوری، توانسته است الگویی برای توسعه موزه‌های تخصصی در کشور ارائه دهد. ادامه این مسیر، مستلزم حفظ کیفیت خدمات، توسعه زیرساخت‌های پژوهشی، و ارتقاء تعاملات بین‌المللی در حوزه خودروهای تاریخی خواهد بود.

با بهره‌برداری از سالن شماره ۸، موزه خودروهای تاریخی ایران وارد مرحله‌ای نوین از بلوغ عملیاتی و محتوایی شد که دستاوردهای چشمگیری را به همراه داشته است. همراه با فاز سوم توسعه‌ای موزه خودروهای تاریخی ایران، تعداد ۲۳۲ دستگاه وسیله نقلیه در فضایی به وسعت بیش از ۸۰۰۰ متر مربع به نمایش درآمد؛ اقدامی که نه تنها ظرفیت نمایش آثار را به طور قابل توجهی افزایش داد، بلکه تنوع موضوعی و جذابیت مجموعه را برای مخاطبان داخلی و خارجی ارتقاء بخشید.

این توسعه زیرساختی، موزه را در جایگاه یکی از بزرگ‌ترین موزه‌های تخصصی خودرو در غرب آسیا قرار داده و نقش مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد را در حوزه موزه‌داری تخصصی تقویت کرده است. همچنین، با ایجاد

در سال ۱۹۳۲ از همکاری چهار شرکت آتودی، دکاو، هورث و واندرر شکل گرفت که نشانه آن ۴ حلقه بود. اتو یونیون ۱۱۰۰ اس‌سی یکی از تولیدات این شرکت بین سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۳ میلادی در دوسلدورف آلمان غربی است که با استفاده از موتور و شاسی مدل ۶-DKW تبدیل به خودرویی اقتصادی، پیشرفته با بهبود عملکرد شد. خودرو با ۵۰ اسب بخار دارای ۱۳۲ کیلومتر بر ساعت سرعت است.

آستین اف ایکس ۳ (Austin FX3)

آستین اف ایکس ۳ خودرویی با بدنهٔ سدان سه درب و کاربری تاکسی است که بین سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۸ میلادی توسط شرکت آستین تولید شد. این خودرو به سفارش شرکت تاکسی‌رانی مان و اورتون در لندن به آستین سفارش داده شد و بدنهٔ آن توسط شرکت کاربایدز آو کاونتری بر روی شاسی آستین ساخته شد. خودرو با ۵۵ اسب بخار دارای ۹۵ کیلومتر بر



گزارش فرایند احداث وراه‌اندازی کتابخانه

تخصصی دفینه

مقدمه

در راستای سیاست‌های توسعه فرهنگی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی و با هدف گسترش زیرساخت‌های پژوهشی و آموزشی در زمینه میراث تاریخی، فرهنگی و هنری، پروژه احداث و راه‌اندازی کتابخانه تخصصی دفینه در دستور کار گروه توسعه موزه‌های بنیاد قرار گرفت. این طرح با رویکردی آینده‌نگر بر پایه ضرورت ایجاد پشتوانه علمی و پژوهشی برای فعالیت‌های تخصصی موزه‌ها و فراهم‌سازی بستری پویا جهت دسترسی به منابع علمی در حوزه‌های موزه‌داری، تاریخ هنر و باستان‌شناسی شکل گرفت.

با توجه به جایگاه موزه دفینه به عنوان یکی از مراکز شاخص در معرفی آثار تاریخی و فرهنگی ایران و جهان، اختصاص فضایی از آن، جهت احداث و راه‌اندازی کتابخانه‌ای تخصصی، گامی اساسی در مسیر ارتقای پژوهش‌های

میان‌رشته‌ای و تقویت تعامل میان موزه و مراکز علمی محسوب می‌شد. کتابخانه تخصصی دفینه هم‌زمان با افتتاح «موزه نگاره‌های هنر» در پردیس موزه‌ای دفینه، در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۴۰۴ به صورت رسمی آغاز به کار کرد.

این کتابخانه با هدف پاسداشت میراث ملی، ترویج ارزش‌های فرهنگی و تسهیل دسترسی به منابع علمی معتبر تأسیس شده و اکنون مجموعه‌ای غنی از منابع تخصصی را در اختیار پژوهشگران، هنرمندان، دانشجویان و علاقه‌مندان قرار می‌دهد. ساختار سازمانی کتابخانه شامل بخش‌های متنوعی چون: مخزن اصلی کتاب‌ها، سالن‌های مطالعه، بخش امانت و خدمات مراجعان، خزانه منابع مرجع و بخش نشریات و مجلات تخصصی است. این سازمان‌دهی امکان دسترسی کارآمد به منابع علمی، فرهنگی و هنری را برای طیف گسترده‌ای از کاربران فراهم می‌کند و کتابخانه را به مرکزی

پویا بدل خواهد ساخت.

خدمات کتابخانه با رویکردی جامع طراحی شده‌اند و شامل امانت منابع مرجع برای استفاده در سالن مطالعه، دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی و آرشیو دیجیتال، پشتیبانی علمی و مشاوره پژوهشی، فراهم‌سازی محیطی آرام برای مطالعه و امکان عضویت رسمی کاربران می‌باشد. این مجموعه خدمات، شرایطی سازمان‌یافته را برای بهره‌مندی پژوهشگران از منابع مکتوب و دیجیتال فراهم می‌آورد.

همجواری کتابخانه با موزه، فرصتی ارزشمند برای پیوند میان مشاهده آثار هنری و مطالعه منابع مکتوب فراهم نموده است؛ به گونه‌ای که بازدیدکنندگان می‌توانند تجربه بصری خود را با پژوهش علمی در همان فضا تکمیل نمایند؛ از این‌رو، کتابخانه تخصصی دفینه نه تنها مکانی برای مطالعه و تحقیق، بلکه نمادی از هم‌افزایی میان فرهنگ، هنر و دانش و



دما و رطوبت استاندارد و ایمنی محیطی رانیز به همراه داشت. هدف اصلی از انتخاب این مکان، حفظ پیوستگی عملکردی میان بخش پژوهش موزه‌ها و کتابخانه و ایجاد یک زنجیره دانش موزه‌ای بود؛ زنجیره‌ای که در آن پژوهش، نگهداری آثار و مطالعه منابع مکتوب در کنار یکدیگر قرار گیرند تا چرخه‌ای کامل از تولید، حفظ و انتقال دانش فرهنگی شکل گیرد.

طراحی فنی و معماری

مرحله طراحی داخلی کتابخانه در مردادماه سال ۱۴۰۴ توسط گروه توسعه موزه‌های بنیاد با هدف ایجاد فضایی آرام، کارآمد و هماهنگ با هویت فرهنگی موزه د فینه انجام گرفت. در این فرایند، تلاش شد تا تلفیقی از زیبایی‌شناسی و کارکرد پژوهشی در فضا برقرار گردد تا محیطی مناسب برای مطالعه،

خزانه‌های بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، ساماندهی و طبقه‌بندی این کتب به عنوان گنجینه‌ای ارزشمند جهت مطالعه و پژوهش برای عموم در دستورکار قرار گرفت؛ بر همین اساس با انتخاب موزه د فینه با ظرفیت جذب گردشگران و علاقه‌مندان در حوزه‌های تخصصی هنر ملل مختلف و تناسب این هنرها با مجموعه کتب تخصصی این مجموعه، جایگاهی در این موزه در نظر گرفته شد تا کتابخانه‌ای تخصصی احداث گردد.

در ادامه، با بررسی دقیق شرایط فیزیکی موزه، فضایی مناسب برای استقرار کتابخانه انتخاب شد و طراحی داخلی آن بر اساس تفکیک کاربری سالن‌های قرائت‌خانه ویژه بانوان و آقایان و چیدمان کاربردی فضا انجام گرفت. انتخاب موقعیت درون موزه‌ای کتابخانه، ضمن حفظ انسجام کلی مجموعه، مزایای فنی متعددی همچون استحکام سازه، سیستم تهویه، کنترل

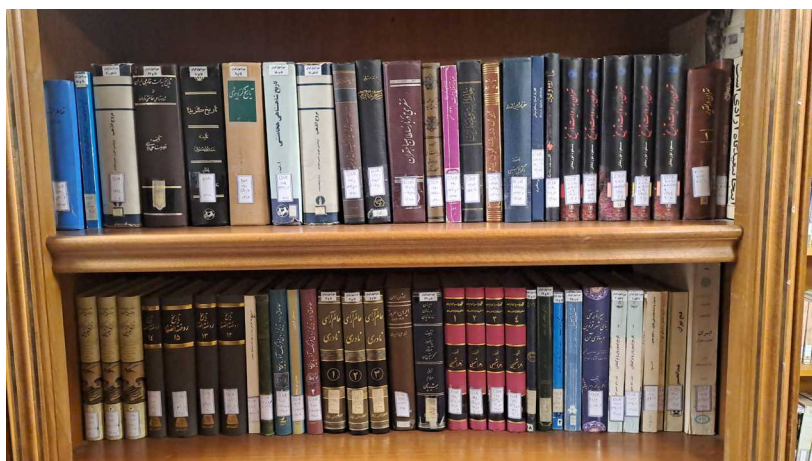
بستری برای صیانت، ترویج و گسترش میراث فرهنگی ایران به شمار می‌آید. این کتابخانه با مأموریت تأمین و سازماندهی منابع علمی-تخصصی، ایجاد محیطی مناسب برای پژوهش و مطالعه، پشتیبانی از برنامه‌های آموزشی و ترویجی در حوزه‌های کتابخوانی و مطالعات فرهنگی طراحی و احداث شده است. گزارش حاضر به‌طور خلاصه به تشریح مراحل برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا، تجهیز و بهره‌برداری از این کتابخانه می‌پردازد و تصویری جامع از روند شکل‌گیری یکی از زیرساخت‌های مهم فرهنگی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد.

مطالعات اولیه و انتخاب مکان

مطالعات امکان‌سنجی و نیازسنجی پروژه در تابستان سال ۱۴۰۴ آغاز گردید. در این مرحله، با در نظر گرفتن مجموعه غنی کتب تخصصی در



▲ بخش سالن مطالعه برادران به همراه رواق ورودی



▲ بخش گنجینه کتابخانه با دارایی ۷۵۰۰ جلد کتاب تخصصی در زمینه های هنری و تاریخی



▲ بخش سالن مطالعه خواهران به همراه رواق ورودی

پژوهش و تبادل اندیشه فراهم شود.
طرح نهایی کتابخانه و سالن مطالعه شامل بخش های زیر است:
۱. سالن مطالعه پژوهشگران با ظرفیت ۴۶ نفر در دو سالن مجزای قرائت خانه خواهران (۲۷ نفر) و قرائت خانه برادران (۱۹ نفر).
۲. مخزن اصلی کتاب ها و آرشیو مجلات
۳. بخش خدمات مراجعان و امانت کتاب

عملیات اجرایی

عملیات اجرایی پروژه از اول شهریور ماه ۱۴۰۴ آغاز و در طی یک ماه به پایان رسید. در این مرحله، ابتدا فضای سالن های قرائت خانه از فضای موزه جدا و سپس سیستم های برق کشی، تهویه و روشنایی نصب گردید.
در بخش مخزن کتابخانه و سالن های مطالعه قفسه های مناسب با کتب، سیستم اعلام حریق خودکار و سیستم کنترل رطوبت و دما و همچنین دوربین های امنیتی نصب گردید.

فهرست نویسی کتاب ها

همزمان با فرایند عملیات عمرانی کتابخانه، فهرست برداری کتاب ها در بخش خزانه های بنیاد مستضعفان آغاز گردید و تعداد ۷۵۰۰ جلد کتاب طبق فرمت زیر مورد فهرست برداری دستی قرار گرفتند. فرایند فهرست نویسی منابع چاپی با همکاری اعضای موزه ها

انجام شد. در فاز نخست، تعداد ۷۵۰۰ جلد کتاب به صورت دستی و کامل ثبت و فهرست نویسی شد.

همزمان با فرایند ثبت و فهرست نویسی کتاب‌ها پیرو تجهیز مخزن، جمع‌آوری و انتقال قفسه‌های کتابخانه از موزه‌ها و فضای خزانه به فضای داخلی مخزن کتاب صورت گرفت.

طبق نیازمندی‌های استاندارد سالن مطالعه تعداد ۱۰ میز دو طرفه و ۲۶ میز یک طرفه مناسب مطالعه و کمد‌های امانت داری خریداری و چیدمان شد. همچنین سیستم رایانه جهت ثبت اطلاعات کتاب‌ها و فرایند کتابداری در فضای مخزن کتاب تعبیه گردید و نرم افزار کتابداری مبین جهت ورود اطلاعات فهرست نویسی کتاب‌ها خریداری و مورد استفاده قرار گرفت.

پس از بسته بندی کتاب‌ها به صورت موضوعی و انتقال آن‌ها از خزانه‌ها به محل مخزن کتابخانه، برچسب گذاری و چیدمان کتاب‌ها آغاز گردید.

این فرایند مدت زمان ۱۰ روز پیوسته را شامل شد که در این فرایند تعداد ۵۴۰۰ جلد کتاب شامل ۳۳۳۴ جلد کتاب فارسی زبان و ۲۰۵۸ جلد کتاب لاتین برچسب گذاری و براساس رده بندی کنگره طبقه بندی شدند.

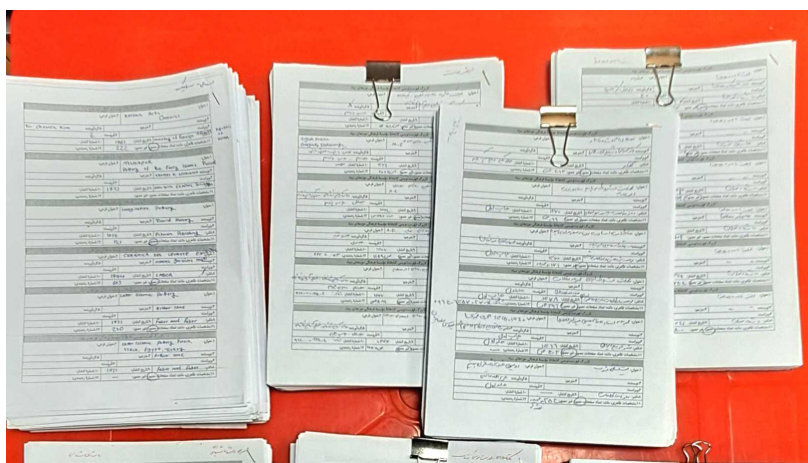
پس از اتمام مرحله طبقه بندی و سازمان دهی منابع، فرایند انتقال اطلاعات و ثبت کتاب‌ها در سامانه مدیریت کتابخانه‌ای آغاز گردید. این فرایند از تاریخ ۱۴ مهرماه ۱۴۰۴ رسماً شروع شد و در فاز نخست، حدود ۱۰۰۰



▲ رنگ آمیزی دیوارها و تنظیم سیستم برق کشی سالن‌های مطالعه



▲ سیستم اعلام حریق داخل مخزن، رطوبت سنج محیط و دوربین‌های امنیتی



▲ فرم‌های فهرست نویسی کتاب‌ها

جلد کتاب در سامانه کتابداری مبین ثبت و فهرست‌نویسی شد. در این مرحله، تمامی اطلاعات مربوط به هر منبع شامل مشخصات کتاب‌شناختی، موضوع، زبان، شماره رده و محل نگهداری وارد سامانه گردید تا در آینده نزدیک با انتقال این داده‌ها به سامانه‌ای جامع و هوشمند دسترسی پژوهشگران به منابع را تسهیل بخشد. این سامانه بر پایه استانداردهای بین‌المللی مدیریت کتابخانه‌ای طراحی خواهد شد و امکان جست‌وجو، رزرو و مطالعه منابع به صورت برخط (آنلاین) را برای کاربران فراهم می‌سازد. بدین ترتیب، پژوهشگران و علاقه‌مندان قادر خواهند بود در هر زمان و مکان به اطلاعات منابع دسترسی یافته و از خدمات علمی و پژوهشی کتابخانه بهره‌مند شوند.

این رویکرد، گامی مؤثر در جهت مدرن‌سازی نظام کتابداری، ارتقای بهره‌وری اطلاعاتی و گسترش دسترسی عمومی به دانش تخصصی به شمار می‌آید و نقش کتابخانه دفاینه را به عنوان یکی از پیشگامان کتابخانه‌های دیجیتال در حوزه میراث فرهنگی و موزه‌داری تثبیت خواهد نمود.

خدمات و بهره‌برداری

کتابخانه تخصصی موزه دفاینه از تاریخ ۱۲ مهرماه ۱۴۰۴ به صورت رسمی



▲ فرایند فهرست‌نویسی و ثبت کتاب‌ها



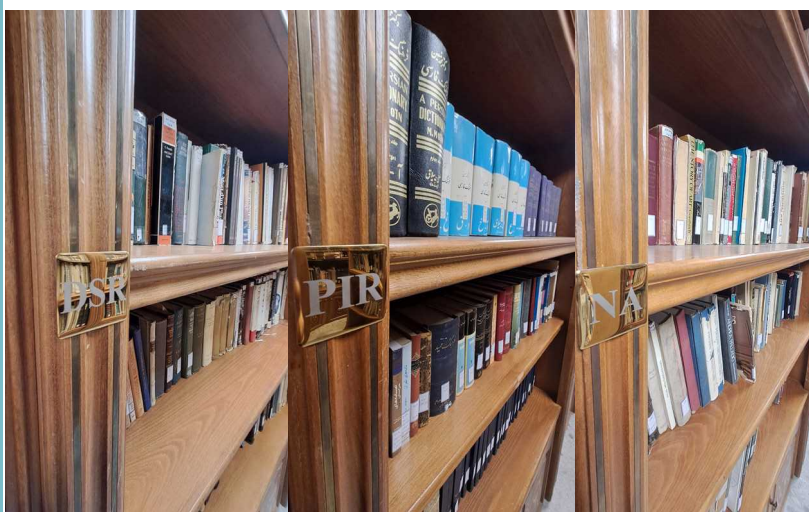
▲ فرایند فهرست‌نویسی و ثبت کتاب‌ها



▲ تأمین تجهیزات مورد نیاز سالن‌های مطالعه



▲ فرایند برچسب گذاری و رده بندی کتاب ها بر اساس رده بندی کنگره



▲ فرایند برچسب گذاری و رده بندی کتاب ها بر اساس رده بندی کنگره

آغاز به کار کرده است و به عنوان یکی از بخش های علمی و پژوهشی موزه، مأموریت دارد بستر دسترسی به منابع معتبر و روزآمد را برای پژوهشگران، دانشجویان و علاقه مندان فراهم سازد. خدمات این کتابخانه شامل امانت منابع چاپی، بهره مندی از فضای مطالعه آرام و مجهز، دسترسی به پایگاه های اطلاعاتی داخلی و بین المللی، استفاده از آرشیو دیجیتال آثار مکتوب و تصویری، و نیز ارائه مشاوره های پژوهشی و راهنمایی در



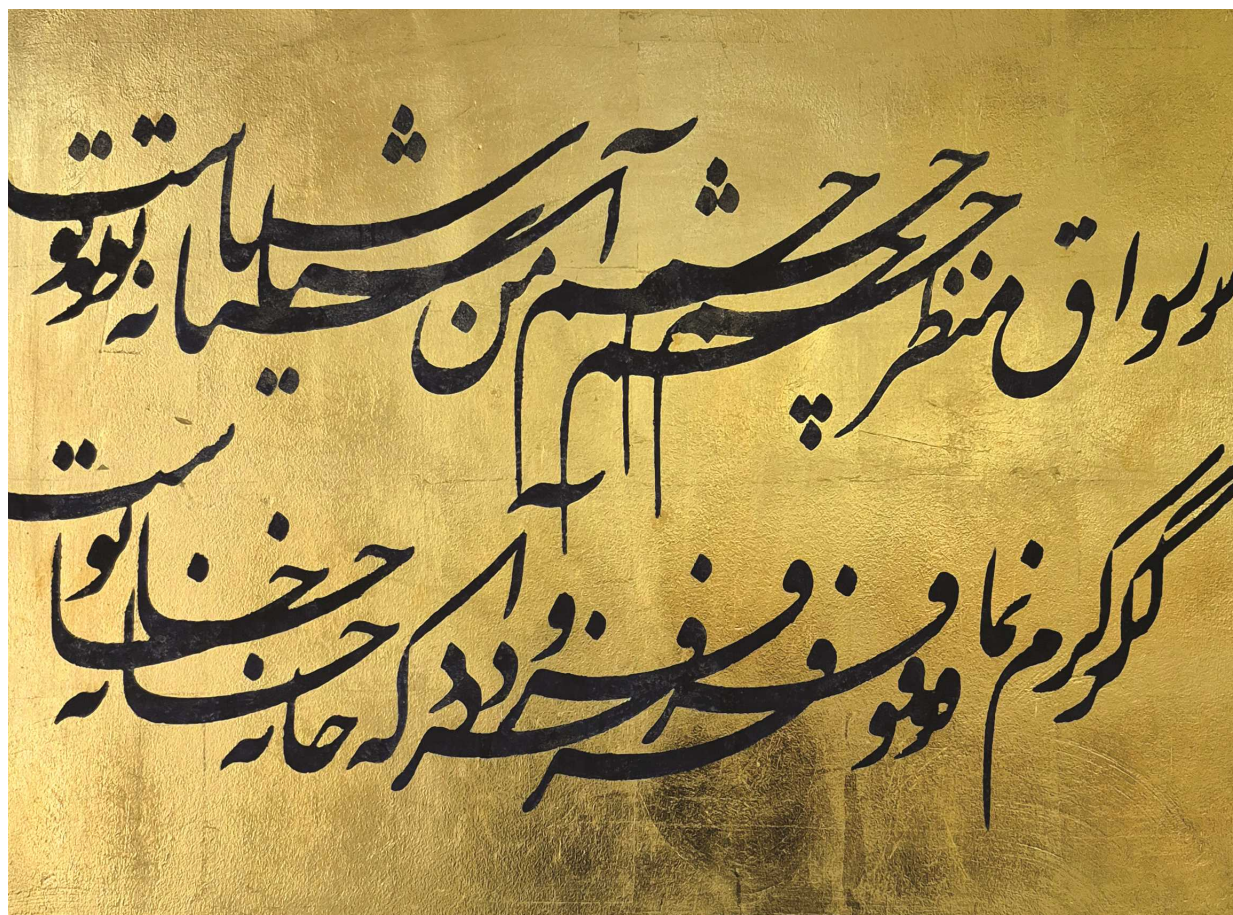
فرایند جست و جوی منابع است.

مخزن کتابخانه در حال حاضر شامل مجموعه‌ای غنی و ارزشمند از منابع تخصصی در حوزه‌های تاریخ، باستان‌شناسی، موزه‌داری، مرمت و نگهداری آثار فرهنگی، هنرهای زیبا، موسیقی، ایران‌شناسی، هنر و تمدن ملل، ادیان و مذاهب، علوم طبیعی، علوم سیاسی و مدیریت است. افزون بر منابع فارسی، کتابخانه دارای مجموعه‌ای چشمگیر از آثار به زبان‌های لاتین (انگلیسی، فرانسوی، آلمانی) و نیز زبان‌های شرقی همچون ژاپنی، چینی و کره‌ای است که موضوعاتی چون تاریخ، هنرهای زیبا، ادبیات، سیاست و مطالعات نظامی را دربر می‌گیرند. کتابخانه تخصصی موزه دفینه با هدف ایجاد محیطی پویا برای پژوهش و تبادل دانش، از روزهای شنبه تا چهارشنبه، در ساعات ۹ صبح تا ۵ بعدازظهر، پذیرای پژوهشگران، استادان، دانشجویان و عموم علاقه‌مندان است.

چشم انداز کتابخانه تخصصی دفینه

کتابخانه تخصصی دفینه در نظر دارد تا در کوتاه مدت بتواند پایگاه داده‌ای از تمامی کتاب‌های این

مخزن برای علاقه‌مندان و پژوهشگران فراهم نماید. همچنین در میان مدت بتواند بستری مناسب برای چاپ و انتشار آثار علمی فراهم نماید. ارتقای جایگاه موزه به عنوان یک مرکز علمی - پژوهشی در حوزه میراث فرهنگی، تسهیل دسترسی پژوهشگران به منابع تخصصی و مطالعاتی، افزایش همکاری‌های علمی با دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، تقویت آموزش‌های درون‌سازمانی و ارتقای دانش کارکنان موزه نیز از جمله مواردی است که این کتابخانه در دستور کار خود قرار داده است. همچنین کتابخانه در نظر دارد تا با طراحی برنامه‌های آموزشی مشترک میان کتابخانه‌های دانشگاهی و عمومی، نشست‌های کتاب‌خوانی تخصصی، دعوت از نویسندگان علمی



و پژوهندگان حوزه‌های هنری و تاریخی و برگزاری آیین‌های رونمایی کتاب‌های ارزشمند در این حوزه‌ها، به گسترش فرهنگ مطالعه و تبادل دانش میان پژوهشگران، دانشجویان و علاقه‌مندان یاری رساند. این رویکرد نه تنها موجب پویایی علمی و ارتقای سطح آگاهی مخاطبان می‌شود، بلکه زمینه‌ساز شکل‌گیری شبکه‌ای از تعاملات فرهنگی و پژوهشی در راستای اهداف آموزشی و موزه‌ای مجموعه خواهد بود.

در نهایت پروژهٔ احداث و راه‌اندازی کتابخانهٔ تخصصی موزهٔ دفینه با هدف گسترش زیرساخت‌های علمی و فرهنگی با موفقیت به انجام رسید. اجرای دقیق مراحل طراحی، ساخت و تجهیز، همراه با نظارت مستمر و تأمین مالی منظم، موجب شد این مجموعه در مدت زمان پیش‌بینی شده به بهره‌برداری برسد.

کتابخانه اکنون به عنوان یکی از اجزای کلیدی شبکه دانشی موزه فعالیت خواهد کرد و با فراهم آوردن منابع تخصصی و فضای پژوهشی مناسب، به ارتقای کیفیت مطالعات موزه‌ای و توسعهٔ فرهنگ پژوهش در کشور کمک شایانی خواهد نمود.

اهمیت نقش آکادمی‌ها در مؤسسه فرهنگی موزه‌ها

در جهان امروز که سرعت تغییرات بیش از هر زمان دیگری است، سازمان‌ها تنها زمانی قادر به حفظ پویایی، رقابت‌پذیری و نوآوری خواهند بود که «تحقیق و توسعه» به عنوان یک بخش اصلی و راهبردی در ساختار آنها نهادینه شود. در همین راستا، رئیس محترم بنیاد مستضعفان، جناب آقای دکتر حسین دهقان، به این نکته اشاره کرده‌اند که تحقیق و توسعه، موتور محرک تحول در هر مجموعه است؛ زیرا بدون پژوهش مستمر، تحلیل داده‌ها، رصد روندهای جهانی و تولید دانش جدید، هیچ سازمانی توان پیشرفت پایدار نخواهد داشت. حال اگر بخواهیم به ضرورت تحقیق و توسعه در موزه‌ها بپردازیم باید بدانیم که موزه‌ها تنها محل نگهداری و نمایش آثار

تاریخی و فرهنگی نیستند؛ بلکه مراکز تولید دانش، روایت تاریخ، حفظ میراث فرهنگی و آموزش و پژوهش نیز به شمار می‌روند. از این رو، وجود یک ساختار آموزشی و پژوهشی سازمان‌یافته در موزه‌ها می‌تواند کیفیت روایت‌ها و محتوای نمایشگاه‌ها را تقویت کند، منجر به شناسایی ظرفیت‌های ناشناخته آثار شود و با بررسی نیازهای مخاطبان، تجربه بازدید را ارتقا دهد. همچنین زمینه توسعه خدمات آموزشی، فرهنگی و پژوهشی را فراهم کند و نسل جدیدی از پژوهشگران

و متخصصان موزه را تربیت کند. بنابراین، راه‌اندازی آکادمی در موزه‌ها نیز گامی راهبردی برای توسعه دانش، انتقال تجربه و گسترش نوآوری خواهد بود. با توجه به این نیاز و به همت مدیرعامل محترم مؤسسه فرهنگی موزه‌ها، جناب آقای دکتر حمیدرضا

سلیمانی، تشکیل «آکادمی‌های آموزشی و پژوهشی موزه‌ها» اقدامی مهم در مسیر تخصصی‌سازی فعالیت‌ها و ایجاد یک شبکه یادگیری پویا در سطح مؤسسه خواهد بود. این آکادمی‌ها متعهد هستند آموزش را به‌عنوان فرآیندی مستمر، اثربخش و همسو با نیازهای مؤسسه دنبال کنند و هریک از آنها موازی با موزه‌ها با نام‌های برشمرده زیر در شهرهای مختلف استقرار دارند:

۱. آکادمی بین‌المللی هنرهای تجسمی، موزه ملی هنر اصفهان
۲. آکادمی بین‌المللی هنر و تاریخ، پردیس موزه‌های رامسر
۳. آکادمی بین‌المللی هنرهای معماری، موزه هنر ایران-تهران
۴. آکادمی بین‌المللی نگاره‌های زمان، موزه زمان-تهران

۵. آکادمی بین‌المللی مرمت آثار تاریخی، پردیس دفینه-تهران
۶. آکادمی بین‌المللی آموزش، بازسازی و مرمت خودروهای کلاسیک، موزه خودرو-تهران
۷. آکادمی بین‌المللی هنر بافته‌های تاروپود، موزه تاروپود-یزد
- آکادمی‌های مؤسسه فرهنگی موزه‌ها می‌توانند به‌عنوان بازوی آموزشی و دانش‌بنیان موزه‌ها، مأموریت‌هایی را دنبال کنند از جمله:
- ▶ تولید و تدوین استانداردها و بسته‌های آموزشی تخصصی
- ▶ تربیت نیروهای متخصص در حوزه‌های موزه‌داری، حفاظت، مرمت و آموزش و پژوهش
- ▶ ایجاد ارتباط ساختارمند میان پژوهش، آموزش و اجرا
- ▶ برگزاری دوره‌ها، کارگاه‌ها و برنامه‌های مهارت‌افزایی برای کارکنان و جامعه مخاطب

- ▶ بررسی روندهای ملی و بین‌المللی موزه‌داری و به‌روزرسانی دانش مؤسسه
- ▶ آینده‌ای که با تأسیس این آکادمی‌ها متصور هستیم و همچنین برای آنکه

بتوانیم نقش آنها را به‌صورت مؤثر ایفا کنیم، باید تمرکزمان را بر پایه چند اصل کلیدی زیراستوارسازیم:

- ▶ طراحی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر نیازسنجی واقعی کارکنان و مخاطبان
- ▶ ارائه آموزش‌های مهارتی و عملی در کنار آموزش‌های نظری
- ▶ تربیت و بهره‌مندی از مدرسان متخصص و فعال در حوزه‌های موزه‌داری، حفاظت و مدیریت فرهنگی به‌کارگیری فناوری‌های نوین آموزشی:
- ▶ پلتفرم‌های آنلاین، شبیه‌سازی‌ها، تورهای مجازی
- ▶ ارزیابی مؤثر دوره‌ها و سنجش میزان کاربردپذیری آموخته‌ها در محیط کار
- ▶ مستندسازی و انتشار دانش تولیدشده در قالب مقالات، گزارش‌ها و محتوای آموزشی
- ▶ تشویق کارکنان به فعالیت پژوهشی و ارائه نتایج در نشریات داخلی موزه‌ها
- در پایان، خاطر نشان می‌سازد که تحقیق و توسعه در مؤسسه فرهنگی موزه‌ها، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت برای تداوم رشد و تحول است. تشکیل آکادمی‌های موزه‌ها نشان‌دهنده رویکرد آینده‌نگر و دانش‌محور مجموعه است و می‌تواند مسیر توسعه پایدار، گسترش دانش موزه‌داری و ارتقای کیفیت خدمات فرهنگی و آموزشی را هموار کند. این اقدام مهم، همسو با گامی عملی در جهت تبدیل موزه‌ها به مراکز تولید فکر، دانش و تجربه است.

معماری بین‌المللی آکادمی آرایه‌های

موزه هنر ایران

با توجه به جایگاه موزه هنر ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای فرهنگی و هنری کشور در معرفی میراث هنرهای سنتی، کاربردی و تزئینی ایران، و در راستای تحقق اهداف مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان در زمینه توسعه دانش، مهارت و پژوهش‌های موزه‌محور، «آکادمی بین‌المللی آرایه‌های معماری موزه هنر ایران» به منظور آموزش، پژوهش و ترویج هنرها و تزئینات وابسته به معماری در تاریخ ۲۳ مهرماه سال جاری افتتاح شد.

این آکادمی با هدف احیای هنرهای سنتی و انتقال دانش میان هنرمندان، پژوهشگران و مخاطبان معاصر،

بستری علمی و کارگاهی برای پیوند میان پژوهش موزه‌ای و آموزش عملی فراهم می‌سازد. مأموریت این آکادمی ایجاد مرکزی پژوهشی، آموزشی و هنری برای حفظ، بازآفرینی و گسترش دانش هنرهای وابسته به معماری با تأکید بر پیوند میان سنت، نوآوری و نیازهای معاصر جامعه هنری و موزه‌ای است. هدف آکادمی آرایه‌های معماری دو گروه دنبال می‌کند: دنبال می‌کند: دنبال می‌کند: دنبال می‌کند:

اهداف کلان

۱. ارتقای سطح دانش و مهارت‌های تخصصی در حوزه هنرهای وابسته به معماری
۲. احیای فنون سنتی و کاربرد آن در طراحی معاصر
۳. ایجاد تعامل میان استادان، هنرمندان و پژوهشگران
۴. مستندسازی و بازنمایی دستاوردهای علمی و هنری در قالب نمایشگاه و انتشارات
۵. ارتقای جایگاه علمی موزه هنر ایران به عنوان مرکز آموزشی و پژوهشی مرجع در حوزه هنرهای وابسته به معماری
۶. گسترش پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در پیوند هنر، معماری و موزه.

اهداف اختصاصی

۱. طراحی و برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های تخصصی در زمینه‌های هنرهای وابسته به معماری
۲. انجام پژوهش‌های کاربردی درباره فنون، مواد و روش‌های خلق آثار تاریخی
۳. برگزاری نشست‌های علمی، همایش‌ها و نمایشگاه‌های تخصصی
۴. تدوین منابع آموزشی، کتاب، مقاله و کاتالوگ آثار
۵. همکاری با دانشگاه‌ها، فرهنگستان هنر، پژوهشگاه میراث فرهنگی و سایر نهادهای مرتبط

۶. شناسایی و حمایت از هنرمندان جوان و پژوهشگران در حوزه هنرهای وابسته به معماری.

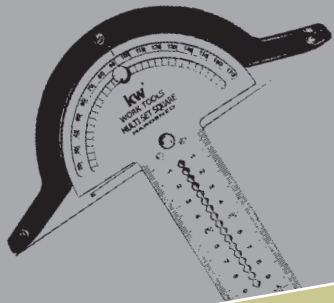
- آکادمی دارای یک گروه تخصصی و هشت زیرگروه به ترتیب زیر است:

۱. تزئینات آجری
۲. تزئینات کاشی و سرامیک
۳. تزئینات چوبی
۴. گچبری و آرایه‌های گچی
۵. آینه‌کاری
۶. نقاشی و نگارگری دیواری و کتیبه‌نگاری
۷. گروه طراحی و صنایع کاربردی معاصر (طراحی فضا، گرافیک موزه‌ای)
۸. گروه مرمت و مستندسازی (حفاظت آثار و فنون تاریخی)

- وظایف و حوزه‌های فعالیت آکادمی آرایه‌های معماری را می‌توان در ۷ مورد کلان دسته بندی نمود:

۱. برنامه‌ریزی و اجرای دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت و میان‌مدت
۲. راه‌اندازی کارگاه‌های آموزشی-پژوهشی در داخل موزه
۳. مستندسازی فنون سنتی برای استفاده پژوهشگران
۴. انتشار سالنامه علمی-هنری

۵. تدوین طرح‌های پژوهشی مشترک با سایر موزه‌ها و مراکز هنری
 ۶. فراهم‌سازی امکان کارآموزی و آموزش تجربی برای هنرجویان
 ۷. برگزاری نمایشگاه‌های سالانه دست‌ساخته‌ها.
- این آکادمی با نام رسمی «آکادمی بین‌المللی آرایه‌های معماری موزه هنر ایران» زیر نظر مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان و در محل موزه هنر ایران (کاخ مرمر تهران) استقرار دارد. آکادمی فاقد مراکز استانی یا واحدهای وابسته خارج از مجموعه موزه هنر ایران است.





راه‌اندازی آک

اشاره

در دهه‌های اخیر، با افزایش مخاطرات طبیعی، فرسایش زمانی، توسعه ناپایدار شهری و کمبود نیروی متخصص، میراث تاریخی و فرهنگی ایران بیش از پیش در معرض آسیب و زوال قرار گرفته است. از سوی دیگر، ضعف ساختارهای آموزش مهارت‌محور، فقدان نهادهای تخصصی در تربیت نیروهای کارآمد، و پراکندگی دانش‌های تجربی مرمت، موجب شده تا روند نگاهداشت و احیای آثار تاریخی با چالش‌های جدی مواجه شود. در چنین شرایطی، ایجاد نهادی تخصصی چون «آکادمی مرمت پردیس موزه‌ای دفینه» ضرورتی راهبردی برای نظام‌مند کردن آموزش، مستندسازی تجربیات بومی، ترویج استانداردهای حرفه‌ای، و ایجاد زیرساخت‌های کارآفرینانه در حوزه مرمت و نگاهداشت آثار تاریخی به شمار می‌رود؛ نهادی که بتواند پیوند میان دانش نظری، تجربه میدانی و فناوری‌های نوین را تقویت کرده و در خدمت صیانت پایدار از میراث فرهنگی ایران قرار گیرد.



آکادمی بین المللی مرمت آثار تاریخی موزه دفینه، در مورخ هفتم مرداد ماه سال ۱۴۰۴ با هدف توسعه، شناخت و ایجاد بستری پژوهشی و آموزشی در پردیس موزه ای دفینه ای راه اندازی گردید. این آکادمی بین المللی یک مرکز تخصصی و آموزشی است که با هدف تربیت نیروی متخصص در زمینه نگهداری، مرمت و مراقبت از آثار تاریخی، فرهنگی و هنری تاسیس شده است. در واقع این آکادمی پلی میان علم، هنر و میراث فرهنگی است تا آنچه از گذشته به جا مانده به شکل اصولی و علمی به نسل های آینده منتقل شود.

بر مبنای تعاریف موجود در اساس نامه آکادمی و تعاریف چشم انداز و اهداف آن، این آکادمی در نظر دارد تا دوره هایی از جمله، مبانی نظری مرمت و حفاظت، مرمت آثار سنگی، گچی و چوبی، حفاظت و احیای نقاشی های تاریخی و هنری، مرمت نسخ خطی و اسناد تاریخی، آشنایی با مواد و فنون سنتی در ساخت آثار، کارگاه های عملی در بناهای تاریخی منتخب و آشنایی با اصول باستان

آکادمی مرمت در پردیس موزه ای دفینه

سنجی و علم مواد در مرمت و حفاظت برگزار کند. آموزش اصولی و علمی مرمت آثار تاریخی، ترویج فرهنگ حفاظت از میراث فرهنگی، ایجاد بستری برای پژوهش و نوآوری در حوزه مرمت و حفاظت، توانمندسازی علاقه مندان و فعالان حوزه هنر، تاریخ، معماری و باستان شناسی از جمله اهداف این آکامی است که می بایست در بستری ملی و فراملی محقق و در راستای اهداف بلند مدت موسسه فرهنگی موزه های بنیاد مستضعفان دنبال گردد.



- پروژه‌های کنترل شده مرمتی.
- امکان انجام فعالیت هایی مانند تمیزکاری، استحکام بخشی، مستند سازی و عکاسی تخصصی از آثار.
- اجرای کارگاه های فن شناسی و شناخت تکنیک های سنتی خلق هنرهای سنتی با تکیه بر هنرایران.

زمان بندی و فرایند راه اندازی

مراحل ساخت و تجهیز و بهره برداری آکادمی مرمت به شرح زیر می باشد.

فاز اول: برنامه ریزی مفهومی و تعیین نیازها

- تعریف مأموریت، چشم انداز و مخاطبان آکادمی (دانشجویان، پژوهشگران، علاقه مندان عمومی)
- مرور نمونه آکادمی‌های قبلی در مجموعه دفینه (آکادمی های موزه خودروهای تاریخی و موزه تار و پود) و استفاده از تجربیات آنها در طراحی ساختار جدید
- مشخص شدن نیاز به سه بخش اصلی فیزیکی:

۱. فضای اداری (دفتر)
۲. فضای کلاس نظری
۳. فضای کارگاه عملی مرمت

فاز دوم: انتخاب و آماده سازی فضاها

- جانمایی فضاها در پردیس موزه‌ای
- دفینه به گونه‌ای که دسترسی هنرجویان، ارتباط با گالری‌ها و کارگاه‌های مرمتی موجود و نیز شرایط نور و امنیت آثار حفظ شود.
- آماده‌سازی زیرساخت ها شامل



فضای کلاس (آموزش نظری)

- محیطی آرام و منظم برای ارائه درس‌های نظری در حوزه‌های تاریخ فن‌شناسی و آسیب شناسی، مبانی حفاظت و مرمت، آشنایی با مواد و فنون سنتی و اصول موزه داری.
- مجهز به امکانات تصویری برای نمایش نمونه‌های مرمتی و مستندهای مرتبط.

فضای کارگاه (تمرین عملی مرمت)

- کارگاهی تخصصی برای تمرین عملی هنرجویان روی نمونه‌ها و

ویژگی های فیزیکی آکادمی

بر اساس طراحی انجام شده و نیازهای آموزشی، آکادمی شامل سه فضای اصلی زیراست:

فضای دفتر (اداری)

- محل استقرار مدیریت آکادمی و انجام امور اجرایی، ثبت نام، پاسخ گویی و برنامه ریزی.
- نقطه تماس اصلی هنرجویان، پژوهشگران و مراجعان با آکادمی.

پروژه‌های کوچک مرمتی قابل استفاده باشد؛ رویکردی که در خبرها نیز به آن اشاره شده است که آکادمی، پیوند مستقیم با پروژه‌های مرمتی دارد.

افتتاحیه مجموعه

این مجموعه که در هفتم مرداد ماه ۱۴۰۴ افتتاح گردید پس از انجام مطالعات پایه و تجهیز و برنامه ریزی یک ماهه، با حضور مدیرعامل محترم موسسه فرهنگی موزه های بنیاد و همراهی رییس کمیته ملی موزه های ایران (ایکوم) راه اندای شد. در واقع آکادمی با توجه به ساختار خود به صورت همکاری مشترک با ایکوم ایران سعی خواهد داشت تا بتواند به تبیین اصول مطروحه در اساس نامه خود دست یابد.

درسی با آثار موجود.

- آماده سازی فرایند ثبت نام، اطلاع رسانی، و تعریف روند ارزیابی و صدور گواهی پایان دوره.

فازمکمل: تجهیز کلاس و کارگاه (نیازمند تکمیل)

- تجهیز کلاس نظری با امکاناتی مانند: میز و صندلی هنرجویان، تخته، ویدیوپروژکتور و امکانات آرایه محتواهای آموزشی تخصصی.
- تجهیز کارگاه مرمت با میزهای کار مرمت، قفسه های نگهداری نمونه‌ها، ابزارهای پایه مرمتی (مانند ابزار تمیزکاری، نمونه مواد، ابزارهای بزرگنمایی، و تجهیزات ایمنی فردی).
- ایجاد نظم و چیدمان به گونه ای که کارگاه برای همزمان آموزش و اجرای

برق، نور مناسب برای دفتر، کلاس و کارگاه مرمتی، تهویه و ایمنی.

- آماده سازی فضای دفتر برای استقرار مدیریت آکادمی، ثبت نام هنرجویان و امور هماهنگی.

فاز سوم: تدوین نهایی برنامه آموزشی و هماهنگی ها

- نهایی کردن سرفصل های دوره ها؛ از مبانی نظری حفاظت و مرمت تا آشنایی با مواد و فنون سنتی ساخت آثار و روش های نوین حفاظت.
- تنظیم تقویم آموزشی و زمان بندی کلاس ها در دو فضای جداگانه (کلاس و کارگاه).
- هماهنگی با موزه دفینه برای طراحی بازدیدهای میدانی از بخش های مختلف موزه و ارتباط دادن مباحث



آکادمی موزه تار و پود

موزه تار و پود به عنوان نگهبان میراث ارزشمند منسوجات، صنایع دستی، بافت‌ها و هنرهای مرتبط با پارچه، جایگاهی ویژه در فرهنگ مادی و معنوی ایران دارد. آکادمی این موزه بر آن است تا از طریق کارگاه‌های آموزشی، پژوهشی و تجربی، پیوند میان سنت‌های کهن با دانش و فناوری‌های نوین را برقرار سازد و بستری برای رشد نسل جدیدی از هنرمندان و پژوهشگران فراهم آورد.

اهداف اصلی

صیانت و احیای دانش‌های سنتی نساجی و بافندگی:

- حفظ و انتقال مهارت‌ها، روش‌ها و الگوهای بومی بافندگی، رنگرزی و چاپ سنتی به نسل جدید از طریق آموزش‌های عملی و مستندسازی.

برگزاری کارگاه‌های تخصصی و تجربی:

- طراحی و اجرای دوره‌های کارگاهی در حوزه‌های مختلف مانند پارچه‌بافی، گلیم، سوزن‌دوزی، چاپ سنتی و طراحی الگوهای معاصر با بهره‌گیری از استادکاران و هنرمندان برجسته.

اهداف آکادمی‌های

موزه تار و پود

و موزه نور و روشنائی

مقدمه

موزه‌ها در دنیای امروز تنها محل نگهداری آثار تاریخی یا هنری نیستند؛ بلکه به عنوان مراکز پویا و الهام‌بخش، نقش مهمی در آموزش، پژوهش، آفرینش و تعامل فرهنگی ایفا می‌کنند. بر همین اساس، ایجاد «آکادمی موزه تار و پود» و «آکادمی موزه نور و روشنائی» با هدف گسترش فرهنگ موزه‌داری، تقویت مهارت‌های تخصصی

و ایجاد بستری برای تبادل دانش میان هنرمندان، پژوهشگران، علاقه‌مندان و بازدیدکنندگان شکل گرفته است. هر دو آکادمی با حفظ هویت موضوعی و هنری موزه‌های خود، تلاش دارند تا از قالب نمایش صرف فراتر رفته و به عرصه تجربه، آموزش، اندیشه و خلاقیت وارد شوند.



ایجاد ارتباط میان هنر سنتی و طراحی معاصر:

- تشویق هنرمندان جوان به بهره‌گیری از مفاهیم سنتی در خلق آثار مدرن، به منظور حفظ هویت فرهنگی در کنار نوآوری و زیبایی‌شناسی روز.

پژوهش و مستندسازی میراث منسوجات ایران:

- گردآوری اطلاعات، تصاویر و روایت‌های مرتبط با هنر نساجی در نقاط مختلف کشور و تشکیل بانک اطلاعاتی جامع برای پژوهشگران و علاقه‌مندان.

توسعه گردشگری فرهنگی - آموزشی:

- جذب بازدیدکنندگان داخلی و خارجی به منظور آشنایی عمیق‌تر با فرایند خلق آثار منسوج، از نخ تا نقش، از طریق کارگاه‌های زنده و برنامه‌های تعاملی.

توانمندسازی زنان و جوانان در حوزه صنایع دستی:

- فراهم کردن فرصت‌های آموزشی و کارآفرینی برای گروه‌های محلی، به‌ویژه بانوان، جهت توسعه پایدار اقتصادی و فرهنگی در بستر هنرهای بومی.

ایجاد فضای گفت‌وگو و تبادل تجربه:

- برگزاری نشست‌ها، همایش‌ها و نمایشگاه‌های کوچک با محوریت «بافت به مثابه فرهنگ» برای ایجاد پیوند میان پژوهشگران، هنرمندان و جامعه.

آکادمی موزه نور و روشنائی

نور از نخستین مفاهیمی است که در فرهنگ و فلسفه بشر جایگاه بنیادین دارد؛ نماد آگاهی، حقیقت، و ارتباط انسان با امر قدسی. موزه نور و روشنائی، که مجموعه‌ای از ابزارها، آثار هنری و مفاهیم مرتبط با نور را در خود جای داده، می‌کوشد از رهگذر آموزش و تفکر، بازدیدکننده را به تجربه‌ای فراتر از مشاهده برساند. آکادمی این موزه بر آموزش مفهومی و تربیت «موزه‌یار» تمرکز دارد تا نسلی آگاه، مشتاق و توانمند در انتقال پیام‌های فرهنگی و فلسفی نور پرورش دهد.

اهداف اصلی

آموزش و تربیت موزه‌یاران تخصصی:

- طراحی برنامه‌های آموزشی برای نوجوانان، دانشجویان و علاقه‌مندان به منظور آشنایی با اصول موزه‌داری، روایت‌گری فرهنگی و تفسیر آثار، با تأکید بر مفاهیم نور و روشنائی.

پیوند میان علم، فلسفه و معنویت نور:

- ارائه دوره‌ها و نشست‌هایی درباره جنبه‌های فلسفی، دینی، هنری و علمی نور؛ از نور در معماری ایرانی - اسلامی تا کاربردهای نور در هنر معاصر و فناوری.

تجربه محور کردن آموزش موزه‌ای:

- طراحی برنامه‌هایی که بازدیدکننده را از حالت مشاهده‌گر منفعل به پژوهشگر و مشارکت‌کننده فعال بدل کند؛ مانند بازی‌های آموزشی،

آزمایش‌های نور و نمایش‌های تعاملی.

ایجاد شبکه موزه‌یاران ملی:

- تربیت گروهی از نوجوانان و جوانان موزه‌یاران که بتوانند در موزه‌های مختلف کشور به انتقال دانش، تفسیر آثار و برقراری ارتباط میان موزه و مردم کمک کنند.

ترویج سواد بصری و نوری در جامعه:

- آشنایی مخاطبان با اصول نورپردازی، زیبایی‌شناسی نور، و درک تأثیر نور در هنر، محیط و روح انسان از طریق کارگاه‌ها و سخنرانی‌های عمومی.

پژوهش در تاریخ ابزارهای روشنائی:

- مطالعه و معرفی سیر تحول چراغ‌ها، فانوس‌ها و فناوری‌های نور در تمدن ایرانی و اسلامی، و تحلیل ارتباط آن با فرهنگ زیست و باورهای مردم.

الهام‌بخشی و پرورش خلاقیت هنری:

- تشویق هنرمندان، دانشجویان و طراحان به استفاده از مفهوم نور در آثار خود، از طریق برگزاری مسابقات، نمایشگاه‌های هنری و پروژه‌های میان‌رشته‌ای.

تقویت هویت فرهنگی از رهگذر مفهوم نور:

- بازخوانی نمادهای نوری در متون مذهبی و عرفانی، و معرفی آن به عنوان عنصر وحدت‌بخش میان علم، دین و هنر.



آکادمی بین‌المللی موزه زمان

مقدمه

موزه زمان، به‌عنوان نخستین موزه تخصصی ابزارهای سنجش زمان در ایران و یکی از مجموعه‌های ارزشمند موزه‌های دفاینه، سال‌هاست که در پاسداشت تاریخ علمی، فرهنگی و هنری ایران نقشی بنیادین و الهام‌بخش ایفا می‌کند. این موزه نه تنها محلی برای نمایش ساعت‌ها و ابزارهای اندازه‌گیری زمان است، بلکه نمادی از پیوند میان علم، هنر، و تاریخ تمدن ایرانی به شمار می‌آید. امروز، در دوره‌ای که فناوری‌های هوشمند و ابزارهای دیجیتال با سرعتی چشمگیر در حال دگرگونی‌اند، بیش از هر زمان دیگری نیاز به حفظ مهارت‌های اصیل ساعت‌سازی و انتقال دانش استادان قدیمی این هنر احساس می‌شود. هم‌زمان، تربیت نیروی متخصص برای حضور فعال و موثر در بازارهای جهانی نیز ضرورتی غیرقابل انکار یافته است.

تأسیس آکادمی بین‌المللی موزه زمان

در همین راستا، همکاری راهبردی میان موزه زمان، کمیته ملی موزه‌های ایران (ایکوم ایران) و اتحادیه صنف ساعت شکل گرفته و حاصل آن تأسیس «آکادمی بین‌المللی موزه زمان» است؛ نهادی آموزشی، پژوهشی و فرهنگی که مأموریت دارد میراث دیرینه زمان‌سنجی ایرانی را با



آموزش‌های تخصصی و فناوری‌های روز پیوند دهد و پلی میان گذشته ارزشمند و آینده نوآورانه این حوزه بسازد.

ضرورت تأسیس آکادمی

ضرورت وجود چنین مرکزی از جنبه‌های متعددی قابل تبیین است. نخست، نبود مراکز آموزشی استاندارد و جامع در ایران که بتوانند دانش نظری و مهارت عملی ساعت‌سازی مکانیکی، کوارتز و هیبریدی را به صورت منسجم ارائه دهند. دوم، خطر از میان رفتن مهارت‌های سنتی در تعمیر و احیای ساعت‌های تاریخی، به‌ویژه در نبود نظام منظم انتقال تجربه از استاد به شاگرد. سوم، افزایش تقاضای بازار داخلی

و منطقه‌ای برای نیروهای متخصصی که توان ارائه خدمات دقیق و باکیفیت جهانی داشته باشند. و چهارم، ظرفیت اقتصادی چشمگیر صنعت ساعت‌سازی در ایجاد اشتغال، توسعه صادرات خدمات فنی و تقویت برند ملی ایران در عرصه جهانی.

راهنمای کلان آکادمی

۱. استانداردسازی آموزشی

راهنمای آکادمی بر پایه اصول علمی، عملیاتی و پایدار طراحی شده‌اند تا مسیر رشد و تأثیرگذاری آن روشن و قابل ارزیابی باشد. راهنم نخست، تمرکز بر



و ارزش مدارک فارغ التحصیلان را به شکل قابل توجهی بالا می برد، چراکه نامی معتبر پشت آن قرار دارد.

۴. تنوع بخشی به آموزش و تولید محصولات

راهبرد چهارم، تنوع بخشی به سطوح و شیوه های آموزشی است تا آکادمی برای طیف گسترده ای از مخاطبان قابل دسترس باشد. از دوره های مقدماتی برای علاقه مندان و هنرجویان تازه کار گرفته تا برنامه های پیشرفته برای ساعت سازان حرفه ای و پژوهشگران، همه با رویکرد ارزیابی اولیه توانایی طراحی و اجرا خواهند شد. در این چارچوب، آکادمی همچنین امکان تولید ساعت های سفارشی تحت برند MT را برای هنرجویان برتر فراهم می کند تا آثار عملی آنان مستقیماً در بازار عرضه شود.

این طرح نه تنها منبع درآمدی پایدار برای آکادمی خواهد بود، بلکه فرصتی ارزشمند برای تجربه واقعی طراحی، تولید و بازاریابی فراهم می آورد و به تدریج جایگاه برند MT را به عنوان نماینده ساعت سازی ایرانی در بازار داخلی و بین المللی تثبیت خواهد کرد.

مراحل راه اندازی آکادمی

مسیر راه اندازی آکادمی به صورت مرحله به مرحله و عملیاتی طراحی شده تا در بازه زمانی حدود یک سال به بهره برداری کامل برسد.

مرحله نخست: تحلیل دقیق بازار کار و بررسی برنامه های آموزشی مراکز معتبر جهانی.

مرحله دوم: تدوین محتوای آموزشی با تأکید بر تعادل میان دانش نظری و مهارت عملی. موضوعاتی چون تاریخچه ساعت سازی، اصول مکانیک و الکترونیک، روش های عیب یابی، تعمیر و مونتاژ و احیای ساعت های تاریخی در محور اصلی آموزش قرار خواهند گرفت.

مرحله سوم: انتخاب مدرسان از میان متخصصان عضو اتحادیه تا دانش و تجربه به صورت مستقیم و معتبر منتقل گردد. در پایان دوره ها، فارغ التحصیلان مدرک بین المللی

استاندارد سازی آموزش بر اساس دستورالعمل های بین المللی ایکوم و نیازسنجی دقیق بازار از سوی اتحادیه ساعت ایران است. این اقدام تضمین می کند که محتوای آموزشی نه تنها از نظر علمی دقیق، بلکه کاملاً کاربردی و منطبق بر نیازهای واقعی صنعت باشد.

۲. همکاری نهادی و سازمانی

راهبرد دوم بر همکاری های نهادی و سازمانی استوار است که اعتبار و پایداری آکادمی را تضمین می کند. کمیته ملی موزه های ایران (ایکوم ایران) نقش استاندارد سازی و صدور گواهی نامه های معتبر جهانی را بر عهده دارد. در کنار آن، اتحادیه ساعت ایران با سابقه طولانی در نمایندگی صنعت ساعت سازی کشور، مشارکت گسترده ای خواهد داشت؛ از تدوین محتوای آموزشی متناسب با نیاز بازار، معرفی مدرسان باتجربه از میان استادکاران کارگاه های عضو، ایجاد ارتباط مستقیم با شرکت های تولیدی و تعمیراتی گرفته تا تسهیل ورود فارغ التحصیلان به بازار کار از طریق معرفی فرصت های شغلی، عضویت در انجمن های حرفه ای و حمایت از راه اندازی کارگاه های مستقل. این همکاری ها سبب می شود آکادمی از انزوای آموزشی دور بماند و به شبکه ای پویا و مؤثر از نهادهای علمی و صنعتی بدل شود.

۳. برند سازی تحت نام MT (Museum Time)

راهبرد سوم، برند سازی تحت نام MT است. این برند که مراحل ثبت رسمی خود را در مراجع داخلی و بین المللی طی می کند، هویت بصری و اعتبار مشترکی برای تمامی فعالیت های آکادمی فراهم می آورد. برند MT نه تنها در گواهی نامه ها و مدارک آموزشی، بلکه در تمام فعالیت های تبلیغاتی، همکاری های خارجی، تولیدات جانبی و پروژه های مشترک به کار گرفته خواهد شد. چنین راهبردی باعث افزایش شناخته شدن آکادمی در سطح بین المللی می شود

مخاطبان و عدالت آموزشی

مخاطبان آکادمی شامل دانشجویان رشته‌های فنی و هنری، تعمیرکاران فعال، علاقه‌مندان به میراث فرهنگی و کارکنان صنعت ساعت است. با ارائه بورسیه‌های آموزشی، طرح‌های تشویقی و برنامه‌های انعطاف‌پذیر، عدالت آموزشی در دسترسی به مهارت‌های تخصصی حفظ خواهد شد.

جمع‌بندی

در نهایت، آکادمی بین‌المللی موزه زمان با هدف حفظ، آموزش و انتقال میراث گران‌قدر ساعت‌سازی ایرانی، نقش مهمی در غنای فرهنگی و توسعه علمی کشور ایفا خواهد کرد. این نهاد از طریق تربیت متخصصان حرفه‌ای، نه تنها به توسعه پایدار صنعت و ایجاد اشتغال کمک می‌کند، بلکه با احیای جایگاه تاریخی ایران در حوزه زمان‌سنجی، به رونق اقتصادی، افزایش صادرات دانش فنی و تقویت هویت فرهنگی جامعه نیز یاری خواهد رساند.

مورد تأیید ایکوم ایران دریافت خواهند کرد که در رزومه حرفه‌ای آنان قابل استناد بوده و دسترسی به فرصت‌های شغلی داخلی و خارجی را برایشان تسهیل خواهد کرد.

اهداف و نتایج مورد انتظار

اهداف کوتاه‌مدت آکادمی شامل برگزاری دوره‌های متعدد در سال‌های اولیه، تربیت گروه‌های اولیه متخصصان داخلی و ایجاد شبکه‌ای از ساعت‌سازان و پژوهشگران همکار است. در افق بلندمدت، تمرکز برگسترش منطقه‌ای فعالیت‌ها، دیجیتال‌سازی آموزش‌ها و تبدیل آکادمی به مرکزی تحقیقاتی در حوزه زمان‌سنجی و فناوری‌های نوین خواهد بود. نتایج ملموس این برنامه‌ها شامل خودکفایی مالی از طریق شهریه‌های منصفانه و فروش ساعت‌های برند MT، تربیت نیروهای توانمند برای ارائه خدمات تعمیر در بازارهای بین‌المللی و ایجاد کارگاه‌های مستقل توسط فارغ‌التحصیلان است.



گزارش تأسیس آکادمی بین‌المللی هنرهای تجسمی موزه ملی هنر اصفهان

صبح چهارشنبه ۲۳ مهرماه ۱۴۰۴، «موزه ملی هنر اصفهان» میزبان رویدادی مهم در عرصه فرهنگ و هنر بود؛ آکادمی بین‌المللی هنرهای تجسمی به صورت رسمی در این موزه آغاز به کار کرد. این آیین با حضور مجازی دکتر حمیدرضا سلیمانی، مدیرعامل موزه‌های بنیاد مستضعفان، جناب آقای محیط طباطبایی رئیس کمیته ملی ایکوم ایران و جمعی از اساتید برجسته از جمله استاد علی خوشنویس زاده، استاد مهرداد صدری، استاد رسول معتمدی و دیگر علاقه‌مندان به هنر برگزار شد.

چشم‌انداز

آکادمی بین‌المللی هنرهای تجسمی با هدف تبدیل شدن به یک برند آموزشی معتبر در سطح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی تأسیس شده است. چشم‌انداز این آکادمی بر سه محور اصلی استوار است:

- ارتقای جایگاه ایران در عرصه هنرهای تجسمی جهان از طریق آموزش، پژوهش و تبادل فرهنگی.
- ایجاد درک متقابل بین‌فرهنگی از طریق هنر و آموزش آن
- ایجاد بستری برای پرورش نسل جدید هنرمندان و پژوهشگران با رویکردی خلاق، علمی و متعهد به ارزش‌های فرهنگی ایران.
- تثبیت نام موزه ملی هنر اصفهان به عنوان مرجع آموزشی و پژوهشی در حوزه هنرهای تجسمی.
- آکادمی نه تنها یک مرکز آموزشی، بلکه به عنوان هاب هنری شهر

رئیس موزه ملی هنر اصفهان، ضمن تشکر از مدیریت محترم موزه‌های بنیاد برای حمایت و تأسیس این آکادمی، به اهداف و چشم‌اندازهای پیش روی آن پرداخت و این رویداد را گامی در جهت پیوند دانش، تجربه و خلاقیت هنرمندان در سرتاسر جهان دانست.

افتتاح آکادمی بین‌المللی هنرهای تجسمی را می‌توان آغاز فصلی تازه در تعامل میان موزه، آموزش و پژوهش و هنر در ایران دانست؛ گامی که با هدف پرورش نسل تازه‌ای از هنرمندان و پژوهشگران هنرهای تجسمی برداشته شده است.

در این مراسم، دکتر سلیمانی با اشاره به ظرفیت‌های غنی موزه‌های بنیاد، بر ضرورت شکل‌گیری نهادهای آموزشی و پژوهشی در کنار فعالیت‌های موزه‌ای تأکید کرد. همچنین آقای علی غلامی،

سیاست‌گذاری

سیاست‌های کلان آکادمی در سه سطح آموزشی، فرهنگی-اجتماعی و بین‌المللی تعریف شده‌اند:

۱. سیاست‌های آموزشی

- طراحی برنامه‌های آموزشی متناسب با نیازهای هنرجویان در سطوح مقدماتی، متوسط و پیشرفته.
- تلفیق آموزش سنتی و مدرن؛ بهره‌گیری از میراث هنری ایران در کنار تکنیک‌های نوین جهانی.
- توجه ویژه به آموزش کودکان و نوجوانان برای پرورش استعدادهای زود هنگام.



یکی از سیاست‌های آکادمی، شناسایی و پر کردن خلأهای آموزشی موجود در استان است، از جمله برگزاری دوره‌های

اصفهان عمل خواهد کرد و نقش پیونددهنده میان هنرمندان، پژوهشگران و جامعه هنری را ایفا می‌کند.

راهبردها

- برای تحقق این چشم‌انداز، راهبردهای کلیدی زیرتدوین شده است:
- توسعه زیرساخت‌های آموزشی؛ تغییر کاربری تعدادی از فضاهای موجود موزه و تجهیز آن‌ها به کلاس‌ها، کارگاه‌ها و استودیوهای تخصصی.
- برگزاری دوره‌ها و ورکشاپ‌های هفتگی؛ در رشته‌های نقاشی، نگارگری، مجسمه‌سازی، عکاسی، خوشنویسی، گرافیک و سایر شاخه‌های هنرهای تجسمی.
- جذب اساتید برجسته داخلی و خارجی؛ آکادمی از ظرفیت‌های ارزشمند استان و حضور استادان برجسته هنرهای سنتی بهره خواهد برد همچنین برای انتقال دانش و تجربه در راستای ایجاد شبکه‌ای از همکاری‌های بین‌المللی تلاش خواهد شد.
- ایجاد همکاری‌های مشترک با دانشگاه‌ها و مؤسسات هنری جهان؛ به منظور تبادل استاد، دانشجو و پروژه‌های پژوهشی.
- تمرکز بر آموزش عملی و پروژه‌محور؛ تا هنرجویان بتوانند مهارت‌های خود را در قالب آثار واقعی و نمایشگاهی ارائه دهند.

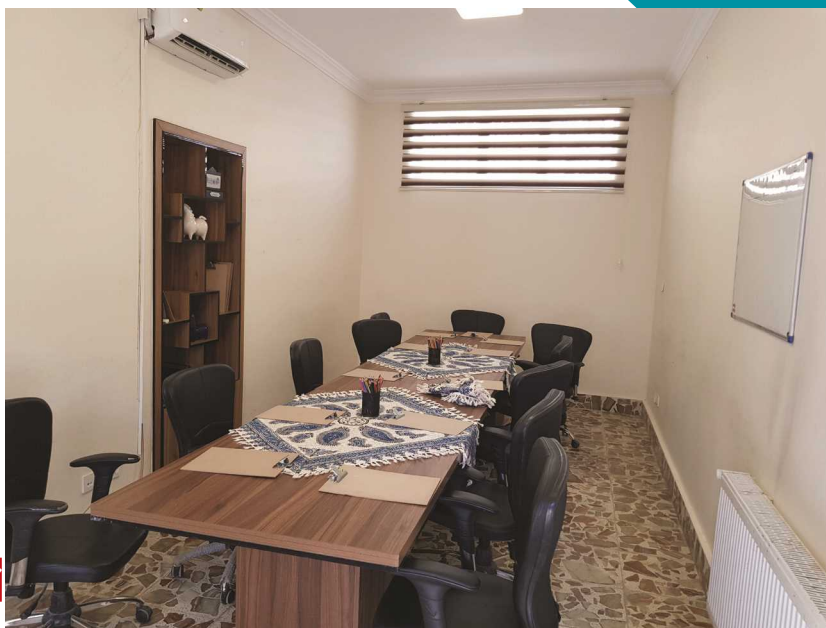
- مسئول آموزشی: مسئول طراحی و اجرای برنامه‌های درسی و کارگاه‌ها.
- مسئول پژوهش و توسعه: مسئول پروژه‌های تحقیقاتی و همکاری‌های علمی.
- مسئول بین‌الملل: مسئول ارتباطات خارجی و برنامه‌های مشترک.
- مسئول فرهنگی و اجتماعی: مسئول برگزاری رویدادها، نمایشگاه‌ها و فعالیت‌های عمومی.

تغییر کاربری فضاها

- به‌منظور اختصاص فضای مناسب برای آکادمی، تعدادی از بخش‌های موجود موزه تغییر کاربری یافته‌اند. این تغییرات شامل:
- ایجاد کلاس‌های آموزشی مجهز به امکانات سمعی و بصری.
- راه‌اندازی کارگاه‌های عملی برای رشته‌های مختلف.
- تجهیز استودیوهای هنری.
- اختصاص سالن‌های نمایشگاهی برای ارائه آثار هنرجویان.

نتیجه‌گیری

تأسیس آکادمی بین‌المللی هنرهای تجسمی در موزه ملی هنر اصفهان، اقدامی راهبردی و آینده‌ساز است که می‌تواند جایگاه موزه را از یک مرکز صرفاً نمایشگاهی به یک نهاد آموزشی-پژوهشی ارتقا دهد. این آکادمی نه تنها به پرورش نسل جدید هنرمندان کمک خواهد کرد، بلکه به‌عنوان یک برند معتبر آموزشی ابتدا در سطح ملی و سپس در مجامع هنری بین‌المللی شناخته خواهد شد.



- بین‌المللی.
- مشارکت در پروژه‌های هنری مشترک با مؤسسات خارجی.
- دعوت از هنرمندان و پژوهشگران بین‌المللی برای تدریس و سخنرانی در آکادمی.

اهداف کلیدی

- ایجاد برند آموزشی معتبر در سطح ملی و بین‌المللی.
- پرورش هنرمندان متخصص و توانمند برای رقابت در عرصه جهانی.
- گسترش دیپلماسی فرهنگی از طریق هنر و آموزش.
- حمایت از پژوهش‌های علمی و پروژه‌های هنری برای توسعه پایدار هنرهای تجسمی.

ساختار اجرایی

برای تحقق اهداف فوق، ساختار اجرایی آکادمی شامل بخش‌های زیر خواهد بود:

تخصصی در رشته‌هایی که کمتر پوشش داده شده‌اند (مانند مجسمه سازی).
● آکادمی علاوه بر رشته‌های سنتی، به ایجاد رشته‌های نوین و کاربردی در حوزه هنرهای تجسمی خواهد پرداخت تا پاسخگوی نیازهای روز جامعه هنری باشد.

۲. سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی

- برگزاری نمایشگاه‌های دوره‌ای از آثار هنرجویان و استادان.
- ایجاد فضاهای گفت‌وگو و نقد هنری برای ارتقای سطح تحلیل و اندیشه در هنر.
- تقویت ارتباط میان آکادمی و جامعه از طریق جشنواره‌ها و رویدادهای هنری.

۳. سیاست‌های بین‌المللی

- ثبت و معرفی آکادمی به‌عنوان یک برند آموزشی معتبر در مجامع

افتتاح آکادمی بین‌المللی هنر و تاریخ در پردیس موزه‌ای رامسر



نشست‌های تخصصی، دوره‌های مهارت‌افزایی و حمایت از پروژه‌های پژوهشی از جمله محورهای اصلی فعالیت این آکادمی به شمار می‌رود.

فرهنگی، افزایش تعاملات علمی و هنری و گسترش آموزش‌های عمومی و تخصصی کمک شایانی کند.

این آکادمی همچنین با هدف ارتقای سطح آگاهی عمومی درباره تاریخ، تمدن و هنر ایران و جهان، برنامه‌هایی را برای مخاطبان مختلف در سطوح گوناگون سنی و آموزشی تدارک دیده است. از این رو، انتظار می‌رود علاوه بر پژوهشگران و هنرمندان حرفه‌ای، دانش‌آموزان، معلمان، دانشجویان و علاقه‌مندان حوزه هنر نیز بتوانند از خدمات و آموزش‌های این مرکز بهره‌مند شوند.

افتتاح این مجموعه، آغاز فصلی تازه در فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی پردیس موزه‌ای رامسر است؛ اقدامی که می‌تواند جایگاه این مجموعه را در سطح ملی و حتی بین‌المللی ارتقا دهد و زمینه‌ساز ایجاد شبکه‌ای از همکاری‌های علمی و هنری در آینده شود.

پردیس موزه‌ای رامسر، که امروزه یکی از قطب‌های مهم فرهنگی در شمال کشور محسوب می‌شود، با راه‌اندازی این آکادمی گامی مؤثر در جهت پیوند میان آموزش، پژوهش و نمایش هنری برداشته است. این اقدام در امتداد سیاست‌های مجموعه دفاینه برای تقویت نقش موزه‌ها به عنوان مراکز فعال فرهنگی و آموزشی انجام شده و قرار است این پردیس را به مرکزی الهام‌بخش برای انتقال دانش، ارتقای بینش هنری و آشنایی عمیق‌تر جامعه با تاریخ و میراث فرهنگی تبدیل کند.

در مراسم افتتاح، بر اهمیت نقش تاریخی و فرهنگی رامسر تأکید شد؛ شهری که با پیشینه ارزشمند تاریخی، معماری کم‌نظیر، اقوام متنوع و سابقه درخشان در حوزه هنر و گردشگری، نیازمند گسترش زیرساخت‌های علمی و فرهنگی است. راه‌اندازی آکادمی بین‌المللی هنر و تاریخ پاسخی مناسب به این نیاز بوده و می‌تواند به جذب نخبگان، توسعه گردشگری

روز چهارشنبه ۲۳ مهرماه ۱۴۰۴، پردیس موزه‌ای رامسر شاهد رویدادی مهم در حوزه فرهنگ و آموزش بود؛ افتتاح آکادمی بین‌المللی هنر و تاریخ به صورت ویدئوکنفرانس و همزمان با سه موزه دیگر از مجموعه موزه‌های دفاینه برگزار شد. این مراسم با حضور جناب آقای دکتر سلیمانی، مدیرعامل محترم مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد، جمعی از مسئولان شهرستان رامسر، معاون محترم مالی، اداری و پشتیبانی آموزش و پرورش شهرستان، رئیس محترم اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، هنرمندان، فرهنگیان، کارکنان و علاقه‌مندان حوزه فرهنگ و هنر همراه بود و فضایی پرشور و امیدبخش برای آغاز دوره‌ای تازه در عرصه فعالیت‌های علمی و هنری ایجاد کرد.

آکادمی بین‌المللی هنر و تاریخ با هدف توسعه آموزش‌های تخصصی در حوزه‌های هنر، تاریخ و میراث فرهنگی تأسیس شده است. این مرکز علمی فرهنگی تلاش دارد ضمن فراهم آوردن بسترهای پژوهشی، زمینه‌ای پویا برای رشد و پرورش نسل جدیدی از پژوهشگران، هنرمندان، محققان و فعالان فرهنگی ایجاد کند. برنامه‌ریزی برای برگزاری کارگاه‌های آموزشی،

آکادمی موزه

هزاره‌های هنرکیش

رویدادهای هنری و فرهنگی تجربه محور و مهارت محور، مانند: کارگاه‌های ساخت سفال‌های سنتی و آثار هنری الهام گرفته شده از آثار موجود در «موزه هزاره‌های هنر» در کنار کافه که به جذب هرچه بهتر و مستمرتر مخاطبین پویا و فعال که امروزه از اهداف بسیاری از موزه‌های دنیا است، کمک خواهد کرد.

برگزاری «تور از موزه تا موزه» جهت تعامل بیشتر با تورهای گردشگری تحت عنوان «از حریره تا هزاره» جهت توجیه طرح انتقال آثار تاریخی موجود در شهر حریره به صورت امانی به موزه هزاره‌های هنرکیش.

اجرای بوت کمپها برای آماده سازی فشرده نیروهای دیگر شرکت‌های تخصصی استارت‌آپی با موضوعات فرهنگی همچون هوش مصنوعی و ...

برگزاری کارگاه‌های تخصصی آموزش مهارت و احیای هنرهای سنتی استان هرمزگان

گبه‌بافی، حصیربافی، کپوبافی، سیس‌بافی، گلابتون‌دوزی یا گلابتون‌کاری، بادله‌دوزی، خوس‌دوزی، سوندبافی، سفال جهرله با توجه به توریستی بودن جزیره و کمبود نیروی متخصص، خوش آیند است از فرصتهای

در ابتدا لازم به ذکر است با توجه به استقرار این موزه در جزیره کیش که با داشتن ویژگی‌هایی همچون متکی بودن به اقتصاد گردشگری، جمعیت کم کیشوندان و تقسیم‌بندی فصول پرگردشگر و کم گردشگر در اولویت‌بندی اقتصادی این جزیره و به تبع آن این موزه، و همچنین کمبود امکانات آموزشی در خور چه در حوزه اساتید بومی و چه در مکان‌های آموزشی، محلی متفاوت نسبت به سایر نقاط ایران است.

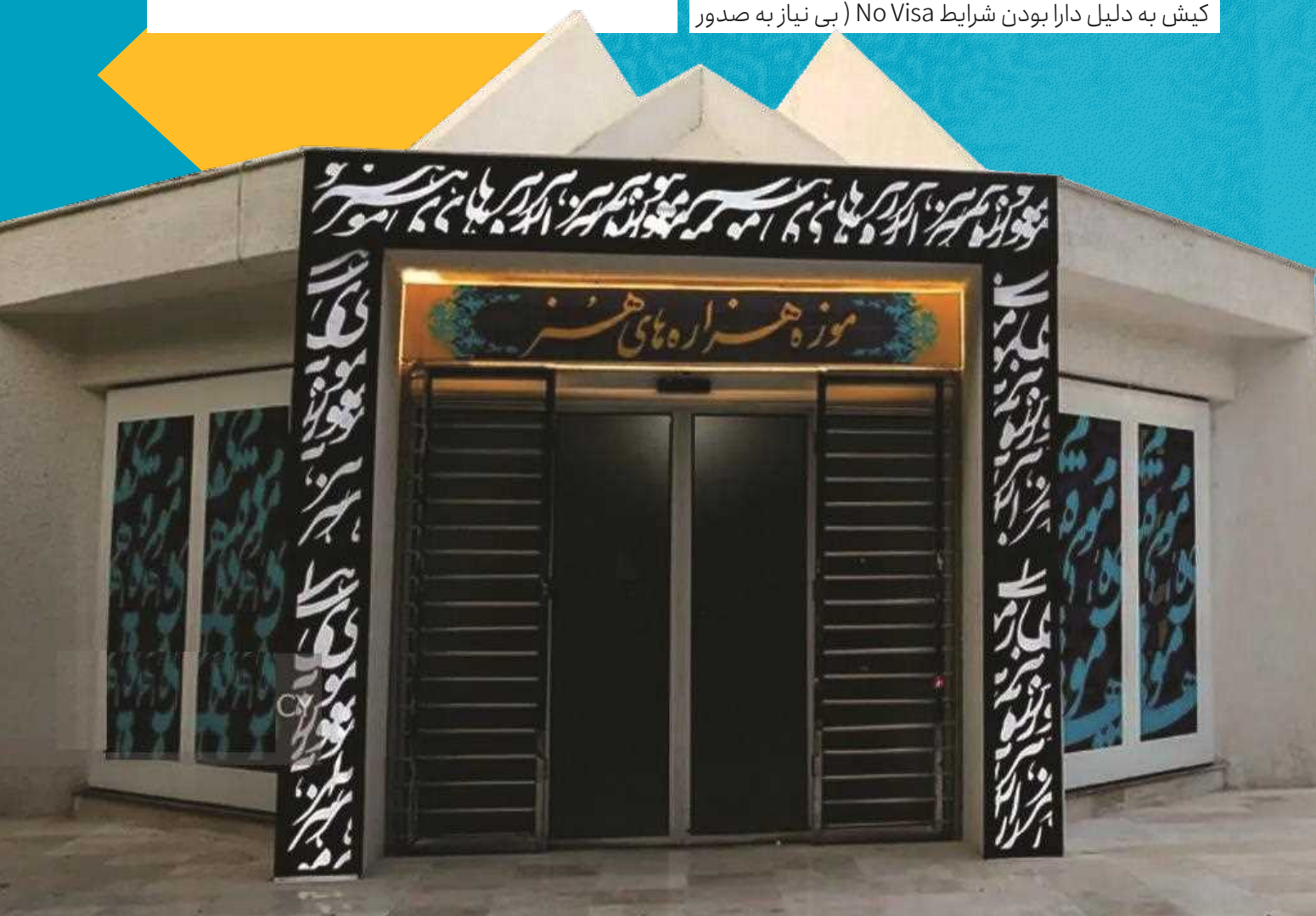
در ادامه لازم می‌دانیم این نکته را یادآور شویم که با توجه به تازه تأسیس بودن و مساحت کوچک موزه هزاره‌های هنرکیش و در نتیجه نبود فضای مناسب برای برگزاری رویدادها و کارگاه‌های آموزشی جهت تعامل بیشتر مخاطبین با این موزه، نیازمند است تا اقدامات لازم برای راه اندازی چنین فضایی جهت دستیابی به اهداف فرهنگی مجموعه موزه‌های بنیاد در راه اندازی این موزه در وقت مقتضی صورت پذیرد. گفتنی است در این خصوص پیشتر پروپوزال طرح راه اندازی و ساخت فضایی تحت عنوان «کافه تجربه» برای برخی مدیران این مجموعه ارسال گردیده است، که در قالب طرح آکادمی و آمیخته با اهداف مجموعه موزه‌ها به طور کل راه اندازی آن خدمت شما ارائه می‌گردد. می‌توان برنامه‌های آکادمی موزه کیش را به چند دسته بر اساس گوناگونی مخاطب و تنوع روشهای درآمدزایی تقسیم کرد:

ایجاد فضای تعاملی و گردهمایی متنوع اعم از پژوهشی و آکادمی و مهارت محور. برگزاری رویدادهای پژوهش محور با مشارکت کشورهای حوزه خلیج فارس. ایجاد سمینار تخصصی.

کافه تجربه: محلی برای برگزاری کارگاه‌ها و

ویزا) و گردشگر محور بودن، دارای پتانسیل‌های خوبی برای درآمدزایی از طریق تعامل با کشورهای حوزه خلیج فارس و همچنین گردشگران خارجی است.

منطقه آزاد برای دعوت، اقامت و پرواز متخصصین پایتخت نشین استفاده گردد. در این باره رایزنی با منطقه آزاد کیش است. با در نظر گرفتن این پیش فرض که منطقه آزاد جزیره کیش به دلیل دارا بودن شرایط No Visa (بی نیاز به صدور





آکادمی بین المللی آرایه های معماری موزه هنر ایران

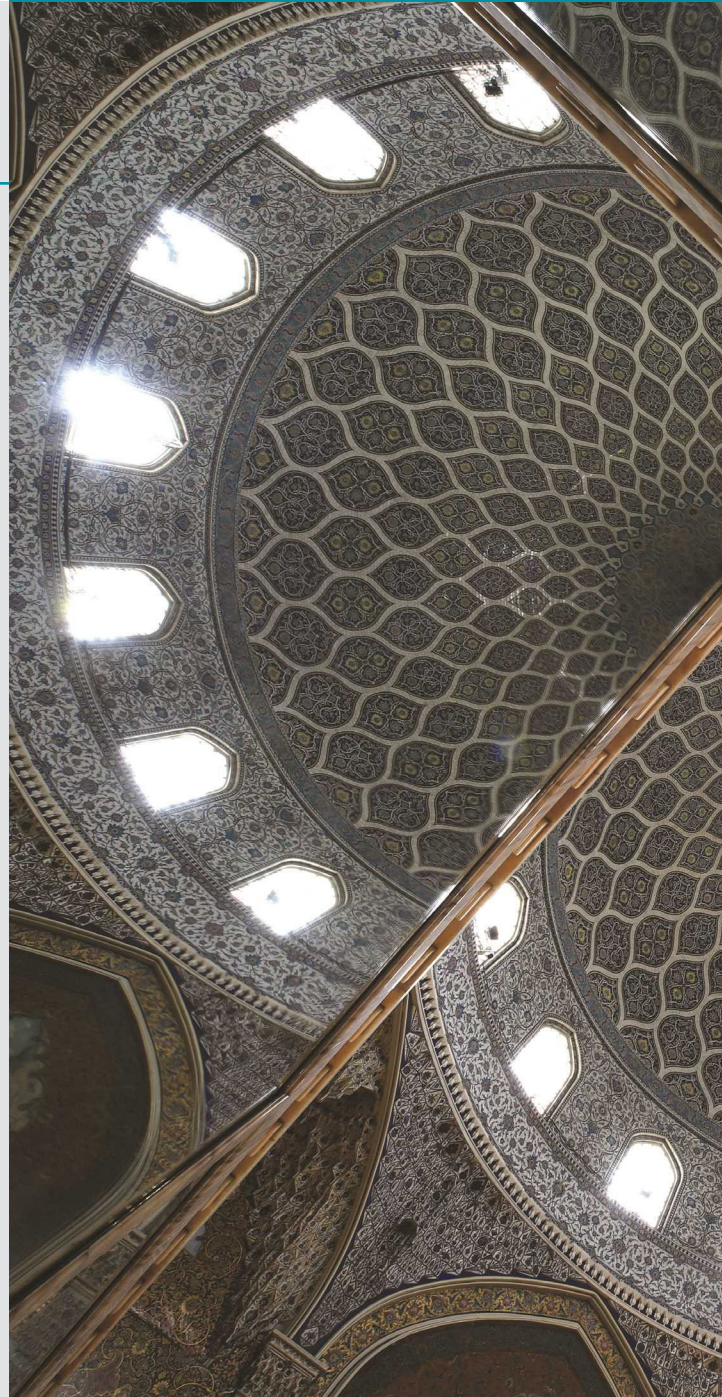
عملی فراهم می سازد. ماموریت این آکادمی ایجاد مرکزی پژوهشی، آموزشی و هنری برای حفظ، بازآفرینی و گسترش دانش هنرهای وابسته به معماری با تاکید بر پیوند میان سنت، نوآوری و نیازهای معاصر جامعه هنری و موزه های است. آکادمی آرایه های معماری دو گروه هدف را در سطح کلان و اختصاصی دنبال میکند:

اهداف کلان

۱. ارتقای سطح دانش و مهارت های تخصصی در حوزه هنرهای وابسته به معماری
۲. احیای فنون سنتی و کاربرد آن در طراحی معاصر

با توجه به جایگاه موزه هنر ایران به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای فرهنگی و هنری کشور در معرفی میراث هنرهای سنتی، کاربردی و تزئینی ایران، و در راستای تحقق اهداف مؤسسه فرهنگی موزه های بنیاد مستضعفان در زمینه توسعه دانش، مهارت و پژوهش های موزه محور، «آکادمی بین المللی آرایه های معماری موزه هنر ایران» به منظور آموزش، پژوهش و ترویج هنرها و تزئینات وابسته به معماری در تاریخ ۲۳ مهرماه سال جاری افتتاح شد.

این آکادمی با هدف احیای هنرهای سنتی و انتقال دانش میان هنرمندان، پژوهشگران و مخاطبان معاصر، بستری علمی و کارگاهی برای پیوند میان پژوهش موزه ای و آموزش



زمینه‌های هنرهای وابسته به معماری
۲. انجام پژوهش‌های کاربردی درباره فنون،
مواد و روش‌های خلق آثار تاریخی
۳. برگزاری نشست‌های علمی، همایش‌ها و نمایشگاه‌های
تخصصی
۴. تدوین منابع آموزشی، کتاب، مقاله و کاتالوگ آثار
۵. همکاری با دانشگاه‌ها، فرهنگستان هنر، پژوهشگاه
میراث فرهنگی و سایر نهادهای مرتبط و
۶. شناسایی و حمایت از هنرمندان جوان و پژوهشگران در
حوزه هنرهای وابسته به معماری.
آکادمی دارای یک گروه تخصصی و هشت زیرگروه به
ترتیب زیر است:

۱. تزئینات آجری
 ۲. تزئینات کاشی و سرامیک
 ۳. تزئینات چوبی
 ۴. گچبری و آرایه‌های گچی
 ۵. آینه‌کاری
 ۶. نقاشی و نگارگری دیواری و کتیبه‌نگاری
 ۷. گروه طراحی و صنایع کاربردی معاصر (طراحی فضا،
گرافیک موزه‌ای)
 ۸. گروه مرمت و مستندسازی (حفاظت آثار و فنون تاریخی)
وظایف و حوزه‌های فعالیت آکادمی آرایه‌های معماری را
می‌توان در ۷ مورد کلان دسته بندی نمود:
 ۱. برنامه‌ریزی و اجرای دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت و
میان‌مدت
 ۲. راه‌اندازی کارگاه‌های آموزشی-پژوهشی در داخل موزه
 ۳. مستندسازی فنون سنتی برای استفاده پژوهشگران
 ۴. انتشار سالنامه علمی-هنری
 ۵. تدوین طرح‌های پژوهشی مشترک با سایر موزه‌ها و
مراکز هنری
 ۶. فراهم‌سازی امکان کارآموزی و آموزش تجربی برای
هنرجویان
 ۷. برگزاری نمایشگاه‌های سالانه دست‌ساخته‌ها.
- این آکادمی با نام رسمی «آکادمی بین‌المللی آرایه‌های
معماری موزه هنر ایران» زیر نظر مؤسسه فرهنگی موزه‌های
بنیاد مستضعفان و در محل موزه هنر ایران (کاخ مرمر
تهران) استقرار دارد. آکادمی فاقد مراکز استانی یا واحدهای
وابسته خارج از مجموعه موزه هنر ایران است.

۳. ایجاد تعامل میان استادان، هنرمندان و پژوهشگران
۴. مستندسازی و بازنمایی دستاوردهای علمی و هنری در
قالب نمایشگاه و انتشارات
۵. ارتقای جایگاه علمی موزه هنر ایران به عنوان مرکز
آموزشی و پژوهشی مرجع در حوزه هنرهای وابسته به
معماری
۶. گسترش پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در پیوند هنر،
معماری و موزه.

اهداف اختصاصی

۱. طراحی و برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های تخصصی در

ظهور منشورها و کنوانسیون‌های بین‌المللی



اشاره

ظهور منشورها و کنوانسیون‌های بین‌المللی در حوزه حفاظت میراث فرهنگی حاصل تحولی تدریجی اما بنیادین در نگرش جهانی نسبت به ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و علمی مکان‌ها و آثار انسانی است. از اوایل قرن بیستم و به‌ویژه پس از تجربه جنگ‌های جهانی، که خسارت‌های گسترده‌ای بر بافت‌های تاریخی، محوطه‌های باستانی و آثاری با ارزش جهانی وارد کرد، ضرورت ایجاد چارچوب‌های مشترک برای حفاظت، مرمت و مدیریت میراث بیش از پیش احساس شد. تخریب‌های ناشی از جنگ، مداخلات نادرست مرمتی، توسعه‌گرایی شتاب‌زده، و فقدان معیارهای یکسان برای تشخیص ارزش و اصالت، مجموعه‌ای از بحران‌های حرفه‌ای و اخلاقی ایجاد کرد که پاسخ‌گویی به آنها تنها در چارچوب همکاری‌های فراملی ممکن بود. در چنین بستری، نخستین منشورها و اسناد جهانی به‌عنوان سازوکاری برای تعیین اصول مشترک حفاظت، تبیین مفهوم اصالت و تمامیت، و تدوین زبان تخصصی واحد در میان کشورها شکل گرفتند. این اسناد، از منشور آتن (۱۹۳۱) تا منشور ونیز (۱۹۶۴)، نه تنها واکنشی به بحران‌های حفاظت بودند، بلکه تلاشی برای تعریف معیارهای جهانی در مواجهه با آثار تاریخی و فرهنگی در دورانی بودند که میراث بشری بیش از هر زمان دیگری در معرض تهدید قرار داشت.

کنوانسیون‌ها علاوه بر تعیین

استانداردهای حفاظت، ابزارهایی

برای هماهنگ‌سازی سیاست‌های

ملی، توسعه ظرفیت‌های علمی

وفنی، و تسهیل همکاری‌های

بین‌المللی ارائه می‌کنند.

است که این منطقه، یکی از کانون‌های اصلی تمدن بشری و درعین حال یکی از آسیب‌پذیرترین بسترهای فرهنگی جهان است. تنوع کم‌نظیر محوطه‌های باستانی، حضور لایه‌های متراکم تاریخی، و استمرار میراث ناملموس در کنار تهدیدهایی چون جنگ، بی‌ثباتی سیاسی، فشارهای توسعه‌ای، تخریب‌های ناشی از ایدئولوژی‌های ستیزنده با آثار فرهنگی، و قاچاق سازمان‌یافته آثار، سبب شده است که اجرای دقیق و نظام‌مند این منشورها ضرورتی حیاتی یابد. کنوانسیون‌های بین‌المللی برای کشورهای خاورمیانه تنها یک ابزار نظری نیستند؛ بلکه سازوکارهایی برای حفاظت اضطراری، مدیریت بحران، مستندسازی نظام‌مند، ایجاد ظرفیت‌های حفاظتی، و جلب حمایت جهانی فراهم می‌کنند. افزون بر این، منشورها امکان همگرایی استانداردهای ملی را با معیارهای پذیرفته‌شده جهانی فراهم می‌سازند؛ امری که در منطقه‌ای با ساختارهای حقوقی ناهمگون و نظام‌های مدیریتی

همکاری‌های بین‌المللی ارائه می‌کنند. از حیث عملی، این اسناد راهنمای تدوین برنامه‌های مدیریت، ارزیابی اثرات پروژه‌های توسعه بر میراث، پایش دوره‌ای وضعیت آثار، کنترل مداخلات مرمتی، و نیز تعیین شاخص‌های ارزش‌گذاری فرهنگی هستند. از سوی دیگر، منشورها نقش تعیین‌کننده‌ای در مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های حفاظتی ایفا می‌کنند؛ زیرا هرگونه اقدام مداخله‌گرایانه در میراث تاریخی را ملزم به انطباق با اصول پذیرفته‌شده جهانی کرده و از تبدیل حفاظت به امری سلیقه‌ای و وابسته به تغییرات مدیریتی جلوگیری می‌کنند. در نتیجه، این اسناد بنیان نظری و اخلاقی حفاظت معاصر را شکل می‌دهند و از طریق ایجاد چارچوب‌های الزام‌آور یا شبه‌الزام‌آور، تضمین می‌کنند که میراث فرهنگی بر اساس معیارهایی منسجم، علمی و قابل ارزیابی مورد حفاظت و مدیریت قرار گیرد.

اهمیت اجرایی منشورها و

کنوانسیون‌ها در خاورمیانه

اهمیت اجرایی منشورها و کنوانسیون‌های بین‌المللی در خاورمیانه به‌ویژه از آن‌رو برجسته

اهمیت و کارکردهای منشورها و

کنوانسیون‌های جهانی

اهمیت منشورها و کنوانسیون‌های بین‌المللی در حوزه میراث فرهنگی در این است که چارچوبی نظری و عملی برای فهم، ارزیابی و مدیریت ارزش‌های فرهنگی ارائه می‌کنند و به‌مثابه «معیارهای مرجع» برای تصمیم‌گیری‌های حرفه‌ای در سطوح ملی و جهانی عمل می‌کنند. این اسناد با تعریف مفاهیمی چون اصالت، تمامیت، ارزش‌های فرهنگی، و اصول مداخله، امکان ایجاد یک زبان مشترک میان پژوهشگران، مدیران میراث، متخصصان مرمت و نهادهای قانون‌گذار را فراهم می‌سازند. کنوانسیون‌ها علاوه بر تعیین استانداردهای حفاظت، ابزارهایی برای هماهنگ‌سازی سیاست‌های ملی، توسعه ظرفیت‌های علمی و وفنی، و تسهیل



دارد. از جمله می‌توان به فاصله میان چارچوب‌های قانونی داخلی و معیارهای جهانی، محدودیت‌های بودجه‌ای و فنی، تعارض میان الزامات توسعه شهری و ضرورت‌های حفاظتی، و برخی خلأهای نهادی در هماهنگی میان سازمان‌های دخیل اشاره کرد. افزون بر این، ایران هنوز عضو برخی اسناد مهم مانند کنوانسیون ۱۹۹۹ قاجاق اموال فرهنگی نیست که می‌تواند در مقابله با خروج غیرقانونی آثار نقش اساسی داشته باشد. با وجود این محدودیت‌ها، مشارکت ایران در نظام کنوانسیون‌های جهانی بستر مهمی برای ارتقای کیفیت حفاظت، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بهره‌گیری از شبکه‌های علمی و تخصصی بین‌المللی فراهم کرده است و اگر این سازوکارها به‌طور مؤثرتر در سیاست‌گذاری‌های کلان و مدیریت روزمره آثار تاریخی به‌کار گرفته شوند، می‌توانند نقشی تعیین‌کننده در ارتقای جایگاه ایران در عرصه میراث جهانی ایفا کنند.

متغیر، به هماهنگ‌سازی سیاست‌های حفاظتی و ارتقای و متنوع‌ترین مجموعه‌های میراث کفایت فنی کمک می‌کند. حضور در فرهنگی در منطقه، جایگاهی ویژه در این نظام‌های جهانی همچنین به نظام کنوانسیون‌ها و منشورهای جهانی کشورهای منطقه فرصت می‌دهد تا در مواجهه با تخریب‌های گسترده، همچون آنچه در عراق، سوریه و یمن رخ داد، از ابزارهای بین‌المللی برای پایش، مداخله، کارشناسی و حتی احیای دارایی‌های فرهنگی بهره بگیرند. بدین‌ترتیب، منشورها در خاورمیانه نه فقط چارچوب‌هایی برای حفاظت، بلکه بخشی از دیپلماسی فرهنگی، مدیریت هویت، و بازسازی حافظه جمعی هستند؛ حوزه‌هایی که بدون اتکا به اسناد جهانی و مشارکت در سازوکارهای بین‌المللی، دستیابی به آن‌ها با چالش‌های جدی مواجه خواهد بود.

جایگاه ایران و تحلیل عضویت در کنوانسیون‌های بین‌المللی میراث فرهنگی

ایران با داشتن یکی از گسترده‌ترین میراث‌های متنوع‌ترین مجموعه‌های میراث فرهنگی در منطقه، جایگاهی ویژه در این نظام کنوانسیون‌ها و منشورهای جهانی دارد. عضویت ایران در کنوانسیون‌های کلیدی یونسکو - از جمله کنوانسیون ۱۹۷۲ میراث جهانی، کنوانسیون ۲۰۰۳ میراث ناملموس، کنوانسیون ۲۰۰۵ تنوع فرهنگی و نیز کنوانسیون ۱۹۵۴ حفاظت از میراث فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه - نشان‌دهنده پذیرش رویکردهای بین‌المللی و تعهد به بهره‌گیری از استانداردهای مشترک حفاظت است. این عضویت‌ها به ایران امکان داده است تا نه تنها آثار برجسته‌ای را در فهرست‌های جهانی ثبت کند، بلکه از سازوکارهای تخصصی این اسناد برای مستندسازی، مدیریت بحران، ظرفیت‌سازی فنی، پایش دوره‌ای و تدوین برنامه‌های مدیریتی بهره ببرد. با این حال، چالش‌هایی نیز در مسیر انطباق کامل سیاست‌های ملی با اصول این کنوانسیون‌ها وجود



حفاظت از مناطق تاریخی در منشورها و کنفرانس‌های بین‌المللی

◀ السيد محمود البنا / ترجمه: منیژه فلاح

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات موزه و کارشناسی ارشد تجارت هنر

مناطق تاریخی به عنوان بازنمایی‌های بصری میراث بشری در نظر گرفته می‌شوند و بیانگر روند تکامل تمدن انسانی هستند؛ از این رو، همواره موضوعی مهم برای مطالعه و حفاظت به شمار می‌آیند. با آگاهی بشر از ارزش‌های میراث انسانی، تلاش برای حفاظت از این میراث غنی آغاز شد و مقررات و اصولی برای سامان‌دهی فرایندهای حفاظت تدوین گردید. پژوهش حاضر به بررسی شماری از منشورها و کنفرانس‌های بین‌المللی مرتبط با حفاظت از مناطق تاریخی می‌پردازد؛ افزون بر این، روش‌ها و فرایندهای حفاظت را همان‌گونه که در برخی از منشورها و کنفرانس‌های بین‌المللی منتخب ذکر شده است، توضیح می‌دهد.

مفهوم «مناطق تاریخی»

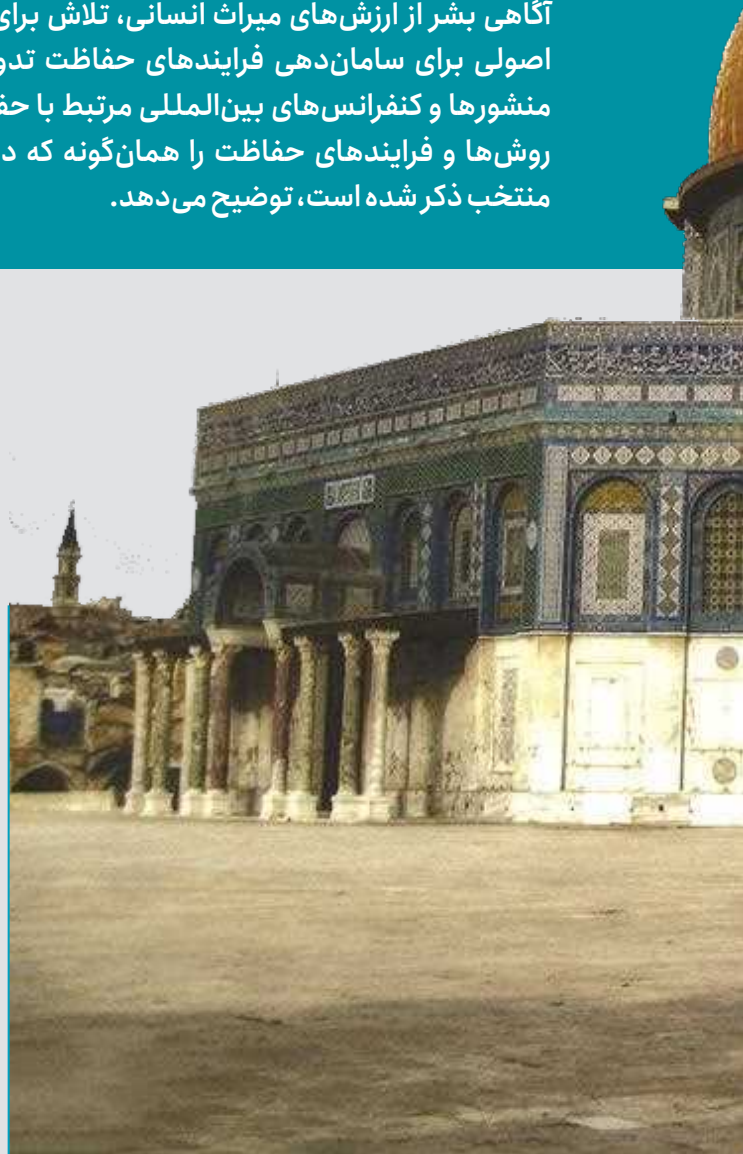
بر اساس توصیه‌های کنفرانس نایروبی در سال ۱۹۷۶، مناطق تاریخی عبارت‌اند از:

هر گروهی از ساختمان‌ها، سازه‌ها و فضاهای باز - از جمله محوطه‌های باستان‌شناسی و دیرینه‌شناسی - که به صورت مجموعه‌ای از زیستگاه‌های انسانی در محیط‌های شهری یا روستایی شکل گرفته‌اند و پیوستگی و ارزش آن‌ها از دیدگاه‌های باستان‌شناسی، معماری، پیشاتاریخ، تاریخی، زیبایی‌شناسی یا اجتماعی-فرهنگی مورد شناسایی قرار گرفته است. در میان این «مناطق» که از نظر ماهیت بسیار متنوع‌اند، می‌توان به ویژه موارد زیر را از یکدیگر متمایز ساخت: محوطه‌های پیشاتاریخی، شهرهای تاریخی، محله‌های قدیمی شهری، روستاها و آبادی‌ها، و همچنین مجموعه‌های یادمانی همگن. لازم به ذکر است که نوع اخیر باید در حالت اصلی خود با دقت حفظ گردد و از هرگونه تغییر در آن پرهیز شود.

چرا باید از مناطق تاریخی حفاظت کنیم

قبه الصخره، بیت المقدس (فلسطین)

بر اساس توصیه‌های کنفرانس نایروبی در سال ۱۹۷۶، اهمیت حفاظت از مناطق تاریخی از جنبه‌های گوناگونی قابل درک است: با توجه به این‌که مناطق تاریخی بخشی از محیط روزمره زندگی انسان در هر نقطه از جهان هستند، بازتابی زنده از گذشته‌ای به شمار می‌آیند که آن‌ها را شکل



بناهای زنده:

بناهایی که هنوز همان کارکردی را دارند که در ابتدا برای آن ساخته شده‌اند (مانند مساجد، کلیساها و دیگر آثار مربوط به قرون وسطی). بناهای مرده باید تنها تا اندازه‌ای مستحکم شوند که از ویرانی آن‌ها جلوگیری گردد، زیرا اهمیت این بناها در ارزش تاریخی و فنی آن‌هاست، که با نابودی خود بنا از بین می‌رود. اما بناهای زنده باید به گونه‌ای مرمت شوند که بتوانند همچنان مورد استفاده قرار گیرند، چراکه در معماری، کاربرد یکی از پایه‌های زیبایی است. چنین مرمتی باید در سبک اصلی بنا انجام شود تا وحدت آن حفظ گردد، زیرا وحدت سبک نیز یکی از پایه‌های زیبایی در معماری به شمار می‌آید. می‌توان گفت که کنفرانس مادرید (۱۹۵۴) پایه‌گذار اصل حفاظت از بناهای تاریخی بود، و پس از آن منشورها و کنفرانس‌های بعدی به بررسی و توضیح بسیاری از نکات مربوط به مرمت «بناهای مرده» و «بناهای زنده» در مناطق تاریخی پرداختند. برخی از تدابیر مربوط به روند حفاظت از مناطق تاریخی در پنج منشور و کنفرانس یادشده مورد بحث قرار گرفت که در آن‌ها تفاوت بین «بناهای مرده» و «بناهای زنده» در فرایند حفاظت و سایر عملیات توضیح داده شد و همچنین سیر تاریخی تحول مفهوم حفاظت مورد توجه قرار گرفت.

در مورد «بناهای مرده»

مادرید ۱۹۵۴:

«بناهای مرده» باید تنها تا اندازه‌ای استحکامبخشی شوند که از فروپاشی و ویرانی آن‌ها جلوگیری گردد؛ زیرا اهمیت این‌گونه بناها در ارزش تاریخی و فنی آن‌ها نهفته

داده است، و با فراهم آوردن تنوع در بستر زندگی، هماهنگ با گوناگونی جوامع انسانی عمل می‌کنند. همچنین با در نظر گرفتن این‌که مناطق تاریخی در طول قرون متمادی شواهدی ملموس از غنا و تنوع فعالیت‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی بشر ارائه می‌دهند، و حفاظت و ادغام آن‌ها در زندگی جوامع معاصر، عاملی اساسی در برنامه‌ریزی شهری و توسعه سرزمین به شمار می‌آید. با توجه به این واقعیت که در برابر خطرات یکسان‌سازی و از بین رفتن هویت فردی و جمعی، این شواهد زنده از روزگاران گذشته برای بشریت اهمیت حیاتی دارند؛ زیرا ملت‌ها در آن‌ها بازتاب شیوه زندگی خود و یکی از ارکان اصلی هویت فرهنگی‌شان را می‌یابند. این هویت اما در معرض تهدیدهایی چون گسترش بی‌رویه شهرها، نوسازی‌های شتاب‌زده، تخریب ناآگاهانه و بازسازی‌های غیرمنطقی و نامناسب قرار دارد که موجب آسیب‌های جدی به این میراث تاریخی می‌شود. با در نظر گرفتن این‌که مناطق تاریخی میراثی غیرمنقول هستند که تخریب آن‌ها ممکن است اغلب منجر به ناآرامی‌های اجتماعی شود، حتی در صورتی که این تخریب زیان اقتصادی مستقیمی در پی نداشته باشد. برخی از منشورها و کنفرانس‌های بین‌المللی به حفاظت از مناطق تاریخی پرداخته‌اند.

آغاز این منشورها و کنفرانس‌ها عبارت‌اند از:

-کنگره بین‌المللی معماران، مادرید، ۱۹۵۴

-کنفرانس آتن، ۲۱ تا ۳۰ اکتبر ۱۹۳۱

-منشور مرمت ایتالیا

- منشور آتن، ۱۹۳۳

- منشور ونیز، ۱۹۶۴

نکات اصلی در کنفرانس مادرید عبارت‌اند از:

این کنفرانس بناهای تاریخی را به دو دسته تقسیم کرد:

بناهای مرده:

آثاری متعلق به تمدن‌های گذشته یا آن‌هایی که دیگر کارکرد خود را از دست داده‌اند؛ به عبارتی، بناهایی که امروزه دیگر هیچ استفاده‌ای از آن‌ها نمی‌شود (مانند مقابر، معابد و ...).



است، که با نابودی خود بنا این ارزش نیز از میان می‌رود.

کنفرانس آتن ۱۹۳۱:

در خصوص ویرانه‌ها، ضروری است که حفاظت دقیق و موشکافانه‌ای انجام گیرد، و در هر موردی که ممکن باشد، باید اقداماتی برای بازگرداندن قطعات اصلی باز یافته (فرایندی که «آناستیلوزیس» نام دارد) صورت گیرد؛ مواد جدیدی که برای این منظور استفاده می‌شوند باید در تمامی موارد قابل تشخیص باشند.

منشور مرمت ایتالیا:

هرگونه تلاش برای تکمیل بناهایی که از نظر زمانی فاصله زیادی با تمدن و کارکرد امروزی مادرند — مانند آثار باستانی — باید خودداری شود. تنها اقدام پذیرفتنی در این موارد، آناستیلوزیس است؛ یعنی بازچینی و ترکیب دوباره اجزای موجود و فروریخته بنا، با افزودن حداقل عناصر خنثی و غیرنمایان به منظور تکمیل فرم کلی و تضمین شرایط حفاظت.

منشور ونیز، ۱۹۶۴:

تنها آناستیلوزیس مجاز است؛ بدین معنا که بازسازی و کنار هم قرار دادن دوباره بخش‌های موجود اما جدا شده بنا امکان پذیر است.

موادی که برای این منظور به کار می‌روند باید همواره قابل تشخیص باشند، و استفاده از آن‌ها باید در حداقل میزان ممکن انجام گیرد تا حفاظت از بنا و بازگرداندن شکل اصلی آن تضمین شود.

توضیح متخصصان درباره مفهوم آناستیلوزیس: برخی از متخصصان در زمینه حفاظت آثار تاریخی در تلاش بوده‌اند تا این مفهوم را تبیین کنند.

برای نمونه، برناردام. فیلدن می‌نویسد:

«برپایی دوباره سنگ‌های فروافتاده

به منظور ایجاد نسخه‌ای دقیق و

جامع از ساختار اصلی، نوعی

خاص از بازسازی است که

آناستیلوزیس نامیده

می‌شود.»



وحدت سبک

مادرید، ۱۹۰۴:

بخش‌هایی که در سبکی متفاوت از کل بنا اجرا شده‌اند باید مورد احترام قرار گیرند، اگر این سبک ارزش ذاتی داشته باشد و تعادل زیبایی‌شناسی بنا را مختل نکند.

منشور مرمت ایتالیا:

تمامی عناصر دارای ارزش هنری یا تاریخی باید حفظ شوند، صرف‌نظر از دوره‌ای که به آن تعلق دارند، بدون تلاش برای ایجاد وحدت سبک یا بازگرداندن بنا به شکل اصلی‌اش.

منشور ونیز، ۱۹۶۴:

این اصل تنها در مورد آثار بزرگ هنری صادق نیست، بلکه شامل آثار کوچک‌تر گذشته نیز می‌شود که با گذر زمان اهمیت فرهنگی پیدا کرده‌اند.

حفاظت از زمینه یا محیط

کنفرانس آتن، ۱۹۳۱:

کنفرانس توصیه می‌کند که در ساخت ساختمان‌ها،

ویژگی‌ها و نمای بیرونی شهرها رعایت شود، به‌ویژه در نزدیکی آثار باستانی که محیط اطراف آن‌ها باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. حتی برخی از چیدمان‌ها و دیدهای چشم‌نواز خاص باید حفظ شوند. این کنفرانس به‌طور ویژه توصیه می‌کند که تمام اشکال تبلیغات، نصب تیرهای تلگراف نازیبا، و وجود کارخانه‌های پرصدا و دودکش‌های بلند در نزدیکی آثار هنری و تاریخی حذف شود.

منشور مرمت ایتالیا (۱۹۳۱):

احترام به بنا و مراحل مختلف آن باید همراه با احترام به محیط آن باشد؛ محیط نباید به گونه‌ای تغییر یابد که بنا را منزوی کند یا با ایجاد بافت شهری جدید، بر بنا تسلط رنگ، جرم یا سبک پیدا کند.

منشور ونیز، ۱۹۶۴:

ماده ۱:

مفهوم یک بنای تاریخی شامل نه تنها اثر معماری منفرد بلکه محیط شهری یا روستایی است که در آن شواهد یک تمدن، توسعه مهم یا رویداد تاریخی یافت می‌شود.



ماده ۶:

حفاظت از یک بنا به معنای حفظ محیطی متناسب با مقیاس آن است. هرگاه محیط سنتی موجود باشد، باید حفظ گردد.

هیچ ساخت و ساز جدید، تخریب یا تغییر که روابط جرم و رنگ را تغییر دهد نباید مجاز باشد.

ماده ۷:

یک بنا از تاریخ خود و محیطی که در آن واقع شده، جداشدنی نیست. جابجایی کل یا بخشی از بنا تنها زمانی مجاز است که حفاظت از بنا آن را ایجاب کند یا مبنای منافع ملی یا بین‌المللی حیاتی و برتر باشد.

ماده ۸:

مواردی از مجسمه‌سازی، نقاشی یا تزیینات که جزئی جدایی‌ناپذیر از بنا هستند، فقط زمانی می‌توانند جدا شوند که تنها راه حفظ آن‌ها باشد.

ماده ۱۴:

محل قرارگیری بناها باید به‌طور ویژه مورد مراقبت قرار گیرد تا تمامیت آن‌ها حفظ شود و به شیوه‌ای شایسته ارائه

شوند. کار حفاظت و مرمت در چنین مکان‌هایی باید از اصول مندرج در مواد فوق‌الهام بگیرد.

۳.۳ دربارهٔ «بناهای زنده»

کنفرانس مادرید، ۱۹۵۴:

بناهای زنده باید مرمت شوند تا همچنان قابل استفاده باقی بمانند، زیرا در معماری، کاربردپذیری یکی از پایه‌های زیبایی است.

چنین مرمتی باید در سبک اصلی بنا انجام شود تا وحدت آن حفظ گردد. این همان معنای کلی حفاظت از بناهای زنده است.

منشورها و کنفرانس‌های بعدی، ماهیت حفاظت این بناها را بر اساس دو روش مهم توضیح می‌دهند:



استفاده مجدد از بنا

تکمیل بخش‌های مفقود شده

منشور مرمت ایتالیا، ۱۹۳۱:

استفاده جدید تنها برای بناهای «زنده» مجاز است، به شرط آن‌که تفاوت اساسی با هدف اولیه بنا نداشته باشد، و همچنین تطبیق لازم بدون نیاز به تغییرات عمده در ساختمان انجام شود.

منشور ونیز، ۱۹۶۴:

بخش‌های جایگزین شده برای قسمت‌های از بین رفته باید به گونه‌ای با کلیت اثر هماهنگ شوند که با تمامیت آن سازگار باشد، اما در عین حال باید از بخش اصلی قابل تشخیص باشند تا مرمت موجب تحریف شواهد هنری یا تاریخی نشود. افزودن بخش‌های جدید تنها در صورتی پذیرفتنی است که به بخش‌های ارزشمند بنا، محیط سنتی آن، تعادل ترکیب‌بندی آن و رابطه‌اش با پیرامون لطمه‌ای وارد نکند.

۴. برخی توصیه‌های منتخب، همایش‌ها و

منشورهای مربوط به حفاظت از مناطق تاریخی

۴.۱ توصیه‌هایی درباره حفاظت و نقش معاصر مناطق تاریخی

نایروبی، ۲۶ نوامبر ۱۹۷۶

نکات اصلی این توصیه‌ها:

الف. در آغاز، کنفرانس به معنای «مناطق تاریخی و معماری» و اهمیت حفاظت از آن‌ها همان گونه که پیش‌تر اشاره شد پرداخت.

ب. کنفرانس جزئیات حفاظت از مناطق تاریخی را زیر چند عنوان بررسی کرد:

۴.۱.۱ اصول کلی

مناطق تاریخی و پیرامون آن‌ها باید به عنوان میراثی جهانی و جایگزین ناپذیر تلقی شوند. دولت‌ها و شهروندان کشورهایی که این مناطق در قلمرو آن‌ها قرار دارد باید حفاظت از این میراث را وظیفه خود دانسته و آن را در زندگی

اجتماعی زمانه کنونی ادغام کنند.

هر منطقه تاریخی و پیرامونش باید در تمامیت خود، به عنوان یک کل منسجم در نظر گرفته شود؛ گلیتی که تعادل و ویژگی خاص آن وابسته به پیوند و ترکیب اجزایی است که آن را شکل می‌دهند، از جمله فعالیت‌های انسانی همان قدر که ساختمان‌ها، سازمان فضایی و محیط اطراف.

مناطق تاریخی و پیرامون آن‌ها باید به طور فعال در برابر هرگونه آسیب محافظت شوند، به ویژه آسیبی که از استفاده نامناسب، افزوده‌های غیرضروری، تغییرات نادرست یا فاقد حساسیت ناشی می‌شود و می‌تواند اصالت آن‌ها را خدشه‌دار کند؛ همچنین در برابر آسیب ناشی از هر نوع آلودگی.

در شرایط شهرنشینی مدرن، معماران و شهرسازان باید دقت کنند که چشم‌اندازهای منتهی به بناها و مناطق تاریخی یا چشم‌اندازهای دیده شده از آن‌ها مخدوش نشود و مناطق تاریخی به گونه‌ای هماهنگ در زندگی معاصر ادغام شوند.

حفاظت از مناطق تاریخی می‌تواند در حفظ و گسترش ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی هر ملت نقش برجسته‌ای ایفا کند. این امر می‌تواند به غنای معماری میراث فرهنگی جهان نیز کمک کند.

۴.۱.۲ سیاست ملی، منطقه‌ای و محلی

در هر یک از کشورهای عضو، باید یک سیاست ملی، منطقه‌ای و محلی تدوین شود که با شرایط هر کشور از نظر تقسیم اختیارات هماهنگ باشد، تا اقدامات قانونی، فنی، اقتصادی و اجتماعی لازم توسط مقامات ملی، منطقه‌ای یا محلی برای حفاظت از مناطق تاریخی و پیرامون آن‌ها و سازگار کردن آن‌ها با نیازهای زندگی مدرن اتخاذ شود.

۴.۱.۳ اقدامات حفاظتی

مناطق تاریخی و پیرامون آن‌ها باید مطابق با اصول ذکر شده در بالا و با روش‌هایی که در ادامه آمده است، مورد حفاظت قرار گیرند:

اقدامات قانونی و اداری

اجرای یک سیاست جامع برای حفاظت از مناطق تاریخی و پیرامون آن‌ها باید بر اصولی استوار باشد که در سراسر یک کشور اعتبار داشته باشد. کشورهای عضو باید مقررات موجود را تعدیل کرده یا در صورت لزوم قوانین جدیدی وضع کنند.

طرح‌ها و اسناد حفاظتی باید موارد زیر را مشخص کنند:

- مناطق و عناصر قابل حفاظت،
- شرایط و محدودیت‌های ویژه و قابل اعمال بر آن‌ها،
- استانداردهای لازم در کارهای نگهداری، مرمت و بهبود،
- شرایط کلی مربوط به ایجاد سیستم‌های خدماتی مورد نیاز در زندگی شهری یا روستایی،
- شرایط مربوط به ساخت و سازهای جدید.

مقامات دولتی و همچنین افراد حقیقی و حقوقی باید ملزم به رعایت اقدامات حفاظتی باشند. مقررات مربوط به ایجاد نهادهای عمومی و خصوصی و نیز پروژه‌های عمرانی عمومی و خصوصی باید با قوانین مربوط به حفاظت از مناطق تاریخی و اطراف آن‌ها هماهنگ شوند. در هر کشور، اصول زیر باید زیربنای عملکرد نظام حفاظتی قرار گیرند: یک مرجع مسئول باید وجود داشته باشد که وظیفه هماهنگی دائمی میان تمام گروه‌های مرتبط—خدمات عمومی ملی، منطقه‌ای و محلی یا گروه‌های افراد—را بر عهده گیرد. طرح‌ها و اسناد حفاظتی باید پس از انجام همه مطالعات علمی مقدماتی لازم و توسط تیم‌های چندرشته‌ای شامل متخصصان زیر تهیه شود:

- حفاظت و مرمت،
- معماران و شهرسازان،
- جامعه‌شناسان،
- اقتصاددانان،
- معماران منظر،
- متخصصان بهداشت عمومی و رفاه اجتماعی.

مقامات عمومی

مقامات عمومی که مسئول اجرای مفاد و مقررات حفاظتی در تمامی سطوح—ملی، منطقه‌ای و محلی—هستند، باید از کارکنان لازم برخوردار بوده و از منابع فنی، اداری و مالی کافی بهره‌مند شوند.

اقدامات فنی، اقتصادی و اجتماعی

تهیه فهرست مناطق تاریخی: فهرستی از مناطق تاریخی و پیرامون آن‌ها که باید حفاظت شوند، باید در سطح ملی، منطقه‌ای یا محلی تهیه گردد. این فهرست باید شامل اولویت‌بندی باشد تا منابع محدود حفاظت به صورت سنجیده تخصیص یابد.

اقدامات فوری:

هرگونه اقدام حفاظتی که جنبه اضطراری دارد، باید بدون انتظار برای تدوین کامل طرح‌ها و اسناد حفاظتی انجام شود.

پژوهش و بررسی جامع منطقه:

باید بررسی جامعی از کل منطقه صورت گیرد، شامل تحلیل تحول فضایی آن و گردآوری داده‌های باستان‌شناسی، تاریخی، معماری، فنی و اقتصادی.

حفاظت در مناطق چنددوره‌ای:

در مناطقی که آثار متعلق به دوره‌های تاریخی گوناگون وجود دارد، حفاظت باید با در نظر گرفتن همه این دوره‌ها صورت گیرد.

نظارت بر ساخت و سازهای جدید:

قوانین و کنترل‌های ویژه باید بر ساختمان‌های جدید اعمال شود تا معماری آن‌ها با سازمان فضایی و بافت بناهای تاریخی موجود به طور هماهنگ سازگار شود.

حفاظت در برابر نازیبا سازی محیط:

مناطق تاریخی و اطراف آن‌ها باید از آسیب‌هایی مانند نصب تیرها و دکل‌های برق، کابل‌های تلفن و برق، آنتن‌های تلویزیون و تابلوهای بزرگ تبلیغاتی محافظت شوند. باید تلاش ویژه‌ای برای جلوگیری از هرگونه وندالیسم انجام گیرد.



و مؤسسات صنعتی و تجاری). ممکن است معافیت‌های مالیاتی ویژه‌ای به اهداکنندگان اعطا شود. (منبع اصلی بودجه باید از طریق گنجاندن اعتبارات کافی در بودجه‌های مقامات مرکزی، منطقه‌ای و محلی تأمین شود).

۴.۱.۴ پژوهش، آموزش و اطلاع‌رسانی:

به منظور ارتقای سطح کار نیروی انسانی ماهر و صنعتگران، دولت‌های عضو و گروه‌های مرتبط باید تشویق به مطالعه سیستماتیک و پژوهش در زمینه‌های زیر نمایند:

- جنبه‌های برنامه‌ریزی شهری مناطق تاریخی و محیط پیرامون آن‌ها

- روش‌های حفاظت قابل اجرا در مناطق تاریخی

- تغییر مواد

- کاربرد تکنیک‌های مدرن در کارهای حفاظتی

- فنون صنایع دستی ضروری برای حفاظت

آگاهی از ضرورت اقدامات حفاظتی باید از طریق آموزش در مدارس، آموزش خارج از مدرسه و دانشگاه، و با استفاده از رسانه‌های اطلاعاتی مانند کتاب‌ها، مطبوعات، تلویزیون، رادیو و سینما تقویت شود. مطالعه مناطق تاریخی باید در آموزش در همه سطوح گنجانده شود.

۴.۱.۵ همکاری بین‌المللی:

دولت‌های عضو باید در زمینه حفاظت از مناطق تاریخی و محیط آن‌ها همکاری نمایند و در صورت نیاز، از سازمان‌های بین‌المللی، چه دولتی و چه غیر دولتی، به ویژه مرکز اسناد یونسکو-آیکوم-آیکوموس، کمک بخواهند. چنین همکاری‌های چندجانبه یا دوجانبه باید به دقت هماهنگ شوند و شامل اقدامات زیر باشند:

الف. تبادل اطلاعات به همه اشکال و انتشار مطبوعات علمی و فنی

ب. سازماندهی سمینارها و گروه‌های کاری در موضوعات خاص

ج. تأمین بورس‌های تحصیلی و سفر، اعزام کارکنان علمی، فنی و اداری و تجهیزات

د. اجرای پروژه‌های حفاظت، بازسازی و بازتوانی بزرگ مقیاس مناطق تاریخی و انتشار تجربه به دست آمده

مقابله با آسیب‌های زیست‌محیطی:

کشورهای عضو و نهادهای مرتبط باید این مناطق را در برابر آسیب‌های زیست‌محیطی شدید ناشی از برخی فناوری‌های جدید—مانند آلودگی، سروصدا، لرزش‌ها و تکان‌ها—محافظت کنند.

مدیریت ترافیک خودرو:

کشورهای عضو باید مقامات محلی را برای حل مشکلات ناشی از ترافیک با ایجاد مسیرهای عبوری پیرامونی و پارکینگ‌های مرکزی تشویق کنند.

تهیه اسناد تحلیلی:

یک سند تحلیلی باید تهیه شود که مشخص کند کدام ساختمان‌ها یا گروه‌های ساختمانی باید با دقت فراوان محافظت شوند و کدام‌ها باید تحت شرایط خاص حفظ گردند.

مطالعات تکمیلی:

در صورت امکان، مطالعات باید شامل داده‌های جمعیت‌شناختی، تحلیل فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، شیوه‌های زندگی، روابط اجتماعی، مسائل مالکیت زمین، زیرساخت‌های شهری، وضعیت شبکه راه‌ها، مسیرهای ارتباطی و تعامل بین مناطق حفاظتی و نواحی پیرامونی باشد.

مقامات مسئول باید اهمیت بسیار زیادی برای این مطالعات قائل شوند، زیرا برنامه‌های معتبر حفاظت بدون وجود چنین بررسی‌هایی قابل تدوین نیست. فعالیت‌های حفاظتی باید مشارکت مقامات عمومی را با سهم صاحبان فردی یا جمعی و ساکنان و کاربران، به صورت جداگانه یا مشترک، مطابق با اصول مندرج در منشورها و کنفرانس‌های بین‌المللی حفاظت از مناطق تاریخی، ترکیب کنند.

منابع مالی:

دولت‌های عضو باید تشویق به تأسیس مؤسسات مالی عمومی و یا خصوصی برای حفاظت از مناطق تاریخی و محیط آن‌ها نمایند (از جمله مکان‌های اهدایی، بنیادها

در نهایت، توصیه شماره ۵۵:

مطابق با روح و اصول این توصیه، یک دولت عضو نباید هیچ اقدام به تخریب یا تغییر ماهیت محله‌ها، شهرها و سایت‌های تاریخی واقع در قلمروهایی که آن دولت اشغال کرده است، انجام دهد.

۴.۲ منشور حفاظت از شهرها و مناطق شهری تاریخی

منشور واشنگتن ۱۹۸۷

این منشور مربوط به مناطق شهری تاریخی، بزرگ و کوچک، از جمله شهرها، شهرک‌ها و مراکز یا محله‌های تاریخی، همراه با محیط طبیعی و مصنوعی آن‌هاست.

با توجه به وضعیت بحرانی موجود در مناطق تاریخی — که غالباً به زبان‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی غیرقابل بازگشت منجر می‌شود — شورای بین‌المللی بناها و محوطه‌ها (ICOMOS) لازم می‌داند یک منشور بین‌المللی برای شهرها و مناطق شهری تاریخی تدوین کند که مکمل «منشور بین‌المللی حفاظت و بازسازی بناها و محوطه‌ها» (معروف به منشور ونیز) باشد. این متن جدید اصول، اهداف و روش‌های لازم برای حفاظت از شهرها و مناطق شهری تاریخی را تعریف می‌کند.

۴.۲.۱ اصول و اهداف

۱- برای اثربخش بودن، حفاظت از شهرها و سایر مناطق شهری تاریخی باید بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست‌های منسجم توسعه اقتصادی و اجتماعی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در همه سطوح باشد.

۲- ویژگی‌هایی که باید حفظ شوند شامل ماهیت تاریخی شهر یا منطقه شهری و تمام عناصر مادی و معنوی‌ای است که این ماهیت را نشان می‌دهند، به ویژه:

الف) الگوهای شهری همانند قطعات زمین و خیابان‌ها

ب) روابط بین ساختمان‌ها و فضاهای سبز و باز

ج) ظاهر رسمی ساختمان‌ها، داخلی و خارجی، بر اساس مقیاس، اندازه، سبک، ساخت، مواد، رنگ و تزئینات

د) رابطه بین شهر یا منطقه شهری و محیط پیرامون آن، چه طبیعی و چه مصنوعی

ه) عملکردهای مختلفی که شهر یا منطقه شهری در طول زمان به دست آورده است

هر تهدیدی به این ویژگی‌ها، اصالت شهر یا منطقه شهری تاریخی را به خطر می‌اندازد.

۳- مشارکت و درگیر شدن ساکنان برای موفقیت برنامه حفاظتی ضروری است و باید تشویق شود. حفاظت از شهرها و مناطق شهری تاریخی در درجه اول مربوط به ساکنان آن‌هاست.

۴.۲.۲ روش‌ها و ابزارها

۱- برنامه‌ریزی برای حفاظت از شهرها و مناطق شهری تاریخی باید با مطالعات چندرشته‌ای آغاز شود. برنامه‌های حفاظتی باید تمام عوامل مرتبط از جمله باستان‌شناسی، تاریخ، معماری، فنون، جامعه‌شناسی و اقتصاد را در نظر بگیرند.

اهداف اصلی برنامه حفاظت باید به وضوح مشخص شوند، و همچنین اقدامات قانونی، اجرایی و مالی لازم برای رسیدن به آن‌ها باید تعیین گردد.

برنامه حفاظت باید رابطه‌ای هماهنگ بین مناطق شهری تاریخی و کل شهر ایجاد کند.

برنامه حفاظت باید مشخص کند که کدام ساختمان‌ها باید حفظ شوند، کدام‌ها تحت شرایط خاص حفظ شوند، و کدام‌ها در شرایط استثنایی قابل فدا شدن هستند.

پیش از هرگونه مداخله، شرایط موجود در منطقه باید به دقت مستند شود.

برنامه حفاظت باید مورد حمایت ساکنان منطقه تاریخی باشد.

۲- تا زمانی که برنامه حفاظت تصویب نشده است، هر فعالیت حفاظتی لازم باید مطابق با اصول و اهداف این منشور و منشور ونیز انجام شود.

۳- نگهداری مستمر برای حفاظت مؤثر از یک شهر یا منطقه شهری تاریخی حیاتی است.

۴- فعالیت‌ها و کارکردهای جدید باید با ماهیت شهر یا منطقه شهری تاریخی سازگار باشند. تطبیق این مناطق با زندگی معاصر نیازمند نصب یا بهبود دقیق خدمات عمومی است.

۵- بهبود مسکن باید یکی از اهداف اساسی حفاظت باشد.

۶- هنگامی که لازم است ساختمان‌های جدید ساخته شوند یا ساختمان‌های موجود تغییر یابند، چیدمان فضایی

موجود باید حفظ شود، به ویژه از نظر مقیاس و اندازه قطعات زمین. معرفی عناصر معاصر که با محیط پیرامون هماهنگ باشند، تشویق می‌شود، زیرا چنین ویژگی‌هایی می‌توانند به غنای منطقه کمک کنند.

۷- دانش درباره تاریخ یک شهر یا منطقه شهری تاریخی باید از طریق تحقیقات باستان‌شناسی و حفاظت مناسب از یافته‌های باستان‌شناسی گسترش یابد.

۸- ترافیک درون یک شهر یا منطقه شهری تاریخی باید کنترل شود و محل‌های پارکینگ باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی شوند که به ساختار تاریخی یا محیط آن آسیب نرسانند.

۹- زمانی که برنامه‌ریزی شهری یا منطقه‌ای برای ساخت بزرگراه‌های اصلی پیش‌بینی می‌کند، این بزرگراه‌ها نباید وارد یک شهر یا منطقه شهری تاریخی شوند، اما باید دسترسی به آن‌ها را بهبود بخشند.

۱۰- شهرهای تاریخی باید در برابر بلایای طبیعی و آلودگی‌ها یا مزاحمت‌هایی مانند لرزش‌ها محافظت شوند تا میراث حفظ شده و امنیت و رفاه ساکنان تأمین گردد. هر نوع بلایی که شهر یا منطقه شهری تاریخی را تحت تأثیر قرار دهد، اقدامات پیشگیرانه و ترمیمی باید با ویژگی‌های خاص املاک مربوطه سازگار باشد.

۱۱- برای تشویق مشارکت و درگیری ساکنان، باید یک برنامه اطلاع‌رسانی عمومی برای همه ساکنان ایجاد شود، که از کودکان در سن مدرسه آغاز گردد.

۱۲- آموزش تخصصی باید برای همه حرفه‌هایی که با حفاظت مرتبط هستند، فراهم شود.

۴.۳ منشور حفاظت و مدیریت میراث باستان‌شناسی، لوزان ۱۹۹۰

مقدمه:

به طور گسترده‌ای پذیرفته شده است که شناخت و درک منشأ و توسعه جوامع انسانی برای انسان اهمیت بنیادی دارد، زیرا به اودرشناسایی ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی‌اش کمک می‌کند.

میراث باستان‌شناسی به عنوان سوابق پایه‌ای فعالیت‌های انسانی گذشته محسوب می‌شود. حفاظت و مدیریت صحیح آن ضروری است تا باستان‌شناسان و دیگر پژوهشگران بتوانند آن را مطالعه و تفسیر کنند، برای نسل

حاضر و نسل‌های آینده.

این منشور از موفقیت منشور ونیز (۱۹۶۴) الهام گرفته و به عنوان راهنما و منبع ایده برای سیاست‌ها و اقدامات دولت‌ها، پژوهشگران و حرفه‌ای‌ها عمل می‌کند.

ماده ۱: تعریف و مقدمه

«میراث باستان‌شناسی» آن بخش از میراث مادی است که روش‌های باستان‌شناسی اطلاعات اولیه درباره آن ارائه می‌دهند. این شامل تمام نشانه‌های وجود انسانی است و شامل مکان‌هایی مربوط به تمام مظاهر فعالیت انسانی، ساختارهای متروک، و باقی‌مانده‌های مختلف (از جمله سایت‌های زیرزمینی و زیرآبی) به همراه تمام مواد فرهنگی قابل حمل مرتبط با آن‌ها می‌شود.

ماده ۲: سیاست‌های حفاظت یکپارچه

میراث باستان‌شناسی یک منبع فرهنگی شکننده و غیرقابل تجدید است. بنابراین استفاده از زمین باید کنترل و توسعه یابد تا تخریب میراث باستان‌شناسی به حداقل برسد. سیاست‌های حفاظت از میراث باستان‌شناسی باید بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست‌های مربوط به استفاده از زمین، توسعه و برنامه‌ریزی، و همچنین سیاست‌های فرهنگی، محیط‌زیستی و آموزشی باشد.

سیاست‌های حفاظت از میراث باستان‌شناسی باید همواره مورد بازنگری قرار گیرند تا به روز باقی بمانند.

مشارکت فعال عموم مردم باید بخشی از سیاست‌های حفاظت از میراث باستان‌شناسی باشد.

ماده ۳: قانون‌گذاری و اقتصاد

حفاظت از میراث باستان‌شناسی باید به عنوان یک تکلیف اخلاقی برای تمام انسان‌ها در نظر گرفته شود و همچنین یک مسئولیت عمومی جمعی باشد. این تکلیف باید از طریق قوانین مرتبط و اختصاص بودجه کافی برای برنامه‌های پشتیبانی لازم جهت مدیریت مؤثر میراث به رسمیت شناخته شود.

قوانین باید بر پایه مفهوم میراث باستان‌شناسی به عنوان میراث تمام بشریت و گروه‌های مردم بنا شود و محدود به هیچ فرد یا ملت خاصی نباشد.



قوانین باید تخریب، کاهش ارزش یا تغییر هر سایت یا اثر باستان‌شناسی و محیط اطراف آن بدون موافقت مقام باستان‌شناسی مربوطه را ممنوع کند.

ماده ۴: بررسی

حفاظت از میراث باستان‌شناسی باید بر پایه شناخت کامل از گستره و ماهیت آن باشد. بنابراین، بررسی عمومی منابع باستان‌شناسی ابزار کاری ضروری برای تدوین راهبردهای حفاظت از میراث باستان‌شناسی است.

ماده ۵: تحقیق

دانش باستان‌شناسی اساساً مبتنی بر تحقیق علمی بر

میراث باستان‌شناسی است. چنین تحقیقی شامل تمام روش‌ها، از تکنیک‌های غیرمخرب گرفته تا نمونه‌گیری و حفاری کامل، می‌شود. اصل اساسی این است که جمع‌آوری اطلاعات درباره میراث باستان‌شناسی نباید بیش از آنچه برای اهداف حفاظتی یا علمی ضروری است، شواهد باستان‌شناسی را نابود کند.

حفاری باید در سایت‌ها و آثار تهدید شده توسط توسعه، تغییر کاربری زمین، غارت یا تخریب طبیعی انجام شود.

ماده ۶: نگهداری و حفاظت

هدف کلی مدیریت میراث باستان‌شناسی باید حفظ آثار و سایت‌ها در محل اصلی آن‌ها باشد، از جمله حفاظت



بلندمدت مناسب و نگهداری تمامی سوابق و مجموعه‌های مرتبط.

- هرگونه انتقال عناصر میراث به مکان‌های جدید نقض اصل حفظ میراث در بستر اصلی آن است.
- این اصل بر ضرورت نگهداری، حفاظت و مدیریت صحیح تأکید دارد و همچنین تأکید می‌کند که میراث باستان‌شناسی نباید با حفاری یا بعد از حفاری بدون تمهیدات لازم برای نگهداری و مدیریت مناسب، در معرض دید قرار گیرد.
- حفاری نباید انجام شود مگر آنکه امکان تضمین نگهداری و مدیریت مناسب میراث پس از آن فراهم باشد.

ماده ۷: ارائه، اطلاع‌رسانی، بازسازی

ارائه میراث باستان‌شناسی به عموم مردم یکی از روش‌های اساسی برای ترویج درک منشأ و توسعه جوامع مدرن است. در عین حال، این روش مهم‌ترین وسیله برای افزایش آگاهی درباره ضرورت حفاظت از میراث باستان‌شناسی است. بازسازی‌ها دو عملکرد مهم دارند: پژوهش تجربی و تفسیر. با این حال، باید با احتیاط زیاد انجام شوند تا به هیچ یک از شواهد باستان‌شناسی باقی‌مانده آسیب وارد نشود، و همچنین باید شواهد موجود از تمام منابع را در نظر بگیرند تا اصالت بازسازی تضمین شود.

در صورت امکان و مناسب بودن، بازسازی‌ها نباید مستقیماً بر روی بقایای باستان‌شناسی ساخته شوند و باید قابل تشخیص به عنوان بازسازی باشند.

ماده ۸: صلاحیت‌های حرفه‌ای

استانداردهای علمی بالا در رشته‌های مختلف برای مدیریت میراث باستان‌شناسی ضروری است.

آموزش تعداد کافی متخصص واجد شرایط در زمینه‌های مرتبط باید هدف مهمی از سیاست‌های آموزشی هر کشور باشد.

- نیاز به توسعه تخصص در زمینه‌های بسیار خاص، همکاری بین‌المللی را ایجاد می‌کند.
- استانداردهای آموزش حرفه‌ای و رفتار حرفه‌ای باید تعیین و حفظ شوند.
- حفاظت از میراث باستان‌شناسی یک فرایند پویا و مستمر

است. بنابراین، باید زمان کافی برای حرفه‌ای‌های فعال در این حوزه فراهم شود تا دانش خود را به‌روزرسانی کنند.

ماده ۹: همکاری بین‌المللی

میراث باستان‌شناسی میراث مشترک تمام بشریت است. بنابراین، همکاری بین‌المللی برای توسعه و حفظ استانداردها در مدیریت آن ضروری است.

نیاز فوری به ایجاد سازوکارهای بین‌المللی برای تبادل اطلاعات و تجربه میان متخصصان فعال در حوزه مدیریت میراث باستان‌شناسی وجود دارد. این امر مستلزم سازماندهی کنفرانس‌ها، سمینارها، کارگاه‌ها و غیره در سطح جهانی و منطقه‌ای و ایجاد مراکز منطقه‌ای برای تحصیلات تکمیلی است. سازمان ICOMOS از طریق گروه‌های تخصصی خود باید این جنبه را در برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت خود ترویج دهد.

۴.۴ سند نارا درباره اصالت (۱۹۹۴)

نکات اصلی این سند عبارتند از:

سند نارا درباره اصالت در روح منشور ونیز ۱۹۶۴ تدوین شده و بر آن بنا شده و آن را توسعه می‌دهد تا به نیازهای گسترده‌تر میراث فرهنگی و نگرانی‌های جهانی در دنیای معاصر پاسخ دهد.

در دنیایی که بیش از پیش تحت تأثیر نیروهای جهانی‌شدن و همگن‌سازی قرار دارد، و در دنیایی که جستجوی هویت فرهنگی گاهی از طریق ملی‌گرایی تهاجمی و سرکوب فرهنگ‌های اقلیت دنبال می‌شود، توجه به اصالت در عمل حفاظتی، سهم اساسی خود را در روشن کردن و تبیین حافظه جمعی بشریت ایفا می‌کند.

تنوع فرهنگ‌ها و میراث در جهان ما منبعی غیرقابل جایگزین از غنای معنوی و فکری برای همه بشریت است. حفاظت و ارتقای تنوع فرهنگی و میراثی در جهان باید به طور فعال ترویج شود، زیرا جنبه‌ای اساسی از توسعه انسانی محسوب می‌شود.

تمام فرهنگ‌ها و جوامع ریشه در اشکال و روش‌های خاص ابراز ملموس و ناملموس دارند که میراث آن‌ها را تشکیل می‌دهند و باید مورد احترام قرار گیرند.

مهم است که یک اصل بنیادین یونسکو تأکید شود: میراث

فرهنگی هر جامعه، میراث فرهنگی تمام بشریت است. حفاظت از میراث فرهنگی در تمام اشکال و دوره‌های تاریخی آن بر ارزش‌های منتسب به میراث استوار است. دانش و درک این منابع اطلاعاتی، در ارتباط با ویژگی‌های اصلی و بعدی میراث فرهنگی و معنای آن‌ها، پایه‌ای ضروری برای ارزیابی همه جنبه‌های اصالت است.

اصالت، که به این شکل در منشور ونیز مورد تأکید قرار گرفته است، به عنوان عامل تعیین‌کننده و اساسی در ارزش‌گذاری ظاهر می‌شود. درک اصالت نقش بنیادی در تمامی مطالعات علمی میراث فرهنگی، برنامه‌ریزی حفاظت و بازسازی دارد.

بنابراین، بسیار مهم و فوری است که در هر فرهنگ، به ماهیت ویژه ارزش‌های میراثی و صحت و اعتبار منابع اطلاعاتی مرتبط توجه شود.

بسته به ماهیت میراث فرهنگی، زمینه فرهنگی آن و تحول آن در طول زمان، قضاوت‌های مربوط به اصالت می‌تواند به ارزش منابع مختلف اطلاعاتی مرتبط باشد. جنبه‌های این منابع می‌تواند شامل فرم و طراحی، مواد و محتوا، کاربرد و عملکرد، سنت‌ها و فنون، مکان و محیط، روح و احساس، و سایر عوامل داخلی و خارجی باشد. استفاده از این منابع امکان بررسی ابعاد هنری، تاریخی، اجتماعی و علمی خاص میراث فرهنگی مورد مطالعه را فراهم می‌کند.

این‌ها ویژگی‌های اصالت برای یک میراث فرهنگی خاص هستند.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به منشورها و کنفرانس‌های بین‌المللی در زمینه حفاظت از مناطق تاریخی، نکات اصلی را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱- ارزش میراث فرهنگی و اهمیت حفاظت از آن، محور معرفی همه منشورها و کنفرانس‌های مرتبط با حفاظت از مناطق تاریخی است. حفاظت از میراث باستان‌شناسی باید به عنوان یک تکلیف اخلاقی برای تمام انسان‌ها در نظر گرفته شود.

۲- اولین منشورها و کنفرانس‌ها (۱۹۰۴-۱۹۳۳) بر قواعد بازسازی و حفاظت از «آثار مرده» و «آثار زنده» تمرکز داشتند که هنوز هم تا حد زیادی پذیرفته شده‌اند.

۳- منشور ونیز (۱۹۶۴) را می‌توان سنگ بنای تمام منشورها دانست: این منشور بر اساس منشورها و کنفرانس‌های پیشین و به صورت دقیق تدوین شد و منشورها و کنفرانس‌های بعدی از موفقیت راهنمایی‌های آن الهام گرفتند و از آن به عنوان منبع ایده استفاده کردند.

۴- تهیه و اجرای برنامه‌های حفاظتی باید محور مطالعات میدانی و اصول حفاظت باشد.

۵- همکاری افراد و انجمن‌های خصوصی باید در اجرای سیاست‌های مختلف حفاظتی جلب شود.

۶- برای اثربخشی بیشتر، حفاظت از مناطق تاریخی باید بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست‌های منسجم متمرکز بر توسعه اقتصادی و اجتماعی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در همه سطوح باشد.

۷- از آنجا که میراث باستان‌شناسی میراث مشترک بشریت است، همکاری بین‌المللی برای توسعه و حفظ استانداردها در مدیریت آن ضروری است.

۸- آموزش تخصصی باید برای همه حرفه‌هایی که با حفاظت مرتبط هستند، فراهم شود.

۹- تعریف ویژگی‌های اصیل برای برخی از میراث‌های معماری، روش مناسب و مؤثری برای حفاظت از آن‌ها است.

آدرس اینترنتی منشورها و کنفرانس‌ها

حفظ و بازسازی بناهای معماری (مادرید، ۱۹۰۴)
<http://www.japan-icomos.org/charters/pdf.madrid1904>

منشور آتن (آتن، ۱۹۳۳)
<http://www.japan-icomos.org/charters/pdf.athens1933>

منشور بین‌المللی حفاظت و بازسازی بناها و محوطه‌ها (منشور ونیز، ۱۹۶۴)

<http://www.japan-icomos.org/charters/venice.pdf>
توصیه درباره حفاظت و نقش معاصر مناطق تاریخی (نایروبی، ۱۹۷۶)
<http://www.mext.go.jp/unesco/pdf.020/004/009/pdf.http://japan-icomos.org/charters/nairobi1976>

منشور حفاظت از شهرها و مناطق شهری تاریخی (منشور واشنگتن، ۱۹۸۷)

<http://www.japan-icomos.org/charters/washington.pdf>
Charter for the Protection and Management of the Archaeological Heritage (Lausanne, ۱۹۹۰)
<http://www.japan-icomos.org/charters/archaeological.pdf>
Nara Document on Authenticity (Nara, ۱۹۹۴)
<http://www.japan-icomos.org/charters/nara.pdf>





مدیریت میراث فرهنگی نقش منشورها و اصول

کن تیلور / ترجمه: منیژه فلاح

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات موزه و کارشناسی ارشد تجارت هنر

یونسکو برای آسیا و اقیانوسیه) اخیراً این موضوع را با الحنی صریح بیان کرده است: «محافظة از میراث تنها به این دلیل که می‌خواهید آن را به گردشگران خارجی بفروشید کاملاً، کاملاً راهبردی اشتباه است - این کار هرگز نتیجه نخواهد داد. چنین رویکردی تنها به تخریب تدریجی و جعلی‌سازی میراث منجر خواهد شد و در نهایت همه را ناراضی‌تر و فقیرتر خواهد کرد. نظرم

محسوب می‌شود. مک‌کرچر و کلس ثبت کرده‌اند که سالانه چیزی حدود ۲۴۰ میلیون سفر بین‌المللی شامل نوعی از گردشگری فرهنگی انجام می‌شود. اما مهم است که تأکید کنیم نباید حفظ مکان‌های میراثی و سنت‌ها صرفاً یا عمدتاً برای رونق صنعت گردشگری باشد. اگر چنین کنیم، مشکلی اساسی وجود دارد. ریچارد انگلهارت (مشاور منطقه‌ای فرهنگ در

پیش‌زمینه: تاریخ و یا میراث

در دو دهه گذشته، علاقه عمومی به تاریخ‌های اجتماعی، میراث فرهنگی و مدیریت میراث در سراسر جهان افزایش چشمگیری یافته است. جذابیت مکان‌های میراثی موتور محرک صنعت پرسود گردشگری داخلی و بین‌المللی است؛ جایی که بازدید از مکان‌های میراثی، موزه‌ها، رویدادها و جشنواره‌های فرهنگی صنعتی بزرگ



امروزه بسیاری از کشورها دارای منشورها یا اصولی برای پشتیبانی از رویکردهای حفاظت و مدیریت منابع میراث فرهنگی هستند. افزون بر این، کنوانسیون‌های گوناگونی نیز برای راهنمایی ما وجود دارند. مفهوم میراث فرهنگی - که در آن «میراث» به معنای یک موهبت به‌جامانده از گذشته در نظر گرفته می‌شود - هم جنبه‌های ملموس را دربرمی‌گیرد (بافت فیزیکی)، و هم جنبه‌های ناملموس مانند معنا و مفهوم مکان‌ها و اشیاء، و همچنین سنت‌ها و شیوه‌های زندگی. این مفهوم همچنین نشان می‌دهد که میراث فرهنگی نوعی دارایی است که باید آن را ارزشمند و گرامی داشت و نه اینکه آن را هدر داد. بنابراین، در عمل مدیریت میراث فرهنگی، ما دارایی‌ها را بر اساس میزان اهمیتی که برای فرهنگ‌مان دارند، شناسایی، ارزیابی و حفاظت می‌کنیم. منشورها در تلاش‌اند تا به ما در تعریف این مفهوم مهم یعنی «اهمیت» یاری رسانند؛ مفهومی که باید هم جنبه‌های ملموس و هم ناملموس را در بر بگیرد، حتی اگر اهمیت و معانی مرتبط با مکان‌ها مفاهیمی پیچیده و چندلایه باشند. نکته مهم در وجود منشورها و کنوانسیون‌ها و مرتبط با تعریف اهمیت، فرایند تعیین و ارزیابی ارزش‌ها و همچنین بررسی مسائلی چون «تمامیت» مکان‌های میراثی و «اصالت» پایدار آن‌هاست. این مقاله می‌کوشد به مرور علاقه روزافزون به میراث فرهنگی و منشورهای گوناگونی که برای ارزیابی اهمیت به کار می‌بریم بپردازد و نقدی بر آن‌ها ارائه کند.

نیست، بلکه شامل معانی آن‌ها نیز می‌شود. علاوه بر این، تمرکز پیشین تنها بر مکان‌ها و بناهای نمادین ملی که متعلق به ثروتمندان و اشراف بوده تغییر یافته و اکنون مکان‌های معمولی و روزمره را نیز در بر می‌گیرد؛ مکان‌هایی که مفهوم «امر مقدس» (روزمره) (پترسون، ۱۹۹۳) در آن‌ها صدق می‌کند. مکان‌های مقدس روزمره، مکان‌هایی هستند که بازتاب‌دهنده رابطه ما با مکان‌هایی‌اند که برایمان معنا دارند، زیرا ما یا اجدادمان با آن‌ها پیوند داشته‌ایم. «مکان‌سازی» و تمام آنچه برای ما به همراه دارد، احساس تعلق قدرتمند و حس مکان عمیقی در ما ایجاد می‌کند.

بخشی از فرایند مدیریت حفاظتی در نظر گرفته شود. پس جذابیت تاریخ و میراث خودمان و دیگران چیست؟ چرا تمایل داریم مکان‌های میراثی را حفظ کنیم؟ و از چه سازوکارهای فکری و تحلیلی برای کمک به این فرایند می‌توان بهره برد؟

رشد آگاهی عمومی نسبت به میراث فرهنگی به ارزش‌هایی مربوط است که مردم برای دانستن درباره تاریخ رویدادها، مکان‌ها و افراد در گذر زمان قائل می‌شوند؛ و این موضوع تنها درباره گذشته دور نیست بلکه زمان حال را نیز در بر می‌گیرد. یک پدیده مهم در این جریان این است که صرفاً بر مکان‌ها یا اشیای فیزیکی متمرکز

این است که حفاظت از میراث و فرهنگ هیچ ارتباطی با گردشگری ندارد. اگر شما میراث را به‌عنوان یک محصول گردشگری حفظ می‌کنید، این حفاظت از میراث نیست، بلکه توسعه یک محصول گردشگری است؛ و شاید بهتر باشد از همان ابتدا یک پارک تفریحی بتنی بسازید.»

با وجود این، ضروری است که نیازهای بازدیدکنندگان/گردشگران در زمینه برنامه‌ریزی سایت و تفسیر (ارائه اطلاعات) در مکان‌های میراثی به‌عنوان

در حال حاضر مهم‌ترین

جلوه‌های فرهنگ بومی

و محلی روستا-محور

است که در قلب احساس

اجتماع بودن قرار دارد

میراث اکنون یک جنبش مردمی است؛ جنبشی فراگیر، جهانی و حقی که برای همه شناخته می‌شود. ما با نگاه به گذشته آرامش می‌یابیم. مکان‌ها، رویدادها و حتی انسان‌های گذشته به نوعی جانشین تبدیل می‌شوند که برای ما تداوم و پیوستگی اطمینان‌بخشی را در خود جای داده‌اند. اما آیا «گذشته‌ای که احضار می‌کنیم... عمدتاً ساخته زمان حال نیست؟» همان‌گونه که دیوید لوونتال (۱۹۸۵:۱۶)، ادعا می‌کند: «هرچقدر هم که با دقت حفاظت کنیم، هرچقدر اصیل مرمت کنیم و هرچقدر عمیق در دوران گذشته غوطه‌ور شویم، زندگی در گذشته بر پایه شیوه‌های زیستن و باورهای شکل گرفته بود که با امروز ما قابل مقایسه نیست. تفاوت گذشته در واقع بخشی از جذابیت آن است: هیچ‌کس برای چیزی دلتنگ نمی‌شود که فقط نسخه تکراری زمان حال باشد. اما نمی‌توانیم از این گریزی داشته باشیم که آن را از دریچه نگاه امروزی ببینیم و جشن بگیریم.»

یک گرایش عمومی وجود دارد که تاریخ و میراث را با هم اشتباه گرفته و این دو را بدون تفاوت‌گذاری جایگزین یکدیگر می‌کند. شاید لازم باشد تفاوت‌های آن‌ها را بهتر درک کنیم. باز

هم دیوید لوونتال (۱۹۹۶:۱۱)، در این زمینه بسیار راهگشا است، به‌ویژه ایده اصلی کتاب او جنگجویان میراث و غنائیم تاریخ که در مقدمه کتاب بیان شده است: «در اهلی‌سازی گذشته، ما آن را برای اهداف کنونی به خدمت می‌گیریم. افسانه‌های منشأ و تداوم، پیروزی یا فاجعه، حال را به گذشته و گذشته را به حال پیوند می‌دهند؛ ما را با نیاکانی هماهنگ می‌سازند که فضایلشان را شریکیم و از رذایلشان دوری می‌کنیم. ما عادت داریم این هم‌نشینی را تاریخ بنامیم، اما در واقع این میراث است. این تمایز حیاتی است. تاریخ می‌کوشد گذشته‌هایی را بررسی و تبیین کند که با گذر زمان هرچه بیشتر پوشیده و مبهم می‌شوند؛ در حالی که میراث گذشته را شفاف می‌سازد تا آن را با اهداف کنونی آمیخته و معنادار کند.»

ادامه این خط فکری نشان می‌دهد که ارزش‌های میراثی در برابر تحلیل عینی مقاومت می‌کنند. بخش‌های مادی و ملموس مکان‌ها و اشیای میراثی به‌طور عینی قابل اندازه‌گیری‌اند، اما این ارزش‌هایی است که ما به آن‌ها نسبت می‌دهیم که «سوخت آتش میراث» را فراهم می‌کند. بسیاری از داده‌های مرتبط با میراث عوامل اجتماعی‌اند که در آن‌ها حافظه فردی و جمعی حضور دارد و نمی‌توان آن‌ها را به‌طور علمی تعریف کرد. این نکته میراث را از تاریخ متمایز می‌کند؛ جایی که تاریخ می‌تواند آزمون‌پذیر باشد. میراث تاریخ نیست. میراث از واقعیت‌های تاریخی استفاده می‌کند، اما آن‌ها را به گونه‌ای بازتفسیر می‌کند که از حافظه و ارزش‌ها پشتیبانی کند.

آنچه در تاریخ رخ داده، کجا و چه زمانی، می‌تواند به‌طور عینی مورد مطالعه قرار گیرد (هرچند ممکن است درباره تأیید برخی واقعیت‌ها یا وقوع آن‌ها اختلاف نظر باشد)، اما آنچه مردم را شیفته می‌کند «چه کسانی درگیر بودند» و «چرا کارها را آن‌گونه انجام دادند» است. بخش زیادی از این‌ها می‌تواند و می‌بایست قابل تفسیر باشد. نتیجه آن است که ما احساس می‌کنیم می‌توانستیم خود در آن گذشته مشارکت داشته باشیم، و همین موضوع بخش زیادی از جذابیت عمومی میراث را شکل می‌دهد. با وجود این دوگانه آشکار میان تحلیل عینی و ذهنی، اینجاست که منشورها و اصول می‌توانند در تعیین اهمیت یک مکان میراثی به ما کمک کنند. با این حال، میراث تنها پیوند ما با گذشته نیست و نقش اصلی یا یگانه ندارد. تاریخ همچنان جایگاه مهمی دارد. آیا جذابیت میراث از تاریخ پیشی گرفته و به شیوه اصلی بازشناسی گذشته تبدیل شده است، همان‌گونه که لوونتال حدس می‌زند؟ در این رابطه، او تاریخ‌نگار «شورسکه» (ibid p ۳) را نقل می‌کند که معتقد است:

«ممکن است میراث وارث آن "سنت تداوم‌بخشی" باشد که تاریخ، بنا بر نگرانی افرادی چون کارل شورسکه، از آن دست شسته است.» شاید این دغدغه‌های دانشگاهی بیش از اندازه مهم نباشند. آنچه مهم است این است که ارزش‌های میراثی و میل به پیوند با گذشته، محبوبیتی چشمگیر یافته‌اند. میراث جذاب و مد روز است؛ و اکنون افتخار آن را دارد که ایده میراث روزمره

مردم، رویدادها و مکان‌ها را در گذر زمان در بر بگیرد. مردم می‌خواهند درباره تاریخ خود بدانند و انتظار دارند این گذشته به نحوی تفسیر شود که نیاز آن‌ها به پیوندهای حافظه‌ای را برآورده سازد.

همچنین، در شور و شوق نسبت به مکان‌های معمولی، علاقه‌ای جهانی در حال رشد است به آنچه «چشم‌انداز فرهنگی» شهری و روستایی می‌نامیم؛ مکان‌هایی که زندگی‌های روزمره را بازتاب می‌دهند. این شامل مکان‌های تاریخی است و نیز مکان‌هایی که بخشی از زندگی پرتحرک و جاری امروزند، مانند جورج‌تاون در پنانگ یا چیانگ‌مای در تایلند. در اینجا، گذشته و حال در هم می‌آمیزند و «احساس جریان زمان» را ایجاد می‌کنند (لینچ، ۱۹۷۲). این بزرگداشت امر روزمره، در آسیا نیز پژواکی یافته است. برای مثال، این موضوع در مراسم آغاز «سال میراث اندونزی ۲۰۰۳» در یوگیاکارتا مورد تأکید قرار گرفت که بازتاب‌دهنده گفته‌های «بامبانگ بینتورو سوجیتو»، معاون وقت برنامه‌ریزی زیرساخت در سازمان برنامه‌ریزی توسعه ملی اندونزی، در سال ۱۹۹۹ بود.

برای ما، در حال حاضر مهم‌ترین جلوه‌های فرهنگ نه بناها، یادگارها و آثار هنری به‌جامانده از گذشته هستند و نه جلوه‌های پالایش‌یافته‌تر فعالیت‌های فرهنگی که در سال‌های اخیر فراتر از مرزهای اندونزی محبوب شده‌اند؛ بلکه فرهنگ بومی و محلی روستا-محور است که در قلب احساس اجتماع بودن قرار دارد. همین احساس جامعه‌محوری، بیش از تمرکز بر فرد،

در دوران سختی و آشوب نقشی مهم در تداوم و حمایت داشته و اکنون در تقویت حس هویت مطمئن کمک می‌کند، آن هم در شرایطی که میراث را با جامعه‌ای که به فرصت‌های جهانی گشوده شده است پیوند می‌زنیم.

دغدغه سوجیتو درباره بیان فرهنگ روزمره با مفاهیم بین‌المللی کنونی درباره اهمیت چشم‌اندازهای فرهنگی و ایده «امور معمولاً مقدس» (Taylor, ۱۹۹۹) همخوانی دارد. نکته مرکزی این است که علاوه بر نمادهای فرهنگی ملی، این مکان‌ها، سنت‌ها و فعالیت‌های مردم عادی هستند که تار و پود فرهنگ غنی زندگی را شکل می‌دهند؛ به‌ویژه از طریق شناخت ارزش‌هایی که مردم به فضاهای روزمره خود نسبت می‌دهند و حس از مکان و هویت که از آن ناشی می‌شود.

هویت برای حس مکان -- کاملاً حیاتی است. رلف (Relph, ۱۹۷۶: ۶۱) آن را چنین خلاصه می‌کند:

• «هویت مکان از سه جزء به‌هم‌پیوسته تشکیل می‌شود، که هیچ‌کدام قابل تقلیل به دیگری نیستند:

• ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری، فعالیت‌ها و کارکردهای قابل مشاهده، و معانی یا نمادها.»

• بنابراین، هویت فیزیکی ملموس و هویت ناملموس مرتبط با تجربه‌های انسانی و تمایز وجودی، هر دو به‌طور جدایی‌ناپذیر با معنای مکان و اهمیت آن برای مردم درهم تنیده‌اند.

سؤال بنیادین در مدیریت میراث فرهنگی این است که: «فرهنگ چه کسی را ارائه می‌کنیم و

چرا؟»

• موضوع مهم دیگر در آسیا - که بر امکان‌سنجی تدوین منشورها و کنوانسیون‌ها اثر دارد - نگاه معنوی به ارزش‌های میراثی است؛ گذشته در حافظه مردم، رویدادها و مکان‌ها زنده می‌ماند، نه لزوماً در کالبد مادی که ممکن است تغییر کند یا جایگزین شود.

• «وی و آس» (Wei & Aass, ۱۹۸۹) در مقاله‌ای تأثیرگذار سال‌ها پیش رویکرد آسیایی را این‌گونه توضیح دادند:

• زمان پیوسته است

• سهم معنوی و مادی هر نسل ارزشمند است

• تغییرات و تعمیرات بخشی از زندگی بناست و از «روح مکان» چیزی نمی‌کاهد

• این نگاه پیامدهای مهمی برای تدوین منشورها و اصول مناسب برای حفاظت میراث در فرهنگ‌های آسیایی دارد. در نتیجه، میراث چیزی است که از گذشته جذب می‌کنیم و بخشی از وابستگی روزافزون ما به گذشته است - حتی اگر در این مسبر گاه تاریخ را دچار تحریف کنیم.

آیا مثلاً بازآفرینی‌های تاریخی نه‌ی جعل تاریخ هستند؟

گذشته در حافظه مردم،

رویدادها و مکان‌ها زنده

می‌ماند، نه لزوماً در کالبد

مادی که ممکن است تغییر

کند یا جایگزین شود.

منشورها و اصول

یکی از مشهورترین منشورها، منشور ونیز ۱۹۶۴ است که از کنگره بین‌المللی معماران و متخصصان آثار تاریخی در ونیز نشأت گرفت. این منشور بر بناها و یادمان‌های باستانی تمرکز دارد و عمدتاً حفاظت فیزیکی و کالبدی را هدف قرار می‌دهد، هرچند به زمینه‌های شهری و روستایی و اهمیت آن‌ها به عنوان شاهدهی بر سنت‌ها و ارزش‌های انسانی نیز اشاره کرده است. منشور ونیز شامل ۱۶ ماده است که تعاریف و دستورالعمل‌هایی برای حفاظت ارائه می‌دهد و به عنوان پیشگام منشورهای بعدی و نقطه عطفی در توجه جهانی به حفاظت میراث شناخته می‌شود.

از دیگر منشورهای مهم، منشور بورا است که استانداردهای حرفه‌ای را برای مشاوران، مالکان، مدیران و کسانی که در مکان‌های دارای اهمیت فرهنگی تصمیم می‌گیرند یا کار می‌کنند، مشخص می‌کند. این منشور شامل ۳۴ ماده است و موضوعاتی مانند تعاریف، اصول حفاظت، فرایندها، شیوه‌ها، تعیین اهمیت فرهنگی، توسعه خط‌مشی‌های حفاظت و روش‌های انجام مطالعات و گزارش‌ها را در بر می‌گیرد. نکته برجسته منشور بورا این است که اهمیت فرهنگی را شامل هر دو جنبه ملموس و ناملموس می‌داند و به همین دلیل مبنای اصلی بسیاری از منشورها و قوانین میراثی امروز در جهان است.

یکی از جنبه‌های مهم منشور بورا این است که از واژه «مکان» برای تعریف منابع میراث فرهنگی استفاده می‌کند و مفهوم مکان را به عنوان سنگ بنای رویکرد میراثی استرالیا تثبیت می‌کند.

نقش منشورها و اصول در ارزیابی ارزش‌هایی که به مکان‌های میراث فرهنگی و مدیریت آن‌ها نسبت می‌دهیم چیست یا چه می‌تواند باشد؟ در مرکز این فرایند، مفهوم اهمیت قرار دارد و معنای آن به آسانی قابل توضیح نیست. تعریف فرهنگ‌نامه‌ای آن «مفهوم پنهان یا معنای واقعی» است، اما این تعریف نیز نشان‌دهنده ابهام است. زیرا در مدیریت میراث، تقریباً همیشه با معانی پنهان سروکار داریم؛ معانی‌ای که باید از طریق ارزیابی ذهنی و تحلیل داده‌های عینی و سنت‌های فرهنگی که رفتار انسان‌ها در شکل‌دهی به محیط و ایجاد مکان‌ها و چشم‌اندازهای فرهنگی را هدایت کرده‌اند، آشکار شوند.

نقش بنیادین منشورها این است که بیانیه‌ها، اصول و راهنماهایی برای حفاظت و مدیریت مکان‌های دارای اهمیت فرهنگی ارائه دهند، جایی که حفاظت بخشی جدایی‌ناپذیر از مدیریت این مکان‌ها محسوب می‌شود. منشورها در واقع نقش هدایت اخلاق حرفه‌ای در اجرای حفاظت میراث فرهنگی را ایفا می‌کنند و امروزه اغلب به مفاهیمی از جمله ارزش‌های میراثی، حفاظت، اهمیت و مراحل برنامه‌ریزی حفاظت می‌پردازند. همان‌گونه که «ایکوموس چین» (۲۰۰۳) اشاره می‌کند، هر کشور اکنون مقرراتی برای حفاظت از میراث دارد، اما همه کشورها دارای یک روش راهنمای مناسب برای اجرای مؤثر حفاظت نیستند؛ بنابراین همچنان ظرفیت و نیاز برای تدوین منشورهای بیشتر وجود دارد.

- در اینجا مقایسه «پورت آرتور» در تاسمانی (استرالیا) با «ویلیامزبرگ» در آمریکا آموزنده است:
- ویلیامزبرگ، آمریکا پورت آرتور، تاسمانی
- بازآفرینی کامل چشم‌انداز فرهنگی ویرانه‌های تثبیت‌شده زندان‌های استعماری
- نسخه تاریخ‌زدایی‌شده و زیباشده از گذشته نمایانگر خشونت و سختی تاریخ تصویری که هرگز مشابه گذشته واقعی نبوده جوئی تأثیرگذار و وفادار به واقعیت تاریخی
- پورت آرتور همان چیزی را بازتاب می‌دهد که جی. بی. جکسون (۱۹۸۳) زیبا عنوان می‌کند: «ضرورت ویرانه‌ها». اما ویلیامزبرگ چه؟
- آیا مهم است که تاریخ را زیباتر از واقعیت نشان می‌دهد؟
- نویسنده پاسخ می‌دهد: احتمالاً نه.
- چرا که روایت‌هایی که در ویلیامزبرگ گفته می‌شود مردم را به شناخت تاریخ خود جذب می‌کند و در نتیجه ارزش‌های میراثی تقویت می‌شوند.

یکی از جنبه‌های مهم منشور

بورا این است که از واژه

«مکان» برای تعریف منابع

میراث فرهنگی استفاده

می‌کند و مفهوم مکان را به

عنوان سنگ بنای رویکرد

میراثی استرالیا تثبیت

می‌کند.

مذهبی، سیاسی، ملی یا فرهنگی می‌کند

● **ارزش علمی:** مرتبط با ادراک ذهنی و دستاوردهای ملی

همچنین در بخش ۲.۶ منشور آمده است که می‌توان دسته‌بندی‌های ارزشی دیگری برای درک بهتر یک مکان ایجاد کرد. در مطالعات حفاظت، ارزیابی و بیان ارزش‌های زیرنیز مفید است:

● **ارزش تفسیری:** توانایی یک مکان برای آموزش و روشن‌سازی تاریخ اجتماعی، ایجاد حس مکان و ایجاد پیوند با گذشته؛ شامل درک اینکه چه اتفاقاتی رخ داده، کجا، چه زمانی، چه کسانی درگیر بوده‌اند و چرا. این ارزش حس مشارکت انسان در شکل‌گیری مکان را تقویت می‌کند.

فرهنگی را به ارزیابی ارزش‌های فرهنگی و تهیه «بیانیه اهمیت» مرتبط می‌کند و به‌ویژه در زمینه چشم‌اندازهای فرهنگی، فرایند مدیریت و ارزیابی برای سایت‌های زنده طراحی شده است، جایی که حس پیوستگی، روابط متقابل و لایه‌لایه بودن قابل تشخیص است. بنابراین این راهنما هم به اجزاء و سازه‌های فیزیکی و هم به معنای مکان‌ها توجه دارد. منشور بورا اهمیت فرهنگی را چنین تعریف می‌کند:

«مفهومی که در برآورد ارزش مکان‌ها کمک می‌کند. مکان‌هایی که احتمالاً اهمیت دارند، آن‌هایی هستند که به درک گذشته کمک می‌کنند یا حال را غنی می‌سازند و برای نسل‌های آینده ارزشمند خواهند بود.» این منشور پیشنهاد می‌کند که مفهوم اهمیت فرهنگی از طریق فرایند شناسایی و ارزیابی اطلاعات مرتبط، تحلیل آن و سپس توسعه سیاست و استراتژی حفاظت درک شود. گام مهمی در این فرایند، تهیه یک «بیانیه اهمیت» کوتاه است که مراحل ارزیابی و تحلیل را خلاصه کند و به‌طور روشن توضیح دهد که چرا مکان موردنظر ارزشمند است. در ارزیابی اطلاعات و تحلیل آن برای تعیین اهمیت، منشور ارزش‌های زیر را برای نسل‌های گذشته، حال یا آینده مطرح می‌کند:

● **ارزش زیبایی‌شناختی:** مرتبط با ادراک حسی

● **ارزش تاریخی:** مرتبط با رویدادها، شخصیت‌ها، مراحل و دوره‌های تاریخی

● **ارزش اجتماعی:** شامل ویژگی‌هایی که یک مکان را کانون احساسات

مکان می‌تواند شامل سایت، منطقه، زمین، چشم‌انداز، ساختمان یا اثر دیگر، گروهی از ساختمان‌ها یا آثار دیگر باشد و همچنین می‌تواند اجزاء، محتویات، فضاها و چشم‌اندازها را دربرگیرد. نکته اساسی این است که مکان با فعالیت‌های انسانی و سنت‌های فرهنگی مرتبط است که این فعالیت‌ها و نتایج آن‌ها را هدایت کرده‌اند. واژه «مکان» با زمینه و معنای فرهنگی همراه، محدودیت کمتری نسبت به مفاهیمی مانند بنا، سایت یا ساختمان دارد و اجزاء مختلف را به هم پیوند می‌دهد و آن‌ها را در زمینه فرهنگی و فکری که محصول آن هستند قرار می‌دهد.

اهمیت و کارایی منشور بورا به عنوان پایه‌ای برای مطالعه سیستماتیک، سازگار و قابل بازتولید، در عمل استرالیا به خوبی تثبیت شده و به‌طور بین‌المللی نیز شناخته شده است. روش شناسایی داده‌ها در این منشور عینی است؛ شواهد فرهنگ مادی موجود، مانند ساختمان‌ها، کاشت‌ها، سازه‌ها، فضاهای باز و الگوهای استفاده از زمین، به عنوان اشیاء فیزیکی قابل مشاهده و ثبت و حفاظت هستند. اما به همان اندازه، غیرمادیات نیز اهمیت دارند: سنت‌ها، باورها و ایدئولوژی‌هایی که این الگوها و اجزاء را ایجاد کرده‌اند و به آن‌ها معنا بخشیده‌اند. بنابراین تحلیل معتبر داده‌ها و ارزیابی اهمیت، ناگزیر شامل قضاوت‌های ارزشی از طریق فرایند تفسیر و ارائه معنای مکان‌هاست. راهنمای منشور بورا فلسفه و روش‌شناسی حفاظت را ارائه می‌دهد که مدیریت مکان‌های دارای اهمیت



● ارزش ارتباطی: توانایی قراردادن

رخدادها در زمینه خود و شناخت کسانی که اقدامات را هدایت کرده‌اند؛ این ارزش مرتبط با فهم نقش پیشینیان در شکل‌دهی مکان‌هاست و ارزش انسانی قدرتمندی است.

● ارزش تمامیت: حفظ اجزاء و الگوها

در چشم‌انداز و شواهد فیزیکی از دوره‌های گذشته. این ارزش به ایجاد هویت تاریخی، حس جریان زمان و پیوند با گذشته کمک می‌کند و شامل معیارهای ملموس مانند طراحی و مصالح و غیرملموس

مانند روابط و زمینه است.

یکی از مسائل چالش‌برانگیز مرتبط با منشور، تعیین آستانه اهمیت است: «چقدر مهم، اهمیت دارد؟» و «ارزش و اهمیت برای چه کسی؟» اهمیت و ارزش ذاتاً قضاوتی و انسانی هستند و به سختی قابل کمی‌سازی یا رتبه‌بندی‌اند. ما می‌توانیم نشان دهیم که یک ساختمان یا چشم‌انداز تاریخی نمونه نادری از نوع خود است و از دست دادن آن فرهنگ مادی ما را تضعیف می‌کند. ارزش و اهمیت همچنین با ارزش اجتماعی همسوست و نشان‌دهنده تمرکز معنای مکان‌ها و نمادهای فرهنگی در مدیریت میراث است. اما فرهنگ غیرمادی، سنت‌ها و رفتارهایی که مکان‌ها را معنا می‌بخشند و خاطرات آن‌ها را شکل می‌دهند، سخت‌تر قابل عقلانی‌سازی و حفاظت‌اند. اهمیت و ارزش نه تنها نتیجه کالبد مادی هستند، بلکه محصول سنت‌ها و رفتارهایی‌اند

که مکان‌ها را به مکان‌های حافظه و معنا تبدیل کرده‌اند. منشور بورا پیشنهاد می‌کند که «اعتبار قضاوت‌ها به دقت جمع‌آوری داده‌ها و استدلال اعمال‌شده بستگی دارد» و بیانیه اهمیت باید «شفاف و کوتاه باشد و توضیح دهد چرا مکان ارزشمند است.» این جنبه سنت‌ها و رفتارها، به‌ویژه در کاربرد منشور در زمینه آسیایی، اهمیت خاصی دارد.

ارزش زیبایی‌شناختی در منشور بورا، از نظر من، یکی از دشوارترین مفاهیم است. منشور به معیارهایی مرتبط با ادراک حسی اشاره می‌کند: فرم، مقیاس، رنگ، بافت و مصالح کالبدی. این مفهوم گاهی با



تاریخچه غربی زیبایی‌شناسی و به‌ویژه دیدگاه سدهٔ هجدهم که زیبایی و سلیقه نیکو را مترادف ارزش زیبایی می‌دانست، اشتباه گرفته می‌شود. برای من، نگرانی‌های زیبایی‌شناختی شامل تجربه نیز می‌شود و می‌تواند مکان‌های عادی و روزمره را نیز در بر گیرد، حتی مکان‌هایی که معمولاً به آن‌ها «زیبا» گفته نمی‌شود. چرا که این مکان‌ها برای بسیاری از افراد از طریق تجربه حس تعلق و حس مکان ایجاد

می‌کنند و شناخت روش‌های انجام امور در آن‌ها اهمیت دارد. از سوی دیگر، ارزش زیبایی‌شناختی می‌تواند در قالب طراحی معماری یا چشم‌انداز تعالی‌یافته، اهمیت یابد؛ نمونه‌هایی از این دست شامل بخشی از مجموعهٔ کاخ سلطنتی بانکوک یا تاج‌محل هند است.

با وجود اصلاحات منشور بورا در سال ۱۹۹۹ نسبت به نسخهٔ ۱۹۸۸، هنوز برخی از کارشناسان نگرانند که این منشور بیش از حد بر حفظ کالبد تاریخی تأکید می‌کند، به‌ویژه در بخش شیوه‌های حفاظت. منشور بورا در این زمینه همچنان بازتابی از منشور ونیز و دیدگاه غربی «اصالت کالبد تاریخی» است.

اصول حفاظت از سایت‌های میراثی در چین

این اصول در همکاری با کمیسیون

میراث استرالیا و مؤسسه حفاظت گتی تدوین شده‌اند. آن‌ها رویکرد منشور بورا در شناسایی و حفاظت ارزش‌ها را با تجربه آمریکایی ترکیب کرده و مجموعه‌ای منسجم از دستورالعمل‌ها برای نیازهای فرهنگی آسیایی، به‌ویژه چین، ارائه می‌کنند. این موضوع در نحوهٔ توصیف ارزش‌های میراثی به خوبی مشاهده می‌شود.

در مقدمه، ژانگ بای، معاون مدیرکل اداره دولتی میراث فرهنگی چین، اشاره می‌کند که چین از سال ۱۹۵۰ فهرست ملی و ارزیابی اولیه اهمیت سایت‌های فرهنگی را آغاز کرده و در حال حاضر ۳۰۰،۰۰۰ سایت ثبت شده است. از این تعداد، مقامات شهرستانی، استانی و شهری ۷،۰۰۰ سایت را به عنوان مهم‌ترین سایت‌ها تعیین کرده‌اند که ۱،۲۶۸ سایت از آن‌ها در دسته ملی بر اساس ارزش‌های تاریخی، هنری و علمی قرار دارند. علاوه بر این، ۹۹ شهر تاریخی و فرهنگی مشهور نیز شناسایی شده‌اند. این سایت‌ها به عنوان بخشی



از توسعه تاریخی چین و خلاقیت مردم آن، پایه‌ای برای درک گذشته و زیربنای آینده محسوب می‌شوند. نکته قابل توجه این است که سند چینی به صورت دستورالعمل‌های حرفه‌ای ارائه شده و کاملاً در چارچوب قوانین و مقررات موجود حفاظت از سایت‌های میراث قرار دارد و هم در زمینه عمل حفاظت و هم در ارزیابی نتایج، راهنمایی فراهم می‌کند. سند اصول در دو بخش ارائه شده است: بخش اول شامل ۳۸ ماده است که موارد زیر را در بر می‌گیرد:

- اصول کلی
- فرایند حفاظت
- اصول حفاظت
- مداخلات حفاظتی
- اصول تکمیلی

بخش دوم شامل تفسیر اصول تحت ۱۶ عنوان است، که موضوعاتی مانند شرایط لازم برای تعیین یک سایت به عنوان سایت میراثی، حفظ وضعیت

تاریخی، منافع اجتماعی و اقتصادی، ارزیابی، برنامه‌های مدیریت حفاظت، مداخلات حفاظتی، مدیریت، نگهداری و تفسیر، بازسازی، مرمت و مدیریت محیط سایت را شامل می‌شود. این سند جامع است و شامل یک واژه‌نامه انگلیسی-چینی نیز می‌باشد. ماده ۱ بیان می‌کند که سایت‌های میراثی باقی‌مانده‌های فیزیکی تغییرناپذیر هستند که در طول تاریخ بشر ایجاد شده و دارای اهمیت‌اند. در واژه‌نامه، معنای لغوی «اهمیت» در چینی «ارزش» است. ماده ۳ تعیین می‌کند که ارزش‌های میراثی یک سایت شامل موارد زیر است:

- ارزش تاریخی
- ارزش هنری
- ارزش علمی

فرایند ارزیابی (ماده ۱۱) شامل تعیین ارزش‌های سایت، وضعیت حفظ و زمینه مدیریت آن است. بخش ۲.۳.۱

تفسیر، به طور جامع هر یک از این ارزش‌ها را توضیح می‌دهد. به نظر من، این بخش جامع‌تر از منشور بورا است، به ویژه در پرداختن به جنبه‌های فرهنگی ناملموس ارزش‌های تاریخی و هنری:

ارزش تاریخی ناشی از دلایل ساخت سایت، ارتباط با رویدادها و شخصیت‌های مهم، و چگونگی بازتاب اصیل واقعیت تاریخی است. همچنین شامل سنت‌ها، آداب و رسوم یا رفتارهای اجتماعی و توانایی سایت در تکمیل اسناد تاریخی و ویژگی‌های منحصر به فرد یا از این نوع است.

ارزش هنری ناشی از هنر معماری، شامل ترکیب فضایی، تزیینات، فرم زیبایی‌شناختی؛ هنرهای چشم‌انداز، شهری و باغی؛ آثار مجسمه‌سازی و تزئینی ثابت و فرآیندها و شیوه‌های خلاقانه بیان است.

دو واژه که بیانگر ارزش‌های بنیادی



در حوزه حفاظت از بناهای

تاریخی همچون کوف و شهر

ممنوعه یا چنگ‌ده، اجازه

انجام تعمیرات پیوسته یا

حتی بازسازی کامل، در واقع

نوعی تأکید بر حفظ روح بنای

اصلی است.

ابعاد نظام‌های اعتقادی تأکید می‌کند. این سند پیشنهاد می‌کند که قضاوت درباره اصلت می‌تواند به منابع متنوع اطلاعاتی وابسته باشد- از جمله شکل، طرح، مواد، کارکرد، سنت، و محیط فرهنگی.

نتیجه‌گیری

سند نارا درباره اصلت، ما را به بحثی نهایی با اهمیت ویژه برای کشور تایلند هدایت می‌کند. در پیوست شماره ۱ این سند آمده است که تلاش برای تعیین اصلت باید به تنوع فرهنگی احترام بگذارد و به هر فرهنگ اجازه دهد تا فرایندها و ابزارهای تحلیلی خاص خود را بر اساس ماهیت و نیازهایش توسعه دهد. در این مسیر، همه فرهنگ‌ها در مواردی مشترک هستند، از جمله: ضرورت همکاری چندرشته‌ای، اطمینان از اینکه ارزش‌های منتسب به یک میراث، نماینده فرهنگ و تنوع دیدگاه‌ها هستند، و لزوم به‌روزرسانی اسناد مربوط به اصلت با توجه به تغییر ارزش‌ها و شرایط زمان. به بیان دیگر، این بدان معناست که هیچ گروه خاصی نباید بر سایر گروه‌های ذی‌نفع

عمدتاً در معنای روحانی و نمادین روزمره آن نهفته است و نه صرفاً در برتری کالبد. این موضوع توسط وای و آس (۱۹۸۹) در تفسیر خود توضیح داده شده است.

در حوزه حفاظت از بناهای تاریخی همچون کوف و شهر ممنوعه یا چنگ‌ده، اجازه انجام تعمیرات پیوسته یا حتی بازسازی کامل، در واقع نوعی تأکید بر حفظ روح بنای اصلی است. هرچند ممکن است شکل فیزیکی تغییر کند، اما روح و هدف اولیه اثر نه تنها به عنوان تداوم حفظ می‌شود، بلکه می‌تواند از طریق مشارکت نسل‌های بعدی ارتقا یابد. با این حال، در «اصول چین» دستورالعمل‌های مشخصی درباره نگهداری، مرمت‌های جزئی و کلی، و بازسازی وجود دارد (ماده ۲۸ و بخش‌های ۱۰ تا ۱۳). در راستای درک اهمیت اصلت در مدیریت میراث فرهنگی، تدوین سند نارا درباره اصلت با هدف به چالش کشیدن تفکر سنتی در حوزه حفاظت انجام گرفت. در تهیه این سند، به چارچوبی توجه شده است که توسط کمیته میراث جهانی تعیین شده بود تا «آزمون اصلت» را به شیوه‌ای به کار گیرد که احترام کامل به ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی تمام جوامع در ارتباط با املاکی که برای فهرست میراث جهانی پیشنهاد می‌شوند، حفظ گردد. سند نارا در واقع اذعان ضمنی به تنوع رویکردها نسبت به مفهوم اصلت است و نشان می‌دهد که این مفهوم محدود به درک‌های غربی از اصلت مادی و سالم‌ماندن کالبد اثر نیست. سند نارا همچنین بر لزوم احترام به تنوع فرهنگی و تمامی

میراث فرهنگی هستند، «اصلت» و «محیط/چشم‌انداز» است. به ویژه، اصلت ممکن است در فرهنگ‌های آسیایی با فرهنگ‌های غربی تفاوت‌های ظریف داشته باشد و به همین دلیل در اصول چین مورد توجه ویژه قرار گرفته است. واژه‌نامه، معادل اصیل/اصلت را «واقعی + حقیقت» تعریف می‌کند. ماده ۲۳ پیشنهاد می‌کند که ارزش هنری از اصلت تاریخی ناشی می‌شود و بخش ۲.۳.۱ بیان می‌کند که ارزش تاریخی از نحوه بازتاب اصیل واقعیت تاریخی حاصل می‌شود.

ماده ۲۴ تأکید می‌کند که محیط یک سایت میراثی-که رویدادها و فعالیت‌های مهم را بازتاب می‌دهد- باید محافظت شود. این در مقایسه با منشور بورا است، جایی که محیط به منطقه اطراف یک مکان و دیدگاه‌های بصری اطراف آن اشاره دارد. دستورالعمل‌های «مدیریت محیط» در بخش ۱۴ اصول ارائه شده و پایه‌ای برای برنامه‌ریزی مناسب سایت‌های میراثی محسوب می‌شوند. برنامه‌ریزی سایت، فرایندی است که در مدیریت میراث غالباً به درستی درک نمی‌شود و نیازمند تخصصی است که بتواند با روح مکان یک سایت ارتباط برقرار کند و مسائل مدیریت میراث فرهنگی را نیز در نظر بگیرد. بسیاری از سایت‌های جهان به دلیل برنامه‌ریزی ضعیف، امکانات جانبی نامناسب و تداخلات بصری و فیزیکی با زمین‌های اطراف، آسیب دیده‌اند. مفهوم اصلت با رویکرد آسیایی به نوسازی کالبد فیزیکی مرتبط است؛ در این رویکرد جایگزینی مصالح قابل قبول است، زیرا اهمیت مکان

در یک میراث فرهنگی برتری داده شود. همچنین باید اطمینان یافت که زمینه فرهنگی هر مکان به درستی درک شود و در صورت لزوم، شیوه شناسایی یا تفسیر آن تغییر کند. پیش از بررسی وضعیت تایلند، نمونه‌ای از تغییر در استرالیا آموزنده است:

اولورو یا صخره آیرز در مرکز استرالیا، ابتدا در فهرست میراث جهانی به عنوان سایتی طبیعی (بر پایه دیدگاه‌های اروپایی-استرالیایی از میراث طبیعی) قرار گرفت. اما در اواسط دهه ۱۹۹۰ این مکان دوباره و این بار به عنوان یک المان فرهنگی با ارزش جهانی استثنایی به رسمیت شناخته شد؛ به دلیل ارزش فرهنگی و معنوی آن برای بومیان استرالیا که آن را بخشی از «جهان اسطوره‌ای و واقعی رؤیاها» می‌دانند؛ جایی که اجداد انسانی و

14:1, 1995.

3. See http://www.international.icomos.org/e_venice.htm

4. Also see a 1993 publication for The Australian Heritage Commission, What is Social Value?: A Discussion Paper, by Chris Johnston.

5. Integrity as a value in Cultural Resource Management, by the National Park Service, Washington DC, USA. See Page, R., et al., (1998), A Guide to Cultural Landscape Reports: Contents, Process, and Techniques, US Dept of the Interior, National Park Service, Washington DC. For applications of integrity:

(a) Taylor, K., & Winston-Gregson, J., (1992), "Cultural Landscapes as an Historical Resource: A Case Study at Windmill Hill, Appin, New South Wales", Public History Review, 1:81-102.

(b) Taylor, K., (1994), "Interpretive Values and Cultural Landscapes: An Australian Perspective" in CRM, 17:7; 16-18 (Issue: Thematic Issue on Landscape Interpretation).

6. Quoted in Sullivan and Pearson, p. 225.

7. There are other countries besides Australia and China, but not many.

موجودات افسانه‌ای، دنیای کنونی را خلق کرده‌اند. برخلاف فرهنگ‌های اروپایی، بومیان استرالیا میان طبیعت و فرهنگ تمایزی قائل نیستند. مفهوم «بیابان بکر» در واقع مفهومی معنامحور و اروپامحور است. با توجه به اینکه منشورها و اصول حفاظت اساس عمل حفاظتی را تشکیل می‌دهند، و با در نظر گرفتن تفاوت در معانی اصالت میان فرهنگ‌ها، اکنون زمان آن است که تایلند با میراث فرهنگی غنی خود، سند یا منشور مخصوص خود را تدوین کند. در استرالیا، منشور بورا همچنین به مضامین تاریخی ملی و ایالتی پیوند دارد که راهنمای مطالعات میراث هستند. این مضامین رویدادها و روندهای اصلی در تاریخ را که شکل‌دهنده زندگی مردم بوده‌اند، خلاصه می‌کنند و به پژوهشگران

و مدیران میراث کمک می‌کنند تا مکان‌های تاریخی را تفسیر و تحلیل کنند و بیانگر تحولات انسانی در یک منطقه با ارزش‌های مرتبط هستند. شناخت این مضامین مهم است، زیرا به درک اهمیت فرهنگی و هویت ملی کمک می‌کند؛ مفهومی که ما را به بحث‌های آغازین بازمی‌گرداند. مضامین می‌توانند ملی، منطقه‌ای یا محلی باشند و برخی حتی پیوندهای بین‌المللی مانند سفر یا مهاجرت داشته باشند. در نتیجه، می‌توان تصور کرد که تایلند با الهام از این رویکردها، منشور یا مجموعه اصول خود را تدوین کند که از غنای فرهنگی و تاریخی این کشور بهره‌مند باشد.

References

- Australia ICOMOS, (1999), The Burra Charter: The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance 1999, Australia ICOMOS Secretariat, Deakin University, Burwood, Victoria Australia.
- China ICOMOS, (2000), Principles for the Conservation of Heritage Sites in China: see English Translation edited by Neville Agnew and Martha Denis, (2002), Getty Institute, Los Angeles, CA.
- Engelhart, R., (2002), Quoted in Asia West Pacific Network for Urban Conservation. AWPNUC Newsletter; 7:2; p.12.
- Jackson, J. B. (1983), The Necessity for Ruins and Other Topics, Univ of Massachusetts Press, Amherst.
- Lowenthal, D., (1996), The Heritage Crusade and the Spoils of History, Viking, London.
- Lowenthal, D., (1985), The Past is a Foreign Country, Cambridge University Press, New York.
- Lynch, L., (1972), What Time Is This Place?, MIT Press, Cambridge, Ma.
- McKercher, B., (2002), Cultural Tourism. The Partnership Between Tourism and Cultural Heritage Management, Haworth Hospitality Press, Bingham, NY.

Patterson D (1993), "Redefining the Sacred in the 21st Century", pp. 290-294 in Proceedings of International Symposium on the Conservation of Urban Squares and Parks, Montreal 12-15 May 1993, ICOMOS Canada.

Relph, E., Place and Placelessness, Pion Limited, London, (1976).

Sullivan, S., & Pearson, M., (1995), Looking After Heritage Places. The Basics of Heritage Planning for Managers, Landowners and Administrators, Melbourne University Press.

Taylor, K., (1999), Making Spaces into Places: Exploring the Ordinarily Sacred, Landscape Australia 2:1999; 107-112.

Wei, C., and Aas, A., (1989), "Heritage Conservation East and West", ICOMOS Information, vol. 3, 1989.

Endnotes

1. Bambang Bintoro Soedjito speaking at World Bank Conference, Culture Counts, Florence 1999.
2. Reader's Digest Oxford Complete Word Finder, Clarendon Press, Oxford, 1993. Discussion about the meaning of "meaning." See also Treib, M., (1995), "Must Landscapes Mean", Landscape Journal;



بازنگری در منشور ونیز

مدرن‌نيسم، حفاظت و سنت

ست و یکم



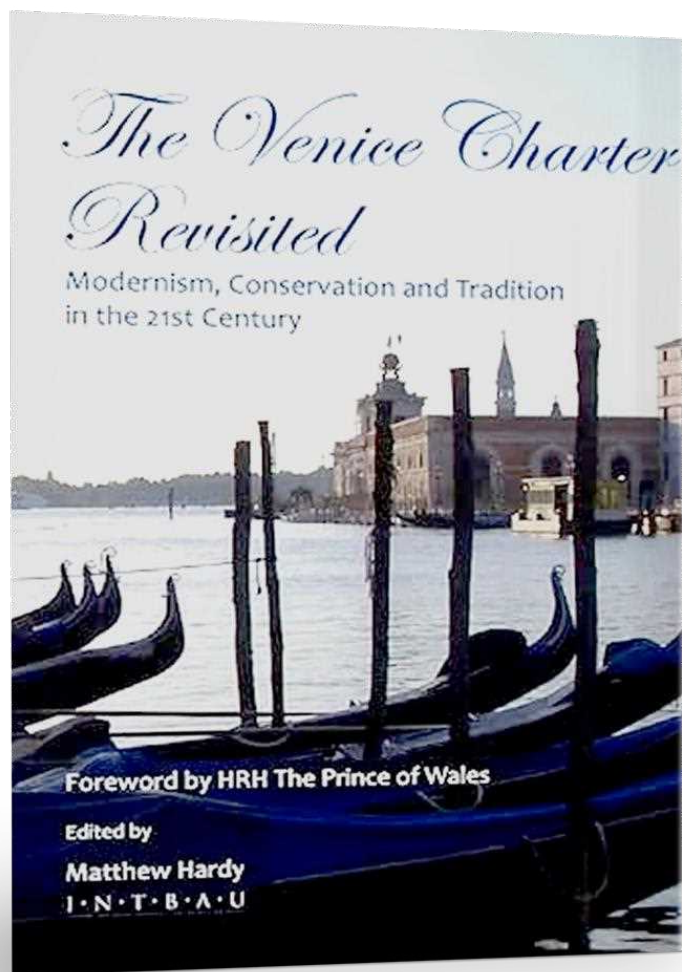
ICOM (شورای بین‌المللی بناها و جوطه‌های تاریخی)، یعنی نهاد‌های متخصصان حوزه حفاظت، مل شد. با این حال، بند ۹ منشور تأکید می‌کند «هر اثر جدید باید کیب معماری اصلی متمایز باشد نانه‌ای از دوران معاصر در خود نه باشد»، در بسیاری از موارد به سستی تفسیر و بهانه‌ای برای ساخت ای ناهماهنگ و متضاد در میان نه‌های تاریخی در سراسر جهان است. نتیجه این تفسیر غلط،

موجی از انتقادات را از سوی شهروندان در نقاطی چون سیدنی، سن‌پترزبورگ و دیگر شهرها به همراه داشته و یونسکو را واداشته تا موضوع ساخت‌وسازهای جدید در مناظر شهری تاریخی را دوباره مورد بررسی قرار دهد. کتاب «بازنگری در منشور ونیز: مدرن‌نيسم، حفاظت و سنت در قرن بیست‌ویکم» نگاهی به‌موقع و تحلیلی است به این‌که برنامه‌ریزی شهری چگونه دچار خطا شده، چرا باید اصلاح شود و چگونه می‌توان در چارچوب روح منشور ونیز،

میراث، معماری مدرن و هویت فرهنگی را مورد بررسی قرار می‌دهد. کتاب تحت سرپرستی او همچنین شامل مجموعه‌ای از مطالعات موردی از نقاط مختلف جهان است که نشان می‌دهد اصول منشور ونیز در عمل چگونه با چالش‌ها و تفاسیر گوناگون روبه‌رو شده‌اند.

منشور ونیز سال ۱۹۶۴ گامی بزرگ در جهت بهبود حفاظت از ساختمان‌ها و فضاهای سنتی بود. این منشور بعدها به سند بنیان‌گذار سازمان

و اثر را با نقش «ویراستار» Editor منتشر کرده است. او علاوه بر این، دبیر سازمان INTBAU (شبکه بین‌المللی ساختمان، معماری و شهرسازی سنتی) است و در زمینه معماری سنتی، شهرسازی و میراث معماری فعالیت‌های پژوهشی و انتشاراتی متعددی دارد. هاردی نه صرفاً یک پژوهشگر منفرد، بلکه عضوی فعال از شبکه‌ای از متخصصان جهانی در حوزه میراث فرهنگی است که هدفشان ترویج نگرشی متعادل میان نوگرایی و سنت



اشتباهات گذشته را جبران کرد.

در آغاز، کتاب به شکل‌گیری منشور ونیز و زمینه‌های تاریخی تدوین آن می‌پردازد. نویسندگان توضیح می‌دهند که منشور ونیز، به‌عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه حفاظت از میراث، پایه‌گذار رویکردهای مدرن حفاظت در جهان شد و الهام‌بخش اسنادی مانند سند نارا (۱۹۹۴) و منشور بورا (۱۹۷۹) بوده است. با این حال، یکی از نکات کلیدی که کتاب روی آن تمرکز دارد، بند نهم منشور ونیز است؛ بندی که می‌گوید هر اثر جدید باید از معماری تاریخی متمایز باشد و نشانه‌ای از زمانه خود را در خود داشته باشد. نویسندگان با ذکر نمونه‌های واقعی از شهرهایی چون لندن، سیدنی و سن‌پترزبورگ نشان می‌دهند که این بند در بسیاری از پروژه‌های معاصر به اشتباه تفسیر شده و موجب شکل‌گیری ساختمان‌هایی شده که با محیط تاریخی خود تضاد دارند و حس مکان را از بین می‌برند.

بخش گسترده‌ای از کتاب به مطالعات موردی اختصاص دارد که پروژه‌های موفق و ناموفق از سراسر جهان را بررسی می‌کند. در این مطالعات، نمونه‌هایی از مرمت‌های هماهنگ با بافت تاریخی در کنار پروژه‌هایی آورده شده‌اند که به دلیل ناهماهنگی با محیط اطراف،

ونیز ۱۹۶۴ و بیانیه‌ی ونیز INTBAU درج شده است؛ بیانیه‌ای که توسعه شهری را به سمت رابطه‌ای متعادل‌تر و هماهنگ‌تر با بافت تاریخی هدایت می‌کند.

ناشر کتاب «بازنگری در منشور ونیز» انتشارات Cambridge Scholars Publishing است؛ ناشری بریتانیایی که در شهر نیوکاسل آپون تاین (Newcastle upon Tyne) انگلستان قرار دارد و فعالیت خود را از اوایل دهه ۲۰۰۰ آغاز کرده است. این مؤسسه در حوزه انتشار کتاب‌های دانشگاهی و علمی فعال است و موضوعاتی همچون علوم اجتماعی، هنر، معماری و میراث فرهنگی را پوشش می‌دهد.

واکنش‌های منفی عمومی و حرفه‌ای برانگیخته‌اند. نویسندگان معتقدند که حفاظت نباید مانع خلاقیت باشد، اما هر نوآوری باید در چارچوبی انجام گیرد که احترام به گذشته و زمینه فرهنگی حفظ شود.

در ادامه، کتاب با نگاهی انتقادی به مدرنیسم، بر ضرورت بازگشت به نوعی «مدرنیسم انسانی» تأکید می‌کند؛ رویکردی که در آن طراحی جدید با تاریخ، فرهنگ و روح مکان گفت‌وگو می‌کند، نه این‌که آن را نادیده بگیرد. در پایان کتاب نیز متن کامل منشور